



رستوران میشو



میزبانی بر یادماندنی در مجلس شما



سعادت اباد، بلوار شهرداری، یابین تر از اتوبان یادگار امام، جنب خیابان شهید حسینی

22 14 72 11 | 22 14 72 10 | 22 13 44 29 | 22 14 72 13 | 22 14 72 12

Instagram icon | Mishov.restaurant

## پذیرش آگهی در فصلنامه پیام شبستر

فصلنامه پیام شبستر آماده درج آگهی‌ها و تبلیغات شما می‌باشد.

درج آگهی در این نشریه علاوه بر آنکه در معرفی شما به هم‌شهریان ابزاری مناسب خواهد بود، بدلیل نوع مطالب مندرج در آن که منجر به ایجاد انگیزه برای نگهداری طولانی مدت مجله می‌گردد، اثری طولانی خواهد داشت. ضمن آنکه با سفارش آگهی، دست‌اندرکاران را در تداوم انتشار مجله، که برای سال‌ها از آرزوهای مردم فرهنگ دوست شهرستان بود، باری نموده و از این جهت فعالیتی فرهنگی نیز محسوب می‌گردد.

شماره‌های دریافت آگهی:

فکس: ۰۲۱-۶۶۹۳۷۳۶۴

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۳۹۲۹۴

## فراخوان مقالات

دست به دست هم دهیم تا سرزمین مادری را به مکان بهتری برای زندگی تبدیل نمائیم. فصلنامه پیام شبستر تریبونی برای تمامی اهالی منطقه و فرصتی برای چاپ مقالات، خاطرات، اسناد، عکس‌ها، داستان‌های شما و پیشنهادات و انتقاداتتان در خصوص فعالیت‌های نهادها و ارگانهای دولتی و غیر دولتی می‌باشد.

- مطالب حتی‌الامکان کوتاه و حداکثر برای ۴ صفحه نشریه تهیه، تایپ و از طریق ایمیل ارسال فرمایید. چون مطالب به نام خودتان چاپ خواهد شد لذا درج نام و نام خانوادگی الزامی است.

- منابع مطالب در گیومه مشخص گردد.
- تحریریه در رد، تلخیص و ویرایش مطالب ارسالی آزاد است.
- مسئولیت مطالب و آگهی‌ها به عهده نویسنده و سفارش دهنده است.
- استفاده از مطالب مجله با ذکر منبع آزاد می‌باشد.

صاحب امتیاز: جمعیت خیریه شبستریهای مقیم تهران

مدیر مسئول: جمشید صالحی شبستری

سردبیر: سید حسین غزالی

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر حسن امین‌لو، حسین روشن، محمد رضا رونقی، اکبر صالحی

شدنی، جاهد فیضی زاده، ابوالفضل موحد، ابوالفضل هدایتی آذری

مدیر مالی: جمعیت خیریه شبستریها

مدیریت پشتیبانی و تدارکات: جمشید کتانی - محمد فعال

مدیریت اجرایی: سیدمحمد ورنذیلی

روابط عمومی: حسین شوقی - فرج کریمی

مدیر هنری و ناظر چاپ: فرزانه عالمی

صفحه آرا و گرافیک: فاطمه تیموری

نسخه الکترونیک: امیر درخشان پور

همکاران: محمد چابک، فتح‌اله کمالی اصل، عباس امیر هدائی، حسین اقدسی

بهمن صالحی، مهدی فرید پور

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۷۹۱۸۸

فکس: ۰۲۱-۶۶۹۳۷۳۶۴

۰۲۱-۶۶۴۳۹۲۹۴

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۸۴۶۷

پست الکترونیکی: Payameshabestar@gmail.com

سایت: www.payameshabestar.ir

مجله پیام شبستر در کلیه نقاط به‌ویژه شهرستان شبستر و تهران نماینده می‌پذیرد. شما نیز در صورت علاقه همکار افتخاری ما باشید.

کلیه خیریه‌های شهرها و آبادی‌های شهرستان شبستر در صورت علاقه می‌توانند ما را در پخش فصلنامه شبستر یاری و پشتیبانی نمایند.

مشترک گرامی: فصلنامه پیام شبستر در آینده به دو صورت الکترونیکی و چاپی منتشر می‌شود. اشتراک سالیانه الکترونیکی ده هزار تومان و اشتراک سالیانه چاپی پنجاه هزار تومان است. لطفاً نوع اشتراک خود را اعلام فرمایید. ضمناً برای ماندگاری و نگهداری می‌توانید از حالا مجموعه چاپی را رزرو نمایید.

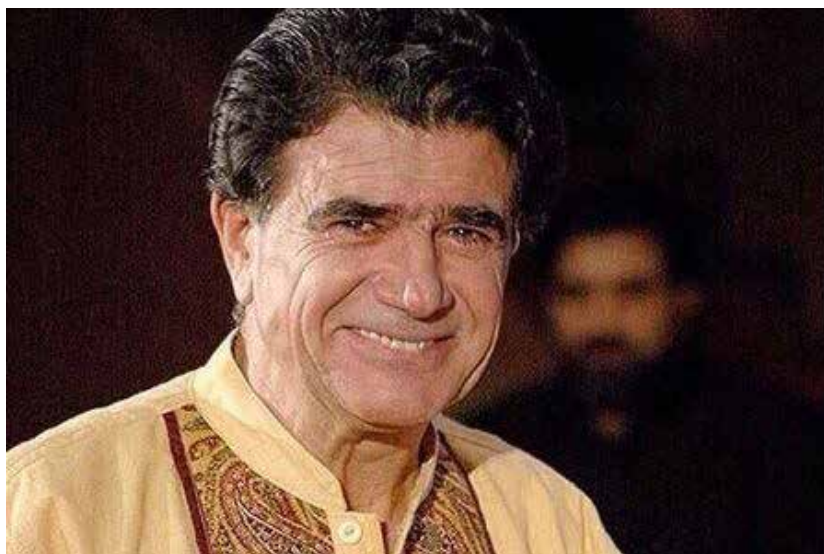


صفحه	سرفصل	عنوان	نویسنده/تهیه کننده
۴	سخن مدیر مسئول	کینه و نفرت	جمشید صالحی شبستری
۶	مقالات	ننجه سن قانماییم، فالاسان یانا یانا؟!	سید حسین غزالی
۸	مقالات	مسئله گرانی زمین و مسکن در شبستر	بابک نوخیز
۱۰	تاریخ و جغرافیای شبستر	محلّه شبگاه	اسماعیل اسماعیل زاده شبستری
۱۲	شهرها و آبادیها	مئشین(مشنق)و تاریخ آن	حسین محمد خانی «گونئیلی»
۱۴	نیک نامان	حاج عبدالعلی خبازی	
۱۵	نیک نامان	حاج عبدالمحمد حیدری	
۱۶	ادبیات محلی	یاغیش، یاغسا دا یاغماسادا یازیق اولاجاغیق	اکبر صالحی «قاداش»
۱۷	ادبیات محلی	آریلیرام / میرزه قافار آغا	باقر موحد
۱۸	ادبیات محلی	اوستاد نادر الاهی دن ایکی شئعر	نادرایلاهی
۱۹	ادبیات محلی	مמוש	علی اورمان
۲۱	ادبیات محلی	زوپا لازیم دیر هردن	اصغر ساعی «وولکان»
۲۲	ادبیات محلی	ایش اوشاقلاری(کودکان کار)	
۲۳	ادبیات محلی	آغیر اوتور، آغیر دولان، آغیر دور	سید بیوک ممدوحی
۲۴	ادبیات محلی	سؤزلوک / الیمیزه چاتان مکتوبلاردان	
۲۵	ادبیات محلی	بیلمه دیم / تله سیرم	میرزا علی معجز / اکبر صالحی «قاداش»
۲۶	ادبیات محلی	رقیه کبیری کیم دیر؟	آیهان میانالی
۳۰	ادبیات کودکان و نوجوانان	پسرک فقیر	
۳۱	ادبیات فارسی	کیستی تو / چیستان و معما	محمد رضا رونقی
۳۲	ادبیات فارسی	نگاهی دوباره به حکیم عمر خیامی	میر حسن ولوی
۳۴	ادبیات فارسی	احمد شاملو	
۳۵	اندیشه	تقلید	ابوالفضل هدایتی آذری
۳۶	از دریاچه ارومیه چه خبر؟	از دریاچه ارومیه چه خبر؟	جاهد فیضی زاده
۴۰	دانستنی‌ها	فرزند خواندگی در پرتو حقوق ایران	صونا سفیری
۴۴	دانستنی‌ها	خواص درمانی آنتی اکسیدانی و تغذیه ترکیبات زیست فعال موجود در زنجبیل	رقیه نصیرزاده دیزجی / بابک قنبرزاده اکرم پزشکی
۴۶	دانستنی‌ها	آش هویج سیاه «قره یئرکؤکی آشی»	ام البنین خسروی
۴۷	طب سنتی	جلوگیری از تورم پروستات و معالجه آن با گیاهان دارویی	دل افروز دلربا
۴۸	گزارش	پروسه طولانی اداری موانعی بر سر انبوه سازان	محمد رستم پور
۴۹	اخبار	اخبار	
۵۱	معرفی کتاب/ با مخاطبین	«جنگ دوم سگ» / با مخاطبین	شیوا کمالی اصل / سیدمحمد ورندیلی
۵۲		خیرین فرهنگی شهرستان شبستر(شماره تابستان ۹۹)	
۵۴	جدول	جدول	محمد رونقی

## نيک فرجام



جمشيد صالحی شبستری



همچنين با نگرش به لايکها و کامنتها در فضای مجازی و تعداد بازدیدکنندگان آنها همه نشان از آن دارد که این انسان والا یکی از پرآوازه‌ترین چهره‌های معاصر ایران و پیونددهنده دل‌های زنان و مردان ایرانی اعم از پير و جوان با هر دين و اعتقاد و گرايشات سياسی بوده و یک چهره محبوب يا به عبارت بهتر سرمايه عظيم اجتماعی کشور بودند و لذا زاويه داشتن صدا و سيمای جمهوری اسلامی، مقامات کشوری و دواير سازمان‌های دولتی قابل بحث و تأمل بوده و جبهه‌گیری آنها در مقابل گرايشات مردم در حالی که خود را صاحب دموکراسی يا به بيان واضح‌تر مردم سالار می‌نامند با هيچ منطقی قابل قبول و پذيرش نمی‌باشد.

پس بیائيد با هم پيرو و رهرو این انسان‌های والا مقام باشيم و لحظه‌ای بياندیشيم اگر این داشته‌های دنیوی را از ما بگیرند چه از ما باقی می‌ماند؟ به این مردم و میهن خود چه کرده‌ایم و چه اثری از ما باقی خواهد ماند.

به ديار حق شتافت، ساليان درازی با آن نوای آسمانی و دل‌انگيز خود مردم را از غم دوران فارغ می‌کرد و به ملکوت می‌برد. چه به آواز روح‌بخش با اشعار عطار و مولانا و حافظ و ... و چه با قرائت دل‌نواز قرآن و چه با آن ربنای ملکوتی دم افطار و چه با آن خلوص و انسانیت والای خود ساليان زیادی به ملت ايران خدمت کرد. مردم قدرشناس نیز در این وانفسای کرونا که برای تهیه مايحتاج خود به آکراه از خانه بيرون می‌آيند با چه شور و شعفی در جلو بیمارستان، بهشت زهرا و باغ طوس در کنار آرامگاه فردوسی او را بدرقه کردند. آیا نیک‌فرجام نشد و مصداق این بيان حکيمانه شيخ شيراز نيست؟

سعديا مرد نکونام نميرد هرگز

### مرده آنست که نامش به نکوئی نبرند

با توجه به پيام‌های تسليت و همدردی اصحاب فضل و هنر و چهره‌های محبوب مردمی و سازمان‌های مردم نهاد و پوشش خبری گسترده مطبوعات داخلی و خارجی و خبرگزاری‌ها و رسانه‌های بين‌المللی و

بنام آنکه جان را فکرت آموخت  
فرجام نیک يا بعبارتی ديگر عاقبت  
به خیري آیا شامل تمام مخلوقات  
می‌شود؟

یک حيوان هرچقدر خوب باشد و کارهای شايسته و مفيد انجام دهد و يا یک نبات هرچقدر بار و محصول عالی بدهد بعد از آن که از بين رفت هيچ اثری نمی‌ماند و فراموش می‌شود؛ چون تاريخ مخصوص انسان‌ها است که دارای اندیشه و حافظه هستند و نیک و بد آنها باقی می‌ماند. کما این که بعد از ساليان سال جنایات جنگی و هیتلر و ... فراموش نشده‌اند و يا افلاطون و ارسطو و ويکتور هوگو و نيچه و تولستوی و فردوسی و امام غزالی و سعدي و حافظ و مولانا و ابن‌سینا و رازی و ... را همه به نيکی ياد می‌کنند و يا در ديار خودمان کسی نيست که شيخ‌محمود و معجز و خيابانی و دریانی و درخشانی و عاشيق قشم و جمالی و ... را نشناسد و به خوبی از آنها ياد نکند. به‌همین خاطر است که اندیشمندان زیادی عقیده دارند: ملتی که تاريخ ندارد يا به تاريخ خود آشنا نيست محکوم به فناست.

نام نیک و فرجام نیکو به اصل و نسب و منزلت و قدرت و دارائی ارتباطی ندارد. همان‌طور که يعقوب ليث‌صفاری رويگرزاده بود و يا آبراهام لينکن کفاح‌زاده بود و در اثر کار و تلاش به مقام رسيدند و يا گاندی و نلسون ماندلا و امير کبير و مصدق صاحب مقام بودند ولی فريفته آن نشدند و يا لئونارد داوینچی، فرانک نانکين کل، ام کلثوم، و اسناد بنان و استاد بهزاد هيچ مقام و قدرتی نداشتند ولی همه از نیک نامان‌اند و نیک فرجام، استاد محمدرضا شجریان که به تازگی

## حضور امیر ارشد قره‌داغی<sup>(۱)</sup> در دهستان تیل

داشت در مراسم شامی که در سلماس ترتیب داد مارشیمون و ۱۵۰ نفر از نیروهای وی را با همکاری برادرش و نیروهایش که در پشت بام منازل جلوگیری کرده بودند مورد هدف قرار داد و از پای در آورد.

کشته‌شدن مارشیمون به دست اسماعیل و خونخواهی خواهر مارشیمون باعث شعله‌ورتر شدن جنگ و خونریزی‌های فراوان در این منطقه شد و افراد بی‌گناه زیادی در این میان کشته شدند. زمین ماندن صدها جنازه بر روی زمین و عدم اجازه دفن آن‌ها به مردم توسط متجاوزین، شیوع انواع بیماری‌های واگیردار، کشتارها و نسل‌کشی‌ها جمعیت و قدرت اهالی منطقه را به شدت کاهش داد تا جایی که محصول و میوه باغات در تابستان روی درختان ماند و در اکثر روستاها کسی برای برداشتن و چیدن محصول پیدا نشد.

خونخواهی از مردم بی‌دفاع توسط سرمه، خواهر بنیامین، و کشته‌شدن دوباره مردم بی‌دفاع توسط این میهمانان یاغی و تاراج اموال آنان به هر بهانه واهی داستان روزمرگی آن روزهای مردم شده بود. دولت عثمانی با این که خودش درگیر جنگ با چندین کشور بود درخواست رهبران آذربایجان را اجابت و قشون بزرگی به رهبری انور پاشا و نوری پاشا به منطقه اعزام کرد که سبب رهایی مردم منطقه و اخراج جیلوها و ارامنه از آذربایجان شد (۳) اما بعد از خروج عثمانی‌ها و پس از کش‌وقوس‌های فراوان، تاراج اموال مردم و خلع سلاح ترک‌ها و مردم بومی این منطقه توسط اکراد یاغی ادامه می‌یابد (۴) تا این که امیر ارشد قره‌داغی از طرف نماینده حکومت سلطنتی مأمور می‌شود تا با همراهی قوای ژاندارمری و دولتی به غائله سمیتقو در سلماس خاتمه دهد. مادر این جانب خانم سکینه حسنی از زبان مادر بزرگشان (مادر مادرشان)، خانم معصومه حسینی کوه کمری، (۵) اهل هریس، همسر حسین خان فتحی تیلی، عروس طایفه حاجی‌خان، چنین نقل می‌کند: «امیر ارشد که موقع ورود به منطقه انزاب آوازه شجاعت، میهمان‌نوازی و آزادیخواهی اهالی تیل را که زبانزد مردم منطقه بود می‌شنود- با توجه به موقعیت جغرافیایی دهستان تیل جهت استراحت و تغذیه قشون ۳ هزار نفری - قراولانی را برای کسب رضایت به خانه حاجی‌خان می‌فرستد حاجی‌خان با روی گشاده از قراولان استقبال می‌کند. تعدادی از فرماندهان و مدیران قشون از

مهندس سیدکمال موسوی ساداتی کارشناس ارشد سازه دهه پایانی سده ۱۳، ایران به‌خصوص آذربایجان آبتن حوادث زیادی بود. از حوادث تلخ این دوره می‌توان به کوچ جیلوها (آشوری‌ها) و ارامنه از عثمانی و پذیرایی و مهمان‌نوازی مردم ترک ارومیه از آن‌ها و سپس کشته شدن مردم آذربایجان به خصوص مردم ارومیه و سلماس به دست آن‌ها اشاره کرد. در آن دوره خزانه دولت خالی بود و دولت مرکزی قدرت چندانی نداشت تا نیروی نظامی مجهز و بزرگی به آذربایجان گسیل کند و اگر هم کمکی ارسال می‌شد به‌خاطر کوچک بودن و ناچیز بودن کمک‌ها نتیجه‌ای عاید مردم منطقه و کشور نمی‌شد. آشوریان (جیلوها) و ارامنه شرق عثمانی با اطلاع از تصمیم دول اروپایی و آمریکا و روس برای تشکیل یک کشور ارمنی و آشوری در غرب آذربایجان، دست به کشتار و قتل و غارت زدند. دولت عثمانی در مقابل این اعمال، آنان را وادار به کوچ اجباری به غرب آذربایجان کرد. ارامنه با ورود به این مناطق چپاول و آدم‌کشی‌های بی‌رحمانه و بی‌سابقه‌ای را در این مناطق مرتکب شدند. معادلات جنگ جهانی اول و تصمیم دولت‌های اروپایی و آمریکایی جهت تشکیل کشور ارمنی و آشوری در غرب آذربایجان فرصت مغتنمی به ارامنه و آشوریان داد تا پس از شورش علیه عثمانی و اقدام قاطعانه عثمانی در مقابل آن‌ها با کوچ اجباری به غرب آذربایجان یاغیگری، چپاول و آدم‌کشی‌های بیرحمانه‌ای در این مناطق بزنند. در این بین اسماعیل آقا سیمکو یا سمیتقو نیز، که از کردهای ایالت طایفه شکاک در مرز ایران و ترکیه بود بعد از خروج روسیه از ایران دست به شورش زده همراه و یا بعضاً مستقل از مسیحیان جنایات زیادی را در این منطقه مرتکب شد. تشویق و ترغیب مسیحیان از طرف کنسولگری‌های آمریکا، فرانسه، روسیه از یک طرف (۲) و از طرف دیگر هم پیمان شدن سمیتقو با آن‌ها و سنگ‌اندازی جهت جلوگیری از اتحاد مسلمانان باعث خونریزی‌های بیشتری در این منطقه شد. برای این که نفرت نظامی مارشیمون جهت رسیدن به اهدافش و تشکیل کشور ناکافی بود، جلسه‌ای ما بین بنیامین مارشیمون و سمیتقو برگزار شد. در این جلسه مارشیمون به عنوان رهبر حکومت و سمیتقو به عنوان فرمانده نظامی تعیین گردید؛ اما مصوبات این جلسه خوشایند سمیتقو نبود. ظاهراً وی نقشه بزرگ‌تری در ذهن

حاجی خان را به کناری کشید و گفت: «امیر ارشد را با نامردی از پشت توسط نیروهای خودی زدند (۸) اما مشخص نشد چه کسی بود و تا آمدیم این قضیه را حلای کنیم، شیرازه قشون از هم گسیخت و سرعت عمل دشمن فرصت سازماندهی را از ما گرفت.

بعد از رفتن قره‌داغی‌ها برای این که احتمال تاراج اموال خانه ما نیز وجود داشت ما نیز بارو بنه را بستیم و وسایل گران قیمت و طلا و نقره‌جات را در چاه‌هایی که به قاچاقاشلیخ قویوسی معروف بودند، مخفی کردیم. تعدادی از مردان خانواده و خدمتکاران در منزل جهت مراقبت ماندند و ما همراه خان‌ها و بچه‌ها و بقیه مردان خانواده سوار اسب‌ها شدیم. پس‌ریچه سه‌ماهه‌ای را که اولین فرزندم نیز بود را در بغل گرفتم و به طرف دریان راه افتادیم از شدت سرما فرزندم ذات‌الریه کرد و مرد و ما چند روز در دریان ماندیم تا اوضاع آرام شد. سپس به خانه برگشتیم.»

**۱** رستم خان حاج علیلو که در دستگاه مظفرالدین شاه در تبریز دارای مقام و رئیس ایل و قره سواران بود چند پسر داشت. که یکی از آن‌ها محمدحسین ضرغام نظام بعدها سردار عشایر شد و دیگری که بعدها امیرارشد و سردار ارشد لقب می‌گیرد. پس از کش و قوس‌های فراوان که این دو برادر ابتدا در جرگه قوای دولتی و سپس در جرگه‌های مشروطه قرار می‌گیرند. اینک پس از قیام شیخ محمد خیابانی و رونق کار او باز این دو برادر حاضر به تمکین از او نشدند به دستور خیابانی سردار عشایر در تبریز دستگیر و زندانی شده و جوادخان حاجی خواجه را مأمور می‌نماید که با کمک سایر روسای ایل قره‌داغ به امیرارشد حمله کرده و دستگیر نمایند اما بعد از حمله از امیرارشد شکست سختی می‌خورند خیابانی دوباره یک عده ژاندارم و مجاهد از تبریز به سر امیرارشد روانه می‌کند که این مسئله هم‌زمان با وقوع قتل خیابانی منتفی می‌شود همین که خیابانی به قتل می‌رسد مسئله اسماعیل سمیتقو مطرح شده و به اصرار نخست‌وزیر قوام‌السلطنه مأمور جنگ با او می‌شود قوام‌السلطنه از سردار عشایر که اینک حاکم قره‌داغ بود قول گرفت برادرش امیرارشد را به جنگ با سمیتقو بفرستد. او هم نامه‌ای به امیرارشد برادرش نوشت و از او درخواست کرد که این کار را قبول کند و گرنه خودش به جای او خواهد رفت. امیرارشد وقتی نامه برادرش سردار عشایر را می‌بیند ملاحظه می‌کند که در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته است و پس از مشورت با سران و بزرگان قبایل و عشایر و در میان موافقان و مخالفان برخلاف میل باطنی به طرف

جمله امیرارشد در خانه حاجی خان ساکن می‌شوند (۶) بقیه قشون به لحاظ زیادی نفرات در پایین ده مستقر می‌شوند (۷) بعد از استراحت و تجدید قوا امیرارشد از حاجی خان می‌خواهد که برای جیره غذایی قشون در مسیر تسوج به سلماس گندم تفت داده (قوغورقا) بین سربازان پخش کنند. حاجی خان با نظر امیرارشد موافقت می‌کند و گندم تفت داده شده به دستور حاجی خان بین تمامی سربازان پخش می‌شود به طوری که تمامی سربازان حتی جیب‌های خود را از گندم تفت داده شده پر می‌کنند و سپس آن‌ها را با عزت و احترام راهی سلماس می‌کنند.

امیرارشد و نیروهای تحت امرش بعد از رسیدن به سلماس در ده معروف شکر یازی که به جنگ شکر یازی معروف شد در روز اول جنگ شکست سنگینی را بر اسماعیل سمیتقو وارد کرده و آن‌ها را وادار به فرار می‌کنند و تقریباً به غیر از چهریق که محل استقرار اسماعیل بود تمامی نقاط را از اراذل و اوباش کرد خالی می‌کنند. اما درعین ناباوری و درحالی که همه قشون تصور می‌کردند جنگ به زودی با پیروزی قوای دولتی و امیرارشد خاتمه خواهد یافت، امیرارشد با شلیک گلوله‌ای کشته می‌شود و قشون از هم گسیخته و متواری می‌گردد. سربازان در آن سرمای شدید زمستان بلافاصله به طرف تبریز از مسیر گونئی راهی می‌شوند. خبر شکست قوای دولتی به گونئی می‌رسد و این خبر که احتمالاً گونئی و انزاب باز هم محل تاخت و تاز افراد سمیتقو و یارانش شود شدیداً مردم را مضطرب می‌کند.

مادرم از زبان مادر بزرگش چنین نقل می‌کند: «در یکی از شب‌های زمستان آن سال که سرمای بسیار شدید و استخوان‌سوزی بر منطقه حاکم بود و بیداد می‌کرد (تو دئییردین یئره دوشموردی- اصطلاح ترکی) ناگهان در تاریکی شب صدای کلون در به گوش‌مان رسید در را که باز کردیم دیدیم چند نفر از نیروهای امیرارشد هستند که از سرما مثل بید بر خود می‌لرزند. سراپای وجودشان پر از برف بود و قندیل‌های یخ از سیل‌هایشان آویزان شده بود (بغ لارین نان بوز آسالنمیشدیر- اصطلاح ترکی) همان سربازانی بودند که موقع رفتن به سلماس آن‌ها را بدرقه کرده بودند. وارد خانه شدند بعد از گرم شدن و پذیرایی شروع کردند به شرح قضیه. از رشادت نیروها و امیرارشد و از چگونگی کشته شدن امیرارشد گفتند. بعد از چند ساعت استراحت، آماده حرکت به طرف تبریز شدند. به ما نیز توصیه کردند با توجه به شکست نیروها و احتمال تعقیب شان توسط نیروهای سمیتقو و عمرخان لازم است ما نیز آماده باشیم. موقع خداحافظی یکی از نیروها که بسیار ناراحت بود آرام

از ابتلا به صدمات و تضییق و فشار فوت گردیده و یک عده هم که به عبارت از مسیحیان بومی باشند مهاجرت نموده و مال حال آن‌ها هم معلوم نیست.

اکثر دهات به کلی خالی از سکنه شده یعنی از نفوذ و ساکنین آن‌جا احدی زنده نیست قسمت اعظم شهر هم خراب و ویرانی و خالی از نفوس است. بعضی خانواده و خانوار در شهر و دهات به کلی چیده گردیده وارثی باقی نمانده است. اکثر و بلکه عموم محترمین و ملاک از تهیه قوت یومیه عاجز می‌باشند خسارت مادی و معنوی تا یکصد میلیون تومان تخمین می‌شود...

۴ کتاب ارومیه در محاربه عالم‌سوز به قلم رحمت الله‌خان معتمدالوزاره و به کوشش کاوه بیات در ص ۴۵۳ می‌نویسد.

#### ترقی قیمت تفنگ

از شدت فشار و کتک و اوضاع طاقت‌شکن هرکس که در آن‌جا بوده و تفنگ داشته یا خودشان با همراهی افراد آمده برده و می‌دادند و یا آدم فرستاده آمده بردند. بدبختانه هرکس که تفنگ داشت و می‌داد به آن متقاعد نشده از بعضی اشخاص تا ۵۰ قبضه تفنگ می‌خواستند. چون مسئله عمومیت داشته هیچ‌کس نمی‌توانست تفنگ بفروشد. لابد بودند که افراد بگیرند و قیمت تفنگ تا ۴ مقابل ترقی نمود.

حقیقتاً دل انسان از تصور این اوضاع خون می‌شود مردم به شداید و مصائبی گرفتارند که نظیر آن در تواریخ دیده نشده است. حالت ولایت و پریشانی ارومی معلوم است. دو سه سال است اهل این ولایت با فروختن اسباب و اثاثیه امرار معاش می‌نمایند که آن هم تمام شده است. حال هم دچار این بلیه ناگهانی گشته اند. نه تفنگ دارند بدهند نه چیزی باقی است بفروشدند و نه پول دارند بخرند و نه دست می‌کشند. آنست که مصائب مردم فوق تصور و اشخاص محترم را در زیر چوب بی‌حس و بی‌حرکت می‌نمایند. باز انصاف و رحم نکرده چوب و قنداق تفنگ به سر و دست و چشم و روی آدم می‌زنند و می‌شکنند و خورد و خمیر می‌کنند. هرچه قسم به خدا و قرآن پیغمبر می‌خورند به خرج کسی نمی‌رود و غیر از تفنگ و قدرت چیزی در میان نیست. خداوند خودش به فریاد مخلوق عاجز و درمانده برسد و فریادرسی فرماید که فشار و ضیق و فلاکت و ذلت و رذالت از حد و اندازه گذشت.

۵ اصل و نصب طایفه حاجی‌خان و راوی داستان خانم معصومه حسینی و خانم سکینه حسینی

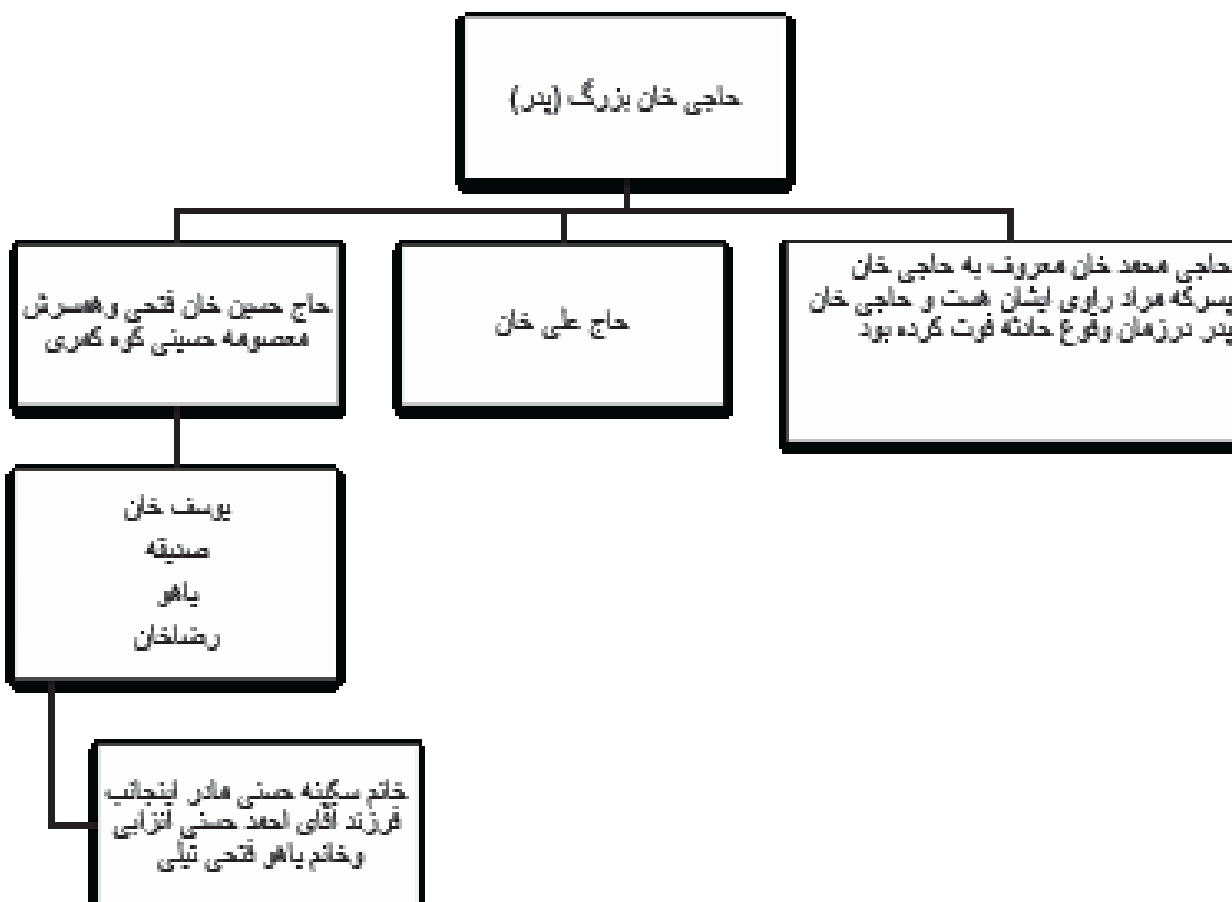
غرب آذربایجان با نیروهای خود و قزاق و ژاندارم‌ها عزیمت می‌نماید. غافل از این که در پشت پرده نقشه مخبرالسلطنه دشمن قسم‌خورده این دو برادر این بوده که در جنگ سردار ارشد از بین برود و در مقابل نظر قوام‌السلطنه این بود که در صورت پیروزی هم، سردار امیرارشد را در مقابل رضاخان سردار سپه علم کند.

۲ روزنامه تجدد، سال اول، ش ۸۰ صص ۱-۲ (چهارشنبه ۲۲ جمادی الاولی ۱۳۳۶)

آشوری‌ها و جلوها که در ولایات غربی آذربایجان اولاد آذربایجان را از دم شمشیر گذرانیده، با توپ و تفنگ تدهیش، و در آتش مستولی، احراق می‌کنند همان آشوری‌ها و جلوها هستند که انگلیس‌ها، فرانسوی‌ها و آمریکایی‌ها آن‌ها را حمایت می‌کنند سلاح به دستشان می‌دهند و گویا برعلیه کردها تجهیز و تنظیم می‌نمایند ..... تفنگ‌های آشوری‌ها با پول آمریکایی‌ها خریداری شده آذوقه آن‌ها را مستر شد تهیه می‌کند نظام آن‌ها را دکتورها و افسرهای فرانسوی متعهد شده‌اند این نقشه‌های خونین را، انگلیسی‌ها برای آن‌ها می‌کشند! و قتل‌عام ایرانیان و احراق شهر ارومی، برای مدافعه آشوری‌ها از هجوم افراد عثمانی است!

این آشوری‌ها از خاک عثمانی آمده‌اند و در عثمانی مرتکب همین‌گونه فضاخ شده در تحت حمایت روسیه قدیم به ایران گذشته‌اند و چندین سال آب و نان ایرانیها آن‌ها را پرورش داده مارشیمون رئیس آن‌هاست و فرمانده قوای آشوری پتروس نام دارد.

۳ کتاب ارومیه در محاربه عالم‌سوز به قلم رحمت‌الله‌خان معتمدالوزاره و به کوشش کاوه بیات در ص ۲۰۰ می‌نویسد: شرح واقعات و اتفاقات اسفناک ۶ ماهه ولایات خرابه ارومی به قراری است که در این کتابچه توضیح یافته است و محض این که مطلب زیاده از مفصل نشده و باعث تصدیع اولیای امور نشود حدالامکان اختصاراً عرض نموده و از جزئیات موقوف اغماض کرده و همچنین از اکثر فجایع و فضایی پرده برداشته و شرح نداده است در هر صورت ولایت ارومی که بهشت مملکت ایران بود حالیه به واسطه احراق و خرابی عمارت و امکانه در شهر و دهات در هر جانب تلال خاکستر تشکیل یافته و مناظر مدهش احداث گردیده است این ولایت خراب که طولاً بیست فرسخ و عرضاً هشت فرسخ و چندین محالات بزرگ و آباد و حاصلخیز و خوش آب‌وهوا را دارا بود و موافق تخمین صحیح سیصد هزار نفوس در عرض این مسافت سکونت داشت فعلاً به‌طور مسلم پنجاه هزار نفر باقی نمانده است زیرا که متجاوز از پنجاه هزار مقتول و یک عده‌ای که متجاوز از یکصد هزار نفر است



۸ آقای ابراهیم پورحسین خونیک در کتاب بحران آذربایجان و نبرد شکر یازی و ساری داش چنین می‌نویسد «راجع به تیر خوردن امیر ارشد توسط نیروهای خودی سرهنگ بایبوردی در کتاب خود چنین اظهار عقیده می‌کند، پس از فوت امیر ارشد اسم مخبر السلطنه و سرهنگ کربلایی علی‌خان در افواه شایع بود. به همین جهت است در رجال مشروطیت هم اشاره رفته و خود سردار عشایر پس از کشته شدن امیر ارشد در تلگرافی که به عمال خود در نقاط مختلف مخابره می‌کند می‌گوید: امیر ارشد در بالای شکر یازی تیر قضا خورده. محمود بن هاشم نوه امیر ارشد نقل می‌کند که روزی نوه کربلایی علی‌خان سرهنگ که برای معالجه به مطب برادرم دکتر سعید آمده بود. ضمن صحبت قبول کرد که پدر بزرگش کلبعلی‌خان در جنگ شکر یازی بعد از آن که سمیتکو از قوای امیر ارشد شکست خورده و فرار می‌نماید، کلب علی‌خان امیر را از پشت سر هدف قرار داده و او را می‌زند که در این حین امیر کشته می‌شود. نوه کربلا علی نخجوانی ضمن صحبت ادامه داد که این عمل او را بسیار خوشحال کرده.»

۶ آقای ابراهیم پورحسین خونیک در کتاب بحران آذربایجان و نبرد شکر یازی و ساری داش در کتاب خود چنین می‌نویسد: «تجمع سپاه و قرارگاه فرماندهی امیر ارشد تسوج بوده ولی خود سردار در روستای تیل مستقر بود و هر روز جهت رسیدگی به امور سپاه وارد تسوج می‌شد»

۷ سرهنگ بایبوردی در کتاب ارسباران از زبان مخبر السلطنه چنین نقل و قول می‌کند که «چون شنیدم از سواران او، قلبا با او همراه نیستند خودم به شرفخانه رفته با امیر ارشد صحبت کردم که از بین سواران خود هزار نفر که طرف اطمینان است انتخاب کند به حرف من گوش نداد و شاید همان مخالفین او را زدند سرهنگ کربلایی‌خان را برای نقاط تاکتیکی و حسین‌خان دیار را برای تنظیم تلفن به او سپرده برگشتم» اما به نظر حضور امیر ارشد در دهستان تیل و خانه حاجی‌خان علاوه بر حس میهمان‌نوازی تیلی‌ها به خاطر محدود بودن ظرفیت در پذیرایی نفرات قشون با توجه به گستره نفرات قشون که نزدیک ۵۰۰۰ نفر بودند باشد. و یا اختلاف امیر ارشد با بعضی از نفرات لشکریان دولتی و عدم اعتماد به آن‌ها بر اساس گفته‌های مخبر السلطنه باشد.



# محلہ براب



اسماعیل اسماعیل زاده شبستری



به طوری که صدای مؤذن از بالای مناره در روستاهای اطراف نیز شنیده می‌شد، لازم به یادآوری است در سال‌های گذشته ناظرین مسجد جامع عبارت از مرحومین کربلایی نقی اشرفی به همراهی و همکاری آقایان حاج محمد جعفر ردادی و حاج علی اکبر کریمی موحد بودند، که در حال حاضر متولی آن حضرت آیت‌الله محسن مجتهد شبستری می‌باشند که آقای حاج خلیل ردادی به عنوان نماینده ایشان امور مربوط به مسجد را انجام می‌دهند. سمت دیوار جنوبی مسجد مشرف به باغچه‌ای بود که تعدادی پنجره جهت تأمین روشنایی نصب شده بود که در حال حاضر در عرصه آن ساختمان دفتر امام‌جمعه و واحد مسکونی برای سکونت ایشان و در جوار آن مدرسه علمیه به منظور تدریس علوم دینی به طلاب احداث گردیده است. همچنین در قسمتی از زمین مذکور به سمت کوچه سرویس‌های بهداشتی زنانه و مردانه احداث شده که مورد استفاده مردم قرار می‌گیرد. قابل ذکر است قبل از احداث خیابان جنوب به شمال گلشن راز، تردد به طرف شهرها و روستاهای واقع در غرب شبستر از مقابل مسجد جامع و

محلہ مذکور در سمت غربی محلہ شبگاه قرار دارد. در گذشته ابتدای آن میدان وسیعی به نام برومیدانی وجود داشت. همچنین در قسمت شرقی آن دو دهنه آب‌انبار خالی از آب به دلیل عدم پیش‌بینی محل تأمین آب مورد نیاز آن احداث گردیده بود که بدون استفاده مانده بوده، معجز در مورد آن چنین گفته است:

بیرجوت انبار قیر میشوخ برغدا  
سویی ذیلده موصولقلاری میشودا  
سو سوز لارین ایکی گوزی خیرودا  
زنه زنه هردن گلرآی بالا

در سمت غربی میدان یاد شده ساختمان قدیمی و زیبایی مستقر بود که در جنگ جهانی دوم مدتی در تصرف قوای سواره نظام روسیه قرار داشت که با نیروهای روسی مستقر در بندر شرفخانه در تماس بودند، محل یاد شده پس از پایان جنگ جهانی تخلیه و سپس در اختیار اداره بهداری شبستر قرار گرفت و بعداً در زمان احداث خیابان گلشن‌راز تخریب گردید. قابل ذکر است از سمت دیوار جنوبی ساختمان یاد شده معبری به طرف غرب وجود داشت که به میدانی ختم می‌گردید و در سمت غربی آن ساختمان مسجد جامع مستقر می‌باشد که مقابل آن نیز حوض آبی وجود داشت و شاخه‌ای از آب قنات خیراب به آن محل جاری بود که ساکنان محل آب مورد نیاز خود را از آن مکان تأمین می‌کردند. همچنین در میدان یاد شده یک اصله درخت چندصدساله و خیلی تنومند قره آغاخ قرار داشت که قطع شده است.

لازم به ذکر است بنای مسجد مزبور به نظر می‌رسد در زمان ایلخانین صورت گرفته است اما از حوادث زمان در امان نمانده، بارها فرو ریخته و از نو بازسازی شده است. در حال حاضر ۴۲ گنبد آن بر روی سی پایه آجری قرار گرفته است. در قسمت فوقانی درب ورودی مسجد نیز طاق سنگی جالبی نصب گردیده که بالای آن دو کتیبه به چشم می‌خورد که به تاریخ احداث و بنام بانی آن اشاره گردیده است. در تاریخ کتیبه ظاهراً هنگام کنده‌کاری اشتباهی رخ داده و به جای ۹۷۸ه.ق ۹۹۸ نوشته شده است. زیرا که سال ۹۹۸ هجری قمری مقارن با سلطنت شاه عباس اول بوده است.

مسجد ایوان و مناره‌ای نیز دارد که ستون‌های ایوان و کلاهدک مناره همه چوبی و متعلق به نیمه اول قرن چهاردهم هجری قمری است (۱). طبق اظهار معمرین ارتفاع مناره قبلاً بلندتر از وضع فعلی بوده است.

نامیده می‌شد، صبح‌ها محل تجمع گاوهای ماده ساکنان محله‌های شتربان، شبگاه، براب و چای بود، سابق بر این تعدادی از اهالی شبستر به منظور تأمین محصولات لبنی مورد نیاز خانواده و بعضی افراد هم برای تأمین معاش خانواده در منزل گاو ماده نگهداری می‌کردند، صاحبان گاوها به دلیل صرفه‌جویی در مصرف علوفه آن‌ها را جهت چرا در صحرا به نخیر روانه می‌کردند. بدین جهت لازم بود هر روز صبح زود یکی از افراد خانواده گاو را تا محل نخیر همراهی نماید ولی عصرها بعد از مراجعت گله‌گاوها به محل نخیر، آن حیوان باهوش خود به منزل صاحبش مراجعت می‌کرد و در صورت بسته بودن درب منزل. گاو شروع به (ما) صدا درآوردن می‌کرد و بدین‌وسیله آمدن خود را اعلام می‌نمود، مسئول چرای گاوها نخیرچی نامیده می‌شد که نام آن مرحوم باقرعمو بود، ضمناً دستمزد چرای هر رأس گاو در هفته پنج ریال بود، همچنین روزهای چهارشنبه به دلیل مصادف شدن با چهارشنبه بازار نخیر تعطیل و نخیرچی در آن روز جهت دریافت حق‌الزحمه خود از صاحبان گاوها اقدام می‌کرد، فرد نخیرچی اسامی تمامی صاحبان گاوهای موجود در گله نخیر و تعلق هر یک از آن‌ها به افراد را می‌دانست. قابل ذکر است محل فعلی ترمینال مسافربری در مکان سابق نخیر احداث گردیده است.

اسامی تعدادی از ساکنین محله براب در سال‌های گذشته که به خاطر دارم عبارت بودند از مرحومین حاج علی اکبر کریمی موحد، رستم عمو مجاوری، میرمهدی سیدی، میرمصطفی نژاد شبستری، علی اکبر پالاندوز، جواد کیانی دارای قهوه‌خانه، محمدجعفر یزدانی کفش فروش، اسماعیل پالاندوز (متقی‌نیا)، مشهدی عبدالطالب صحافی، قنبر غلامعلی زاده بازنشسته بخشداری، فتح‌الله عمو، حبیب بشری، مشهد تقی آمری، مختارپور ستار تعمیر کار کفش، فرج‌الله چالاکی کشاورز، حمزه نظیف متصدی گرمابه، عبدالله بیگ اوغلی، محمدآقا کاسب، احمد توفیقی مغازه‌دار، حسن قدیمی تعمیر کار کفش، استاد نصراله محبوبی سماورساز، کربلای نقی اشرفی، استاد تقی نجار، میرزا آقا قهوه‌چی، علی وایقانی قصاب، فایتونچی رضا، عباس الهوردی پور، استاد خداوردی، علی‌اکبر رامز کشاورز و کربلای علی عسگر ردادی متخصص در رشته شکسته‌بندی که افراد حادثه‌دیده را به صورت رایگان معالجه می‌نمود که پس از فوت ایشان این کار خیر توسط فرزند ارشد نامبرده بنام حاج بایرامعلی ادامه می‌یافت. فرزند دوم آن مرحوم به نام حاج محمدجعفر ردادی نیز در این اواخر به عنوان کارشناس رسمی دادگستری در امور کشاورزی فعالیت داشتند. البته شغل اصلی خانواده مذکور دباغی و روده‌گی و فروش پوست و پشم بود. ضمناً در رشته کشاورزی و باغداری نیز فعالیت داشتند.

(۱) نقل از کتاب شبستر

و پیرامون آن تألیف حسین روشن.



از طریق میدانی که در جنوب آن واقع گردیده و با دو نام قوش‌لار میدانی و یا مال میدانی شناخته می‌شود انجام می‌شد. دلایل این نام‌گذاری به این شرح می‌باشد:

۱- اطلاق قوش‌لار میدانی به دلیل استقرار پیکره سنگی دو عدد کوچ در سمت شرقی میدان به فاصله حدود یک متر در کنار هم و رو به سمت جنوب بوده است که بعداً یکی از تنه قوچ‌های یاد شده توسط مرحوم آقا عبدالله ایرانی به مظهر قنات دوستاقیان انتقال یافته بود که آن هم چند سال پیش توسط دزدان میراث فرهنگی به خیال‌واهی وجود جواهرات در داخل آن سرقت و در جاده شهر خامنه تخریب شد.

پیکره قوچ باقیمانده دیگر جهت محافظت به راهروی ورودی استادیوم ورزشی تختی شبستر منتقل شده بود. آن هم چندی قبل توسط سارقان شبانه منهدم گردید که بعداً به کوشش آقای عباس عادل‌نیا مرمت شده و اینک در داخل قاب آهنی در مکان اول نگهداری می‌شود.

۲- نامیده شدن مال میدانی به علت عرضه احشام برای فروش یا خرید آن‌ها توسط افراد در روزهای چهارشنبه-بازار بوده در روزهای یاد شده اشخاص زیادی از شهرها و روستاهای دور و نزدیک برای خرید و یا فروش حیواناتی شامل اسب، الاغ، گاو نر، گاو شیرده، گوسفند و بز در آن میدان حضور می‌یافتند.

در سمت غربی میدان یاد شده محلی وجود داشت که نخیر



## شبسترلی حاجی محمود بهرامی

معجزین یازدیگی و یازادیگی شعرلرینین چوخ یئرلرینده بهرامی دن واونون معارفچی لییندن آد آپار میشدی. بیرینجی دفعه شبسترده قیز مدرسه سینین آچیلما سیندا مرحوم بهرامینین بویوک یاردیمی اولوب ، گویا آقای بهرامی بو خصوصدا تیریزده کی معارف اداره سینه مکتوب یازیب لاکن اونلار قبول ائدمه میشلر، بو دفعه شخصا رضا شاهین اؤزونه بیر مکتوب یازیب و بو مکتوبدا میرزا علی معجزین بو شعرینی «تامار اطفال نخوانند و ندانند- اطفال چنین مادر خر، خر بچگانند» یازدیگی مکتوبون کپی سینی ده تبریزین استاندارینا گوندر میشدی . استاندار اؤز معاوینین شبستره یولاسالیب و آقای بهرامی نی شبسترین بخشداری اداره سینه چاغیر میشدی ، آقای بهرامی بخشداری اداره سینه گتتمک ایسته مه میس و گویا بلنه جواب وئر میشدی : منیم استاندارین معاوینی ایله ایشیم یوخدور، اگر اونون منیله ایشی وارسا منیم دکانینن قاپیسی هر کسه آچیق دیر، استاندارین معاوینی بو مسئله دن مکدر اولموشدو، لاکن او آندا آقای گلایه تلگرافخانانان رضا شاهین جوابینی گتیر میشدی و شبسترده قیز مدرسه سینین آچیلشینا ایجازه وئر میشدی. تبریزدن گلن قوناقلار یکی- اوچ گون آقای بهرامی نین ائوینده قالیب و مدرسه نین بیرینجی دفعه اولراق شبسترده باش توتما سینین بینوره سینی قویموشلار؛ البته بومسئله ده میرزا علی معجزین همتی و تبلیغی داها گوجلوو چوخ اولموشدو. آقای بهرامی تبریز- شبستر یولونون آچیلما سی و شیرو خورشید بیناسینین تیکلمه سینده چوخ بویوک یاردیمی اولموش و بودجه سینی تهرانداکی شیرو خورشید اداره سیندن آلمیشدی. ۱۳۵۰ نجی ایله ایسته میس تبریزه گئدیب و( بانک خون) شبستر اوچون گتیرسین تاسفله یولدا ماشینی تصادف ائدیب سوروجو یارالانیب و اؤزوفات ائتمیشدی.

روحوشاد مزاری نورایله دولسون

شبسترین آدلیم تاجر و معارفچی شخصیتلریندن بیری ده مرحوم حاجی محمود بهرامی اولموشدو. او مرحوم ۱۲۷۴ نجی شمسی ایلینده شبسترده آنادان اولوب و عمرنون سونونده ک شبسترده یاشاییب و اورانین آبادلیغی اوچون یورولمادان چالیشیب و شبسترلی اولدوغونا دا هر زمان فخر ائدیب. حاجی محمود بهرامی چوخلو شبسترلی لر کیمی گنجلیک زامانی روسیه ، گرجستان و اورادان استانبولا چالیشماق اوچون گتتمیشدی ، بیر مدت اوردا قالاندا سونرا وطنه دونوب و شبسترده تجارت ایشینه مشغول اولموشدو. شبسترین تجارت ایشلری او زمان باذام آیش وئرشیه هابئله چای و خشکبار ایدی. مرحوم بهرامی بیرینجی دفعه اولراق شبستر و اطراف کندلرده قیسی کرخاناسینی ایشه سالدی و چای وسیگار ساتیشینین شبستره نمایندلیغینی عمده شکیده آلیب و ایلر بویوبو ایشه دوام ائدیر میشدی. اوزامانلار شبسترده یاغینلیق آز اولدوغو اوچون قورولوق اولوب و بوغدا قیتلیق اولدو، او مرحوم همت ائدیب گرگانان بوغدا آلیب و شبسترده و اطراف کندلرده اوچوز قیمتله ساتیشا قویوب و جماعتی قیتلیقدان قورتاریدیر. بیرینجی دفعه اولراق شبستره نفت و بنزین ساتیشنی نما ینده لینی آلمیش بیر نچه شتر تاجرلایه او جمله دن ( آقایان مختاری ، اقدسی ؛ رستمزاده، کریمی، زلفعلی بهرامی ) بیرلیکده پمب بنزین تاسیساتینی یولا سالمیشدی. آقای بهرامی نین دولتی اداره لرده نفوذوو اعتباری اولدوغو اوچون شبسترین آبادلیغینه یاردیمی چوخ اولموشدو. اوزامانلار شبسترده هتل و دولت آداملاری گلیب قالماغا بیر یئیرلری اولماز ایدی، آقای بهرامی نین قاپیسی بو اینسانلارا هر زمان آچیقی ایدی و دکانی دا ایشی اولان و بعضی مشکوله دوشنلرین گل گئت یئری اولموشدوکی، اونلارا یاردیمی آز اولمامیشدی. او مرحوم آیدین فیکیرلی اولدوغو اوچون مرحوم میرزا علی معجزی داها آرتیق درک ائدیب و هر زمان اونودستکله میشدی و اونا بویوک حامی اولموشدو،



## بیوگرافی کوتاهی از زندگی مرحوم حاجی محمود بهرامی



پدرم مرحوم بهرامی یکی از شخصیت‌های معارف پرور وازتجار بنام شبستر بودند. او در سال ۱۲۷۴ شمسی در شبستر بدنیا آمد و تا آخر عمر در این شهر زندگی کرده ودر آبادی این شهر تا آخر عمرش بدون احساس خستگی کوشید و همیشه به شبستری بودنش فخر می‌کرد. ایشان مثل اکثر همشهری‌هایش در دوران جوانی برای کسب و کار به روسیه و گرجستان واز آنجا به استانبول سفر کرده وچندین سالی در آنجا مشغول کار بودند، ولی به خاطر علاقه ای که به دیار خود داشت برای همیشه به شبستر برگشتند. در شبستر به شغل تجارت مشغول شدند. آنموقع شغل عمده تاجرین شبستر خرید و فروش بادام و خشکبار و جای بوده و مرحوم بهرامی نیز در این کار موفق بودند، ایشان در شبستر برای اولین بار کارخانه «لو لو» یعنی خشکاندن میوه زردآلو که پس از عملیات مخصوص به خارج از جمله به آلمان صادر می‌کردند، و مغز بادام نیز یکی از محصولاتی بود که به آلمان و چکسلواکی صادر می‌شد. آقای بهرامی در آنموقع در شبستر نمایندگی فروش چای و سیگار رانیز داشتند. در آن زمانها چندین مورد بعلت کمی باران خشکسالی در شبستر ودر جاهای دیگر استان قحطی بوجود آمد که ایشان همت بخرج داده از گرگان گندم خریداری نموده و بقیمت نازل در شبستر و اطراف پخش نمودند. این کارش مردم را از قحطی نجات دادند، که واقعا شایان تقدیر است.

مرحوم بهرامی برای اولین بار در شبستر نمایندگی فروش نفت و بنزین را که دولتی

بود گرفته و با اشتراک چند تاجر شبستر از جمله (آقایان مختاری، اقدسی، رستمزاده، کریمی، و زلفعلی بهرامی)، ساخت پمپ بنزین را در ورودی شبستر بنا نهادند. آنموقع در شبستر هتلی وجود نداشت و جاده و راه‌های بین شهری و سایل نقلیه بصورت امروزی نبود، مقامات دولتی که برای کاری به شبستر می‌آمدند در منزل آقای بهرامی مهمان بودند، حتی مغاره ایشان نیز دفتر کاری برای اجرای کارهای اجتماعی شبستر همیشه باز بود. آن مرحوم در پیشرفت فرهنگ شبستر همیشه پیشقدم بود و بزرگترین حامی میرزاعلی معجز شبستری بود که ایشان در انکشاف فرهنگ شبستر خدمات شایان و فراموش نشدنی دارند. و در دیوان اشعارش در چندین جا از محمود بهرامی به نیکی یاد کرده است. و آقای بهرامی و اطرافیان او را برای افتتاح مدرسه ابتدایی برای دختران که تا آن موقع نبود تشویق می‌کرد. و گویا آقای بهرامی چندین مورد جهت افتتاح دبستان دخترانه به اداره فرهنگ استان آذربایجان

در تبریز نامه نوشته و نتیجه نگرفته بود. لذا تصمیم می‌گیرد که شخصا به رضا شاه نامه بنویسد و این کار را نیز می‌کند، ودر نامه خود شعری از میرزاعلی معجز به این عنوان می‌آورد:

تا مادر اطفال نخوانند و ندانند

**اطفال چنین مادر خر، خر بچگانند**

این نامه را به خود رضاشاه فرستاده و کپی اش را نیز به استاندار ارسال می‌کند. استاندار با دریافت کپی نامه نماینده خود را به شبستر می‌فرستد و آقای بهرامی را به بخشرداری دعوت می‌کند، آقای بهرامی دعوت بخشرداری را رد کرده و به ایشان پیام می‌فرستد که: من با نماینده

## یادی از بزرگان پیشکسوت آموزش و پرورش بابک نوخیز



در زندگی همه انسانها بعضی خاطرات روزهای گذشته همیشه در ذهن جادوانه باقی می‌ماند و در حالت نوستالژیک نگاهی به گذشته برای آینده روشن تاثیرات موثر و مثبت گذاشته و به شکل رفتارهای متفاوت زندگی نمودار می‌شوند.

در ترم دوم تحصیل در دانشگاه شهید بهشتی تهران درس عمومی اخلاق اسلامی را با استاد دکتر محمد جواد حجتی کرمانی انتخاب کردم.

در یکی از جلسات اولیه ترم در ادامه مبحث درسی، استاد سئوالی مطرح و قول دادند که نمره عالی این مبحث را برای بهترین جواب منظور می‌کند. سئوال این بود: فرق بین حق و وظیفه چیست؟

هر کدام از دانشجویان پاسخی می‌دادند و استاد نمی‌پذیرفت و جوابی کامل می‌خواست. ناگهان مرا مخاطب خود قرار داد و گفت: شما هم می‌توانید جوابی بدهید؟

در یک لحظه چیزی به ذهنم خطور کرد و با توجه به رفتار شوخ طبعی ایشان گفتم شما نمره عالی را برای پایان ترم منظور بفرمائید تا جواب کاملا درست را عرض کنم!

گفتند در این حد مطمئن هستید؟ جواب دادم بله کاملا مطمئنم! با مکث چند لحظه ای استاد دانشجویان طوری نگاهم میکردند که انگار تنها راه چاره ام حذف این درس در این ترم بود.

اما علیرغم ادعای من استاد با کمال خوشروئی پذیرفت! و طلب پاسخ نمود. با کمال آرامش پاسخ دادم:

در کلاس آخر دبیرستان گلشنراز شبستر در درس فلسفه دین، جناب آقای حاج علی لطیف شبگاهی فرمودند:

حق چیزی است که می‌توانید آن را مطالبه کنید و اگر نخواهید از سهم خود گذشت کرده اید!

ولی وظیفه کاری است که باید انجام دهید و در صورت عدم انجام قصور کرده اید. بنده نیز در زندگی خود همیشه متوجه اهمیت بکار بستن این موضوع هستم! استاد حجتی کرمانی (که خودشان در طول عمرشان مولف کتابهای درسی دینی آموزش و پرورش بودند) با نگاهی تحسین آمیز ضمن پذیرش کامل بودن جواب از وجود دبیرانی در این حد سواد بالا در شبستر متحیر شدند.

ضمن طلب آموزش و تعالی روح این معلم بزرگوار، گرامی‌میداریم یاد و خاطره تمامی دبیرانی که عمر پر برکت خود را برای اعتلای درجات علمی دانش آموزان صرف می‌کنند.

خدا به درگذشتگان رحمت و به حاضران عمر باعزت عطا نماید.



استاندار کاری ندارم اگر ایشان با من کاری دارند، مغازه من روی ایشان باز است می‌توانند تشریف بیاورند، معاون استانداری از این جواب خیلی ناراحت و عصبانی می‌گردد. در این حین آقای گلایی کارمند تلگرافخانه شبستر جواب مثبت رضاشاه را به بخشداری می‌آورد که دستور فوری افتتاح مدرسه دخترانه شبستر را داده بودند. لذا نماینده استاندار با همراهانش چند روزی مهمان آقای بهرامی بوده و مدرسه دخترانه شبستر را برای اولین بار افتتاح می‌کنند. البته در این مورد زحمت و همت چندین تن از شخصیت‌های شبستر خصوصا شاعر داهی میرزاعلی معجز فراموش نشدنی است.

آقای بهرامی همچنین برای ایجاد جاده تبریز- شبستر و ساخت بنای شیرخورشید (هلال احمر امروزی) که با زحمات زیادی بودجه اش را توانسته بود از تهران بگیرد، خیلی تلاش نمودند.

در سال ۱۳۵۰ در مسافرتی به تبریز جهت دریافت مجوز (بانک خون) تصادف نمودند که در این تصادف سخت راننده اش زخمی‌گردیده و متاسفانه ایشان به رحمت ایزدی پیوست. روحش شاد مزارش نورانی باد

تبریز- شبستر دکتر پرویز بهرامی

## خیرین فرهنگی شهرستان شبستر (شماره تابستان ۹۹)

آبادی	تعداد مجله	اسم و شهرت
شندآباد	۱۰۰ جلد	آقای مهندس رستم پور
شبستر	۵۰ جلد	مرکز نیکوکاری گلشن نور اصناف
کافی الملک	۵۰ جلد	آقای حاج احمد احمد زاده
صوفیان	۵۰ جلد	آقای دکتر علی صوفیانی
دیزج خلیل	۵۰ جلد	آقای حاج محمد فتح اله زاده
شانجان	۵۰ جلد	آقای حاج زحمتکش
شبستر	۵۰ جلد	سرکار خانم فیضی زاده (هاشمی)
شبستر	۵۰ جلد	آقای دکتر نادر علیرضا لو
شبستر	۵۰ جلد	آقای حاج یوسفعلی و آقای حاج احمد جاهی
شبستر	۵۰ جلد	آقای حاج یوسف کلاهی
شبستر	۵۰ جلد	آقای حاج جمشید کتانی
شبستر	۵۰ جلد	آقای حاج محمد عبدالرزاق زاده
شبستر	۵۰ جلد	آقای حاج پرویز فرجی و پسران
شبستر	۵۰ جلد	آقای مهندس بهزاد قدملی زاده
شبستر	۵۰ جلد	آقای حاج داود روح زنده و پسران
شبستر	۵۰ جلد	آقای مهدی برقی مقدم
شبستر	۵۰ جلد	آقای احمد زرگر زاده
شبستر	۵۰ جلد	آقای حاج مهدی جاه بین
شبستر جهت ارسال به استانبول	۵۰ جلد	آقای فریدون حیدری
شبستر	۵۰ جلد	آقای ایوب پورعباس
شبستر	۴۰ جلد	آقای حاج ستار شیر احمدی
مشنق	۴۰ جلد	آقای حاج احمد میرزائی
نوجه ده	۳۰ جلد	آقای حاج فیروز تشکری
بنیس	۳۰ جلد	آقای حاج علی رسولی
شبستر	۳۰ جلد	آقای مهندس احمدعلی پیروز فرد
وایقان	۳۰ جلد	مجتمع فرهنگی، اسلامی وایقان
وایقان	۲۰ جلد	شرکت نگار آزمایش
سفیدکمر	۲۰ جلد	آقای حاج آقا آزموده
بنیس	۲۰ جلد	آقای حاج محمدتقی خزانی
کافی الملک	۲۰ جلد	آقای حاج میربابا سیدی
کافی الملک	۲۰ جلد	آقای حاج محمدحسین بابائی
شبستر - ارسال به آمریکا (کالیفرنیا)	۲۰ جلد	آقای دکتر جمشید جعفری
شبستر - ارسال به کانادا (تورنتو)	۲۰ جلد	آقای مهندس محمدتقی پیروز فرد
شبستر	۲۰ جلد	آقای حاج بهمن جاهی
شبستر	۲۰ جلد	آقای شهرام نمازی
شبستر	۲۰ جلد	آقای مهندس فرج کریمی
شبستر	۲۰ جلد	آقای حاج حسن افلاکی
تیل	۲۰ جلد	رستوران میشو (برادران شهنازی)
شبستر	۲۰ جلد	آقای سید رضی بابایی
شبستر	۲۰ جلد	آقای محمد گزیده پور

خبرین فرهنگی شهرستان شبستر (شماره تابستان ۹۹)

اسم و شهرت	تعداد مجله	آبادی
آقای حاج حمید بی مثل شبستری	۲۰ جلد	شبستر
آقای غلامعلی شیراحمدی	۲۰ جلد	شبستر
آقای محمود بابائی	۱۰ جلد	کافی الملک
آقای مهندس وحید امیرهدائی	۱۰ جلد	شبستر ارسال به استرالیا (ملبورن)
آقای حاج میرجمال موسوی	۱۰ جلد	شبستر
آقای غلامرضا اجمالی	۱۰ جلد	شبستر
آقای حاج حسن پورمطلب	۱۰ جلد	دریان
آقای حاج احمد حسنی	۱۰ جلد	تیل
آقای حاج محمود عباس زاده	۱۰ جلد	شبستر
آقای فرهاد فکرت	۱۰ جلد	شبستر
آقای علیمردانی	۱۰ جلد	تبریز
پخش پرشیا	۱۰ جلد	تهران
آقای دکتر محمد باقر احسانی	۱۰ جلد	کافی الملک

با سپاس فراوان از خبرین محترم به اطلاع می‌رساند شمارگان اهدایی آنان در مراکز زیر توزیع می‌گردد:  
 دانشگاه‌های شهرستان، دبیرستانهای پسرانه و دخترانه شهرستان، کتابخانه‌های شهرستان جمعاً ۵۰ جلد، نهادهای و مراکز فرهنگی و ورزشی و اجتماعی، سازمانها و ادارات دولتی، شهرداریها و شوراهای شهر شهرستان،



مشترک گرامی

فصلنامه پیام شبستردر آینده به دو صورت الکترونیکی و چاپی منتشر می‌شود. اشتراک سالیانه الکترونیکی ده هزار تومان و اشتراک سالیانه چاپی پنجاه هزار تومان است. لطفاً نوع اشتراک خود را اعلام فرمایید. ضمناً برای ماندگاری و نگهداری می‌توانید از حالا مجموعه چاپی را رزرو نمایید.

فرم اشتراک فصلنامه پیام شبستر

- فرم مشخصات را تکمیل فرمایید.
- وجه اشتراک را به شماره کارت ۳۵۴۶ ۴۹۰۳ ۱۰۱۱ ۵۸۹۲ در بانک سپه شعبه فاطمی به نام جمعیت خیریه شبستری‌ها و یا شماره حساب جاری طلایی ۱۷-۳۲۳۵۴۱۲۱۲ به نام جمعیت خیریه شبستری‌ها در بانک سپه شعبه فاطمی کد ۱۷۰ (مخصوص مجله پیام شبستر) واریز فرمائید.
- فرم مشخصات یا کپی آن را همراه با فیش بانکی یا کپی آن به نشانی تهران صندوق پستی: ۱۵۸۱۷۵۸۴۶۷ ویا شماره نمابر ۶۶۹۳۷۳۶۴ ارسال نمایید. ضمناً می‌توانید مدارک را به مسؤولین نشریه تحویل دهید.
- هزینه اشتراک یکساله فصلنامه و پست مبلغ ۵۰/۰۰۰ تومان می‌باشد.

فرم مشخصات:

نام و نام خانوادگی: ..... تاریخ تولد: ..... مدرک تحصیلی: ..... شغل: .....  
 نشانی دقیق پستی: ..... کد پستی: ..... تلفن تماس: .....

مراکز فروش مجله در تهران

- مجمع اسلامی نور شبستری‌ها واقع در میدان فاطمی (مسجد نور)، تلفن: ۸۸۹۶۰۲۲۲
- هیئت عزاداران قمر بنی‌هاشم واقع در خیابان پیروزی خیابان دهقان کوچه اول، تلفن: ۰۹۱۲۳۱۱۹۲۲۰
- میدان انقلاب اول آزادی بازار ایران طبقه اول کتابفروشی گلشن راز، تلفن: ۶۶۴۳۸۵۲۸
- خیابان سپهبد قرنی چهارراه سمیه روبروی دادگستری دفتر فنی سینا تلفن: ۰۹۱۲۵۳۳۶۱۹۸
- شهرک اکباتان مجتمع تجاری نگین فاز ۳ پلاک ۵۵ فروشگاه الکترونتلفن سعید ۴۴۶۶۳۷۶۰ - ۴۴۶۳۵۶۱۵

مراکز فروش فصلنامه پیام شبستر در شهرستان

- رومیه: خیابان امام جنب بانک ملت شعبه مرکزی - داخل کوچه کتابفروشی بهار - احمد یوسفی، تلفن: ۰۴۴۳۲۲۳۸۴۴، همراه: ۰۹۱۴۱۸۶۶۵۹۷
- تبریز: خیابان امام روبروی مصلات‌الشرایف شایسته - محمد زارع تلفن: ۰۴۱۳۵۵۶۱۹۶۱، همراه: ۰۹۱۴۱۱۴۸۹۳۳
- تسوج: خیابان مصلی امام خمینی، روبروی بانک کشاورزی، کتاب فروشی و مطبوعاتی خوش نیت تلفن: ۰۴۱۴۲۵۷۲۵۱۵
- کرج گوهردشت پایین‌تر از میدان رستخیز روبروی بانک پاسارگاد کوچه مسجد دفتر وکالت خانم مهری شمالی تلفن ۰۲۶۳۴۲۰۵۳۴۶
- شبستر: ۱- دهکده‌های روزنامه فروشی ۲- مقبره شیخ محمود شبستری ۳- تعاونی فرهنگیان ۴- املاک کمالی اصل

# آذربايجان شيفاهى خلق ادبياتيندا نغمه لر



عليرضا صرافى (بيرينجى قيسمت)

## نغمه لريميزى نئجه گروپا بؤللمك اولور:

امك نغمه لري، مراسيم نغمه لري، اووسون نغمه لري و...  
آشاغيدا اونلارين حاقيندا معلومات وئريله جك:

### ۱ امك نغمه لري

امك نغمه لري اينسانلارين ان قديم يارادايجيقلا ريندان بيري سيدير. ايلكين اينسانلارين گوردوكلري ايش دسته جمعي ايدي. هر ايش گروپو، ايشين آغير يوكونو يونگولتمك اوچون بير بيريله اويغون طرزده موعين ريتم ايله چاليشيردیلار، هر ايش مثلا آغير بير داشي ديغير لاتماق، گمي سورمك، يئر شوخوملاماق و... دئما تکرار اولان منظم بير حرکتلردير، اينسانلارين ايش پروسه سينده موزون حرکتلري واردير، مثلا بير-بير ايله ايزلي گنديب، دالي چكيلر، اللريني بيرليکده قووزاييب، ائنديريديلر... ائله بو ريتملرله اويغون ايلك موسيقي لر و ايلك رقصلر يارانميشدير.

دئمه لي موشرتک ايش گورونجه، ايشين موعين ريتمي، بدن، ال و اياقلارين موزون حرکتی، چکيش لرین و باشقا ايش وسيله لرینين بير-بيريله توخونما سسي، اينسان نفسلرينين بير-بيرينه قووشوب، بيرلشمه سي موعين ريتم وهاوا يارادير. همين هاوا و موسيقي ايله اويغون بعضا اينسانلارين آرزو، امللريني تمثيل ائدن سؤزلر ده اورتايا چيخير و بئله ليکله امك نغمه لري يارانير.

بيلديگينيز کيمي آفريقا و استراليا و آمازون مئشه لرینده هله ده بير پارا قبيله لر چوخ بدوي شکیلده ياشايرلار، اونلارين حاقيندا ائتنولوژيك موطاليعه لر، بير چوخ خلق ياراديجيلغي نين منشأيني او جومله دن امك نغمه لرینين منشأيني آيدينلاشديرير.

آشاغيداكي ايكي ميثال امك نغمه لرینين نئجه يارانماسي حاقيندا جانلي ميثال اولاييلر:

بوتن اورتا آفريقادا شاهيد اولدوغو بير صحنه ني بيزيم اوچون بئله تصوير ائدير:

بير گئجه آغ دريلي بير تاجيرين اجير ائتديگي قارا ايشچيلر، اود يانديريب، دؤره سينده اوتورموشدولار، اؤز آرزو، ديلکلريني شعر کيمي ترونم ائديرديلر. اونلار او قدر شعر قوشدولار كي يوخويا گئتديلر، هر دفعه بير نفر بير ميصراع سؤيله بير وهامي بير سسله پوتي-پوتي دئييرديلر (پوتي قورد آنلاميندادير).

آغ دريلي ساحيل بويو گئدينجه،  
پوتي-پوتي.

بيز گئديريك او ظاليمين آردينجا،  
پوتي-پوتي.

ظاليم بيزه الجه چؤرك وئرینجه،  
پوتي-پوتي.

بيز كئچريك دره لردن، دوزلردن،  
پوتي-پوتي.

بو دؤولتلي بزيگانين دالينجا،  
پوتي-پوتي.

باشقا بير موسافر يئنه اورتا آفريقادا تونقا قبيله سينده بير اوغلان اوشاغين گؤروركي، اؤز آغ دريلي اربابي اوچون داش قيرير و بو نغمه ني اوخويور:

بيزي سؤيورلر. ائنه...

بيزي دؤيورلر. ائنه...

ايچيب قهوه ني، ائنه...

بيزه وئرميرلر. ائنه...

او ائنه دئييركن چكيجي داشا چيرپير، كؤكسونو اؤتوروردو. ايران توركلري بير چوخ ايش ساحه سينده او جومله دن جوت سورنده، قويون ساغاندا، يون آيبرنده، باليقچيليقدا، اوچولوقدا، خالچا توخوياندا و... اؤزونه مخصوص نغمه لر اوخويارلار، ميثال اوچون آشاغيداكي نومونه لري ارائه وئيريك:

### ● ۱-۱- پامبيق آتما نغمه سي:

آذربايجاندا پامبيق آتان حالاجلار پامبيق آتا-آتا بو نغمه ني



مدد وثرنيم يوخدور،  
چۆرك يئنينيم يوخدور.  
توولار اليم، ايرلار ديليم  
توولارام، ائدم گيليم.  
هر رنگي بير ياز اولسون  
هر نقشه شاهباز اولسون.  
اليم شئر، اليم شئر،  
شئر گل منه مدد وئر!  
اليم خمير ايچينده،  
قيچيم چومور ايچينده.  
اليم شئر، اليم شئر،  
شئر گل منه مدد وئر!

#### ● ۱-۴- دويو دؤيمه نغمه سي:

قاشقايي ائلينده تويلاردا دويو پيشيرلر. دويونو آريديب،  
اونون چلتيجيني آييرماق اوچون اونو سيركو آدلي  
قابلازا تۆكوب، دؤيرلر. بو آغير ايش اوچون ائلين بوتون  
قادينلاري و قيز گيلنلري يارديمچي اولمايديرلار. قيز  
گيلنلر يورولماسين دئيه، بو ايش بير نوع رقص كيمي  
ايفا اولونار، بئله كي آغاجلارين باشينا رنگلي دستمال  
باغلاييب، بيرليكه ايزلي گنديب، آغاجي دويولره  
ووروب، بيرليكه چكيلرلر. سس\_ سسه وئريب اوخورلار.  
بو نغمه لره هاينا هئلي هاينا دئيرلر.

هاينا هئلي هاينا،

سيزلرده دئينگ هاينا

بيزده دئرک هاينا،

واري دئينگ هاينا.



اوتايدا يار اوباسي،

دؤيولور ناغاراسي

بوغچا گتير گول آيار،

خلوتدي باغ آراسي

هاينا هئلي هاينا،

سيزلرده دئينگ هاينا

بيزده دئرک هاينا،

واري دئينگ هاينا.



اوخويارميشلار:

پم، پم، پلاجم،

پامبيق آتارام، حلاجم،

پامبيق آتارام نهيين اوچون؟

پامبيق آتارام خانيم اوچون.

خانيمدا بير پول گؤرموشم،

پامبيق آتارام اونون اوچون.

پم، پم، پلاجم،

پامبيق آتارام حلاجم.

بو نغمه ده (پم، پم) سسلري پامبيق آتارين تئله ووردوغو  
ضربه لرين تورتديگي سسله عئنيدير. نغمه نين ريتمي  
ايسه، ايشين اؤز طبيعي ريتميدير.

#### ● ۱-۲- داش توپلاما نغمه سي:

آغري داغينين انگينده كي زميلرده چوخلو داش وار،  
اكنيچيلر هر ايل ايشه باشلامازدان قاباق، بيرليكه  
داشلاري زميلردن ييغيب قيراغا آتيرلار، و ايش گؤره-گؤره  
بو نغمه ني اوخويورلار:

باخ زمينين داشينا،

وور اربابين باشينا!

بئله كي داشي زمين قالديراندا بيرينجي ميصراعي «باخ  
زمي نين داشينا» و اونو آپاريب زمي نين قيراغينا آتاركن  
ايكينجي ميصراعي «وور اربابين باشينا» اوخويورلار.

#### ● ۱-۳- کره توتما نغمه سي:

کره توتماق اوچون آيراني تولوغا دولدوروب، باشيني  
برك باغلاييب، ايكي طرفدن اونو چالخايار، بو نغمه ني  
اوخويورلار.

چالخا، چالخا ياغ اولسون،

ياغ تولوقدا داغ اولسون.

چالخابين باجي قيزلار

كؤينگي چي - چي قيزلار.

يون اييرمه نغمه سي:

قاشقايي ائلرينده قادينلارين گؤردوگو ايشلردن بير  
ده يون اييرمه ايشيدي، بو آغير ايشي اونلار آشاغيداكي  
نغمه ني زومزومه ائدرک گؤرلر:

اليم شئر، اليم شئر،

شئر گل منه مدد وئر!

چيپنيله چمن سؤكر،  
بييه سيني شاهباز ائيلر.  
داغ دؤشونده ياتانا،  
گون گندر آي باتانا.  
قارا اؤكوز قارغيبار  
جوتون ماجين توتانا.  
باشينا من دولانيم  
من دؤنوم، من دولانيم.  
اؤلمه، اؤلمه يازيغام  
كؤلگه نده من دولانيم.

### ● ۱-۷ - هانا نغمه لری:

فرش توخويانلار دا بير دزگه باشيندا سس - سسه وئريب،  
بئله اوخويارلار:

آيناني قويوب ايش آراسينا  
دمبدم باخير ديش آراسينا،  
باشداكي گده سال گده سال!  
قالميسان دالا، قال گده قال!  
بوردا ان اوزاق باكيدي  
تئللري ياناكيدي.  
عومرومده بير يار سئوديم،  
اودا يانيمداكيدي.  
جيتلري شافتالي  
سندن خاهيشديم بودو  
كئچل باشين چك دالي.

بو نغمه لرده بير چوخ واختلار ايشين آغيرليغينا گوره و  
موزدون آزليغينا اعتيراض سسي اوجالير. آشاغيداكي  
اوشاق و آتا يادا آنا آراسيندا دئيشمه بو باخيمدان ديقته  
لاييقدير.

اوشاق:

اي واي آمان كرخانا،  
باغريمي قان ائيله ييب.  
ايلمك سالان بارماغيم  
ايلمك قابار ائيله ييب.  
آتا:

اولسون اوغول گنت گينن  
آخشاما جان سورت گينن

كهر آتين قولونو،  
مخمل ائدينگ چولونو.  
بيز گل ميشيك آپارق،  
سيزينگ باغينگ گولونو.  
هاينا هئلي هاينا  
سيزلرده دئيينگ هاينا  
بيزده دئرگ هاينا،  
واري دئيينگ هاينا.  
بير پارا امك نغمه لري او قدر يايغيندير كي اونلار موعين  
آدلار وئريلميشدير. مثلا ساغين نغمه لريني قويون ساغانلار  
اوخويار، هولوارلاري جوت سورنلر وهانا نغمه لريني ده  
فرش توخويانلار اوخويارلار. آشاغيدا اونلاردان بير نئچه  
اؤرنك وئريلي:

### ● ۱-۵ - ساغين نغمه لری:

قويون ساغاندا قويون دينج دورسون دئيه موعين نغمه لر  
اوخونار، بو نغمه لره ساغين نغمه لري دئيبيرلر اورنك  
اوچون:

ننهم، ننهم

سني ساغان منم، منم  
گول مونجوقوم بوينونداي  
ممه لرين قوينونداي  
قويروغونو فراغات قوي  
آياغيني ايراحات قوي  
بوينوزوندا اوزرليگيم  
اؤ - ائيشيگيم، بزرليگيم  
ننهم، ننهم

سني ساغان منم، منم

### ● ۱-۶ - هولوارلار:

آذربايجاندا جوت سورنده جوتچولر هولوار آدلي ماهنييلار  
اوخويارلار. اؤرنك:

اؤكوز، اؤكوز، خان اؤكوز،  
بوينو قيزيل قان اؤكوز،  
چك چاييري چمندن  
سنه جان قوربان اوكوز.  
منيم كليم ناز ائيلر،  
قويروق وورار توز ائيلر.

آذربایجانین بیر چوخ یئرلرینده بئله نغمه لر اوخونار:

گلیر نوروز بایرامی

آچیلار گوللرهمی.

ساخلا گلین آنامی

آنامی، هم آتامی.

نوروز گلیر، یاز گلیر

نغمه گلیر، ساز گلیر.

باغچالار دا گول اولسون!

گول اوسته بولبول اولسون!

نوروز، نوروز خوش گلدین

خوش گلدین، بوش گلدین

بوش گلدین، دولو گلدین

بول گلدین، سولو گلدین

اردیبلده سحرین آقارانلیغیندا دوروب، نوو اوستونه

گندر، نوو اوستوندن آتلائیب:

«دیش آغریم، باش آغریم، گۆز آغریم، بوردا قالسین».

دئیرلر

بایرام قاباغی آذربایجانین بیر چوخ یئرلرینده تکه مچیلر

گلر و یازین موشتولوقچوسو کیمی تکه م اوینادار، تکه م

سیاسی اوخویارلار.

: «فرهاد اردیبلین یورتچو ماحالیندا ائشیندیگی تکه م

سایالاریندان نچه سینی ثبت ائدمیشدیر

تکه م گلدی، قیشین عۆمرو قوتاردی،

چوبان توتدو اونو داغدا اوتاردی.

گلیر بایرام، دالیسینجا یاز گله جک.

سیزین بو تازا بایرامیز موبارک.

تکه مین ده کندی وار،

اویناتماغا فندی وار...

هر قاپیدا اویناسا

بیر نلبکی قندی وار.

تکه م گنتدی منشگینه

وعده وئردی بئش گونه.

گلمه دی اون بئش گونه،

تکه می اولدوردولر

آندیلار خان کوشگونه.

آشاغیداکي سؤزلری ده علیرضا اردیبلدن توپلامیشدیر:

آخشام آلان پوللارین

وئر داواوا، بارماغیوا سورت گینن

## ۲-۱ مراسیم نغمه لری:

شیفاهی ادبیاتین آن قدیم قوللاریندان بییری ده مراسیم

نغمه لریدیر. مراسیملر ایلین موختلیف موسملرینده اجرا

اولونار. او جومله دن نوروز، چیلله گنجه سی، چرشنه

آخشامی، سیزدک و...

بیرده اینسانین دوغوم گونوندن اولومونه قدر اؤنملی

حادیثه لرله علاقه دار دبلریمیز وار. بونلارین بیر چوخوندا

اؤزونه مخصوص بیر نغمه لر اوخونار. اونلاردان نومونه

اولراق:

## ● ۲-۱-۱ چیلله گنجه سی نغمه سی:

داش ماکیدا چیلله گنجه سی بو نغمه نی اوخویارلار:

آی چیلله، چیلله قارداش

آتین قامچلا قارداش.

بیر گلدین دانشمادیق،

قلبیم آچیل قارداش.

قوشا چایدا (میاندادا) چیلله آخشامی گون باتارکن اود

یاندیریب، اوستوندن آتیلارلار. سونرادا اودو قاریشدیریب،

داغیدیب، بئله اوخویارلار:

چیلله قوودو، چیلله قوودو

سحر مینجیق، سحر مینجیق.

سحر مینجیق دندیکده ساباهیسی گون مینجیق -

مینجیق یاغیش یاغماسینی آرزیلارلار.

## ● ۲-۲ آخر چرشنه نغمه لری:

ایلین آخر چرشنه سی قیزلار سودان آتیلار، بو نغمه نی

اوخویارلار:

آتیل، ماتیل چرشنه

باختیم آچیل چرشنه.

سو باشینا گلن باشقالاری ایسه:

«آغیرلیغیم، اوغورلوغوم، دردیم، بلام، تۆکولسون بو سویا

گنتسین»

دئییه سودان آتیلارلار.

## ● ۲-۳ نوروز بایرامی نغمه لری:

نوروز بایرامیندا، خوی، مرند کندلرینده، ائله جه ده



## عمه

معجز

من بینوايه آخیر، سؤیله مهربانیم عمه  
هاچاناکیمی پالازسیز قالاچاق مکانیم عمه؟  
قورویئرده قوخورام من، چیخاتا بو جانیم عمه  
کسیلیب امانیم عمه، باشیوا دولانیم عمه



دئیسن دوچایی دمله، من بینوايه پئیدر  
یارام اوسته یاره وورما بی بی جان سنی پیمبر  
سارالیب او زرلی چایدان و هم او گوموش سماور  
سینیب ایستیکانیم عمه، باشیوا دولانیم عمه



نولوبیرجه یول آچئیدی بی بی جان اریم گلئیدی  
یاخاسین توتئیدی بورجلو، ساچ ساققالین یولئیدی  
هامی بورجلارین وئرئیدی، دانیشیب دئییب گولئیدی  
سیخیلاندا جانیم عمه، باشیوا دولانیم عمه



بی بی جان چۆره کچیلرده ن سنه چوخ شیکایتیم  
وار

نه چیخیرسا تندیرینده ن آجی، شور، اطاعتیم وار  
یئمیشم زبسکی آرپا، اولغا شابهتیم وار  
بیرجه یوخ پالانیم عمه، باشیوا دولانیم عمه



سوخار آخیری مزاره منی بو چۆره کچی خانه  
گئدیرم چۆره کدن اؤترو سحری چکیر اذانه  
بئشی بیر فلوسه ده یمز، ساتیری بیرین قیرانه  
قوتولوب توانیم عمه، باشیوا دولانیم عمه



بی بی جان منی حلال ائت اؤزومو چئویر حیجازه  
دولانیر باشیم آجیمدان دورا بیلیمیرم نمازه  
گئدیر ایختیاریم الدن منه بیرجه وئر ایجازه  
اؤلورم اوزانیم عمه، باشیوا دولانیم عمه

آی منیم آلا تکهم  
باشیما بالا تکهم.  
گزه گن آروادلارین  
سیرغاسین یالا تکهم.  
یاشیلار آی یاشیلار،  
دوواردان بو یاشیلار.  
بو آیامین قیزلار  
ار اوسته ساواشیلار.  
آغ دومانین اوزلری،  
یئرہ گلمز دیزلری.  
بو آیامین قیزلاری  
کبین کسیر اوزلری.  
تکهم گئتدی مرندہ،  
تاماشادی گلندہ.  
کول باشینا تکهمین،  
قایناناسی اولندہ.  
تکهم تکهم اتلاما  
قول - قیچیوی قاتلاما.  
ساباه کی بایرام گلیر،  
گئدیب، چۆلدہ اوتلاما.  
تکهم بیر او یون ائیلر،  
قوردولان قویون ائیلر.  
بیغار گیلان دیویسون،  
چپیشین تو یون ائیلر.  
امیرالمؤمنین تخته چیخاجاق،  
یئزیدین بوینونا نوخدا ووراجاق،  
شیرین شربت سو یئرینه آخاجاق.  
سیزین بو تزه بایرامیز موبارک،  
آییز، ایلیز، گونوز، هفته ز موبارک.  
سولطان سر توولهده باغلار بوز آتی،  
اونون بوینوندا وار قیزیل ساعاتی،  
خانلار، بیلر بیزه وئرسین باراتی.  
سیزین بو تزه بایرامیز موبارک،  
آییز، ایلیز، گونوز، هفته ز موبارک.

## «بالون»

رسول یونان دان ایکی شئعر

سنی سئوندن،

دونیا گۆز للشیب!

گئجه لریم،

آرتیق قارانلیق دئیل.

گئجه لر،

آی بیر بالون کیمی،

یوخومون آغاجینا قونور.

●●●

«آغ اؤلوم»

آتام یایدا اؤلدو

اؤلوم مای ایدی

پاییزدا اؤلدو لیلا

اؤلوم ساری ایدی.

یاشار،

باھاردا اؤلدو

اؤلوم یاشیل ایدی.

ایندی من بورجلوبام

بیر آغ اؤلومه!

اوشاق ادیبیاتی

## بیر نچه اوشاق گله

اکبر صالحی «فاداش»



باش قاتیرام ورزیشه

اؤز میزیمین دالیندا

نه قیچ-قولوم ترپه نر

نه تر گزر آلیندا

●●●

کامپیوتئرله کئچه ر

گئجه م ده گوندوزوم ده

بیر دورد بوجاق صفحه دیر

دونیا منیم گؤزومده

●●●

تک جانیمما گیریشیب،

اوردا فوتبال اوینارام

بیرمی، اوتوز، اللی، یوز

گول وورماقدان دویمارام

●●●

گون چیخاندان آخشاما

موبایل اولار همدیم

موبایل اولا، شارژ اولا

داھا نه دردیم، قمیم!

●●●

آمما یوخ، یوخ دوز دئسم

کیریمیشم بوجاقدا

نچه گوندور دوستاغام

بیر بالاجا اوتاقدان

●●●

کاشکی آیفون سسلنه

اؤمیزه قوناق گله

قوناقلارین ایچینده

بیر نچه اوشاق گله

اوستاد ناظر شر فخانالی دان فولکلورا دایاناراق نوستالوژیک شئعر

## قیزلاریم (۱)



ناظر شر فخانانا

قیزلاریم، آی قیزلاریم!  
ایشیقلی اولدوزلاریم!  
قلم وثرین من یازیم  
کنچن گونومدن یازیم  
شرح ائله ییم حالیمی  
اوشاقلیق احوالیمی



من ده بیر گون سیز کیمی  
اوشاق ایدیم، اویناردیم  
اود، قلبیمده یانارکن  
ساماوار تک قایناردیم  
آتیلاردیم، دوشه ردیم  
بوزلاردا سوروشه ردیم  
هئچ بیلمه زدیم غم ندیر  
غم ندیر، ماتم نه دیر؟



منیم آتام مرد ایدی  
ائل - اوبادا فرد ایدی  
کار - کاسیبا یار ایدی  
حاققا مددکار ایدی  
ظالیم ایله ائشردی  
ظولم ایله اللشردی



«مسمه» ۱ نهم، فریشته  
کیوانی دی هر ایشده  
یوخسوللارین دایاغی  
محبتین اوجاغی  
عصریمیزین مریمی  
کندیمیزین ائل غمی



عصمتی زهرا کیمی

هاچان بیزیم اولکه به  
یاغیش چوخ آز یاغاردی  
کار - کاسیبین ناله سی  
گؤیلره قاوزاناردی



هر کس اله بیر قاشیق  
بیردانا جام آلاردی  
داغلار اوسته باخاردی  
قاشیق جاما چالاردی



دو لدوراردی گؤزلی  
دئییه ردی بو سؤزلی:



« - چؤمچه خاتین نه ایستر  
آلاهدان یاغیش ایستر  
قارا داغین بولودو  
یئتیملرین اومودو  
آلاه بیزه یاغیش وئر!  
دئم لریمیز قورودو»

رأفتی دریا کیمی  
اوره کده بول غصه لر  
بیلردی چوخ قصه لر



هردن قوش تک اوچاردیم  
سینه سینه قوناردیم  
دوشونده یئر وئر ردی  
قوجاقلایب اوپه ردی



اونوتمارام هئچ زامان  
شیرین - شیرین سؤزلرین  
آنلایان آنلار، بیلر  
اونون درین سوزلرین:



« - بیر اینه ییم واریدی  
په یه ده یئری داریدی  
چیخارتدیم سووارماغا  
سوروشدو، قیچی سیندی...»



ایسته مه لی سئوگیلی  
بال کیمی شیرین دیلی  
کرخاناسی، بره سی  
داغی - داشی، دره سی  
چیچکلی، بار - باغچاسی  
صفالی، دریاچه سی  
ناخوشلارا داواسی  
مریض لره شفاسی  
چوخدور اگر، پولسوزو  
آزدی ولی، یولسوزو

## آچیقلاما:

- ۱ مَسْمَه (معصومه) شاعیرین  
آناسی، آناسینین اصلیتی دریانلی  
ایدی.
- ۲ شاعیرین رحمتلیک آناسینین  
خالا اوغلو سو
- ۳ شرفخانالی دیندارو یوخسول  
اولدوغونا باخمایاراق کؤنلو - گؤزو  
گئن بیر قادین
- ۴ شاعیرین عمی قیزیسی، محمد  
خان رفیعی نین قیزی
- ۵ اصلیتی تیل لی اولان شرفخانادا  
ایلشن یوخسول بیر قادین.
- ۶ شرفخانانین دوشونن و  
بیلگین قادینلاریندان، شاعیرین  
فولکلور گئنیش ساحه ده فولکلور  
قاینالاریندان ایمیش
- ۷ چوخدا او چاغدان کئچمیر کی،  
قوردون پنجه سینی قوروداردیلار،  
اونو بیر چوخ خسته لیکلرین  
درمانی بیلردیلر. ائله جه ده سودو  
قوروموش قادینین اونو گؤسنرمکله  
امجه یینه سود گتیرمه یه  
ایناناردیلار.

حوسنونو بیر - بیر سانسام  
اینان کی گلمز سانا  
باغچالاری - باغلاری  
بنزه ری وار رضوانا  
● ● ●  
داشی - قومو ناز ساتار  
زوموروده، مرجانا  
یوخاری یاشیل «میشو»  
آشاغی گولمانخانا  
● ● ●  
هوروکلری ائشمه دیر  
بیر یانی «هفچشمه» دیر  
بیر طرفی قنچی دی  
مئهردیزه «علبنگی» دیر  
● ● ●  
شرفخانا دوغروسو  
اولکه لرین باشی دیر  
عالم اولارسا اوزوک  
شرفخانام قاشی دیر  
● ● ●  
بیر بئله جان یوردونا  
کند دئمه یین شَهْر دیر  
یئمیش لری مین له وین  
گول لری، مین تَهْر دیر  
● ● ●  
شرفخانا آدلی دیر  
«شالاخ» لاری دادلی دیر  
اوزوم لری اینجی دیر  
دونیادا بیرینجی دیر  
گولبه سری، قارپیزی  
قاز یاغیسی، یارپیزی  
کیشمیش ایله بادامی  
حالا گتیره ر آدامی  
ایده لری قیرمیزی  
اویدورار اوغلان - قیزی  
لاله بنیز قیزلاری  
ضیالی اولدوزلاری

● ● ●  
خالام اوغلو مش «نبی» ۲  
خوش آداسی، خوش دبی  
قور - قوهوما مهربان  
اجنبی یه اجنبی  
● ● ●  
عمه قیزیم «پری نساء» ۳  
سرو و صنوبر نساء  
اثرمنی بادیمجانی  
سئومز او سرو نساء  
● ● ●  
«تغلی به بییم» ۴ خان قیزی  
خان قیزی، اعیان قیزی  
طالع آنده ر بخته ور  
دونیادا اوغلان، قیزی  
● ● ●  
«خدیجه» ۵ خانیم «تیل» لی دیر  
آخ، نه شیرین دیلی دیر  
دار قفسده تک یاشار  
گور، نئجه نیسگیلی دیر  
● ● ●  
«شاختا قیزی» ۶ خان ننه  
هر سؤزو «قوربان سنه»  
قولتوغوندا «قوردالی» ۷  
ایسته مه لی، سئومه لی  
قاه قا چکیب، گوله ردی  
باخیب منه، دیپردی:  
● ● ●  
« - رضا بالا بیر قوش ایدی  
باغچایا قونوموش ایدی  
کوراوغلو گورموش ایدی  
اوخ ایله وورموش ایدی ...»  
● ● ●  
منیم گؤزه ل یوردومون  
آدی دیر شرفخانا  
بوتون یوردلار بیر یانا  
منیم کی ده بیر یانا  
● ● ●

# قىرخ فىرتا بىر فىرت

قلمه حسين محمد آلان: خانى «گونئىلى»

بىلمىردى.  
بىر گون دە ائوده اوتوروب فىكره گئتمىشىدى كى، اروادى  
دئدى:  
- كىشى چوخ دا دارىخما، من بىر فىكره ائله مىشم، سن دە  
اؤنو بىنسن، ايشىن اوزونو تاپارىق.  
بونو ائشىدن كىشى دئدى:  
- هله دى گۆرك سن نه نقشه چكىبسن؟  
ارواد:  
- نىجه كى بىلرسن؟ بوگونلر حاجىلار مگه يه گنده جكلر،  
سن دە حاجىلار بىن گئتمهسى باشلاناندا قايتمالارينا  
كىمى ائودن ائشىگه چىخمايا جاقسان! بو مودتده هامى  
تانىشلار سنىن مگه يه گئتمىشىنى دئيه-جه يم و گله جك  
اوچون دە بىر سرمايا بىغاچام.  
بونو ائشىدن كىشى دئدى:  
- ارواد، آبىرىمىزى توكمه سن، منىم سوزوم يوخدور.  
انجاق او گوندىن كىشى ائوده اوتوروب، چۆرك قازانماغى  
اروادىن بونونا بىچدى. ارواد ايشى بئله باشلادى.

سؤبله ين: عاشىق احمد بدرى  
دوغوم ايلي: ۱۳۹۹  
دوغوم يئرى: شېستر - مئشىن كندى  
ياشادىغى كند: شېستر - كۆشك كندى  
بىر گون واريدى، بىر گون يوخودو، تانرى دان باشقا كىمسە  
يوخودو.  
بىر زمان بىر تاجىر كىشى ارواد- اوشاغىلا بىر شېرده  
ياشايىردى. تاجىرىن ايشى گونو- گوندىن ياخشى دا  
اؤلسايدى دا، اتالارىن دئدىكلرى كىمى:- "هئچ كسىن  
چىراغى سحره كىمى يانمايىب". بو تاجىرىن دا چىراغى  
سحره كىمى يانمادى. آل- وئرلرىندە ائله سىنقىن چىخدى  
كى، بوتون وار- يوخو اليندىن گئتىدى. بوندىن سونرا حتتا  
قوهوم- قارداش ايچىندە دە نه اليندىن توتان اولدو، نه يان  
يؤوره سىنە دولانان.  
داها نه يولداش ياخىنا گلدى، نه دوست كئفىنى  
سوروشدو. انجاق الى يئردن- گۆيدن اوزولوب، دىزلىرىنى  
قوجاقلايىب، بىر بوجاقدا اوتورماقدان باشقا بىر ايش گۆره



یۇلا سالدی.

گون-گوندن، آی-آیدان گئچدی، حاجی لارین مگه دن گلن زامانی گلدی؛ أمما عطار، بزاز، موللا هر نه یۇل گۆزلهدیلرسه، حاجی نین حئساب- کیتابا گلمه سیندن خبر اولمادی. بو سببه گونده بیرى تاجیرین قاپیسینا گلدی. أمما تاجیر:- حاقدی- یۇخدو،- دئمک یئرینه، اۇنلار ارتیقلاما گلیب، قاپیسیندان قوودو. بوناگۆره اۇنلارین اوچو ده ایشین تکی- باشینا یئتیشیب، تاجیرین سینقین چیخماسینی، اروادین حیيله ایشینی آنلادیلار. تاجیرین و اروادین ایشلری نین اوستونو آچیب، آغیزدان آغیزا سالدیلار؛ بئله کی، عطاردان آپاردیغینی بزاز و موللا بیلدی، اۇنلاردان آلدیغینی دا عطار. بۇ سببه اۇنلار اوچو بیر- بیرینی تاپیب، بۇ بالانچی حاجی ایله اروادیندان آجیق آچماق قراری قویدولار. اوچ کیشی تاجیری ادییت ائلمک قصدیله، بیر گئجه اۇنلارین ائولری نین دامینا چیخیب، داما اۇلان باجادان ائوه ائتمک ایسته دیلر. دئمه به مکه نین اوزو- تۇزونو گۆرمه یین حاجی ایله قارنیندا قیرخ تولکونون قویروغو دا بیر- بیرینه دیمه یین ارواد بونلارین ایشینی آنلاییب، بیر مانقال کۆمورله، بیر تندیر ائشن شیش حاضیرلاییب، گئجه نین یاریسی بونلارین یۇلونو گۆزلهدییلر. اوچ نفر باجانین قیراغیندا نئجه ایچری ائتمه یه فیکیرلشند، بونلار شیشی مانقالدا قیزارمیش کۆمورون اوستونه قوئوب، داغ قوئماغا حاضیرلادیلار. بۇ زمان ائشیتدیلر کی، عطار باشی دئییر:

اول منی ساللایین، خطر حیست ائلمه سم، سیز ده دالیمجا ائترسیز! أمما خطر حیست ائلمه سم، بیر دؤنه "فیرت" ائله به جه ییم اۇندا منی یۇخاری چکرسیز.

یۇلداشلاری بۇ قراری قبول ائدیب، عطاری ساللادیلار؛ أمما هله آیاقلاری یئرته چاتمیش، اريله ارواد اۇنون یانلارینی، حتتا پاچاسینی داغلادیلار، بۇ دا بیر فیرت ائله ییب، یۇخاری چکیدى. أمما چون ایستیردی کی، اۇزو آن پایدان یۇلداشلارینا دا یئتیشسین، ایچری ائتمه یینه قارانلیقدان قورخدوغوندا باشقا بیر عیلت دئمه دی، بۇ سۇزو ائشیدن یۇلداشلاری اۇنو بیر آز دانلادیلار؛ أمما سۇنرا بزاز دئدی:

- منی ساللایین گۇروم، مه یه آدام دا قارانلیقدان قورخار؟ آنجاق بونو دا سیزه تاپشیریرام کی، من اوچ دؤنه "فیرت" ائتمه یینجه، منی ائشیه چکمه یه حاقیز یۇخدورا!

عطارلا موللا باش اوسته دئییب، بزازی ساللادیلار. اۇنون دا هله چیبین لری باجادان آشاغی ائتمه میش اوچ فیرتی دئمه یه مجبور اولدوغو اوچون یۇخاری چکیدى. أمما بۇ دا داغ قوئماقدان، داغلانماقدان بیر سۇز دئمه دی. جانی

لاپ یاخشی پالتارلارینی گئییب، ائوده اۇلان ارلیک قیزی دا یانینا سالیب یۇلا دوشدولر. گئتها گئت اری نین تاجیر اولدوغونو بیلن، أمما اۇنون سینقین چیخماسیندان خبرسیز اۇلان بیر عطارین توکانینا چاتدیلار. ایچری گئچیب، ادب- ارکانلا سالاملاشیب، اۇزونو تاجیرین قادینی، قیزی دا اۇنون قاراواشی تانیتدیریب دئدی:

- تاجیر، مگه سفرینه گئدرکن، منه تاپشیردی کی، هر نه ائوه گزک اولسا، سیزدن آلیب آپارایم، ائله کی، حاجی مگه دن گلدی، اۇزو گلیب سیز ایله حئسابلاشار.

بونلاری ائشیدن تاجیر اۇز- اۇزونه:- ائله بیل یاخشی- پۇللو بیر مشتری گیریمه گلیبدیر، دئییه، تاجیرین اروادینا دئدی:

- عئیبی یۇخدور، هر نه ایستیرسیز بۇیورون یازیم، سۇنرا گۇندیریم گلسین!

ارواد باشلادی: نئچه باتمان دویو، نئچه باتمان یاغ، نئچه باتمان دۇشاب، بال، نئچه تلیس نخود، لوبیا و. . .

نه باشیزی آغریدیم؟- ایستی اۇد، ساری کۆکدن توتدو، دارچین، زنجفیلدن چیخدی. داشدان یۇمشاق هر نه گۆزونه دئدی، اۇندان یازدیریب ائوه قایتیدی. نئچه ساعاتدان سۇنرا عطار یوک داشیان داشقاچی لاردان نئچه سینی چاغیریب، اروادین یازدیردیغی ماتاهلاری داشقالارا یوکله ییب تاجیرین ائوینه گۇندردی. داشقاچی- لار دا دیلسیز- آغیزسیز ماتاهلاری دیللی- آغیزلی اروادا تاپشیریب گئتدیلر.

نئچه گوندن سۇنرا یئنه ارواد اۇزونه یاخشی جاسینا یئتیشیب، قیزی دا گۇتوروب بیر آدی- سانلی بزازین مغازاسینا گئتدیلر. ائله اۇنا دا اۇزونو تاجیرین اروادی، قیزی دا قاراواشی تانیتدیریب آتیردی:

- نئجه کی بیلیرسیز، حاجی مگه یه گئدیدی، أمما گئدرکن تاپشیریدی کی، ائوه گزک اۇلان پارچالاری تکجه سندن آلام، البته اۇزو مگه دن گلنده، گلیب حئسابلاشاقدر.

بزاز دا بونلاراینانیب، نئچه حاممال یوکو لاپ یاخشی قۇماشلاردان، مخمللردن بونلارین ائوینه گۇندردی.

اوچونجو یۇل ارواد قیزی دا یانینا سالیب موللانین ائوینه گئتدیلر. اۇنا دا اری نین مگه ده اولدوغونو دئییب آتیردی کی، اری مگه یه گئدرکن دئمشدی:

- هر نه نقد پۇلا احتیاجیز اولسا، فیلان موللادان آلین، چون آیری وئرجه ییم ده واردیر. مگه دن گلنده هامیسینی بیرلیکده حئساب ائده جه ییم.

بونو ائشیدن موللا دوروب، اۇزوندن- اۇزگه دن هر نه تاپمالیدیسا، تاپیب بیر چۇخلو نقد پۇل بۇ آنا- قیزا وئریب

## اسکندرين وصیتي



کریم مشروطه چی «سؤنمز»

اسکندر!

تانیرسیز، او بؤیوک سردار

اؤزونو ایتیریپ، یولون آز میشدی

اؤلنده باخدیلار وصییتینه

وصییتنامه ده بئله یاز میشدی:



«منیم جنازه می تشیيع ائدنده

الیریم تابوتدان ائشیکده قالسین

هر گلن، هر گئدن حالیمی گؤرسون

آجی تجربه م دن بیر عبرت آلسین



من کی، عؤمروم بویو، وار قدر تیمله

بوتون اؤلکه لری چالیپ، چاپمیشام

تالییب قیمتلی خزینه لری

دونیا دا بیرینجی شهرت تاپمیشام



اؤ کس کی، من کیمی دوشونوب، دئییر:

ظلم ایله قازانیپ، یاشاماق خوشدور

گؤرسون کی، بؤ قده ر قدر تله بئله

دونیا دان گئدنده الیریم بوشدور!»

آجیشسا دا فیرت دئمه یینه، قورخدوغوندان باشقا بیر  
علتدن سؤز آچمادی.

بو زامان موللا دئدی:

- منی ساللایین، أمما من قیرخ دؤنه فیرت ائتمه یینجه

منی یوخاری چکمه یین!

ائله کی، بزازلای عطار موللانی ساللادیلار، اریله ارواد اؤنو

دا داغلاماغا، موللا دا تئز - تئز فیرت - فیرت - فیرت ائله مه یه

باشلادی. أمما ائله کی گوردو قیرخ فیرتی ائله یینجه، اؤزو

ده فیلیق چیخاجاق دئدی:

- قیرخ فیرتا بیر فیرت.

اؤنو دا یوخاری چکیب، دامدان یئره ائندیلر. أمما بؤ

ایشدن داها جانلاری آجیشان آلاقلی لار، دبه - دبه

یئرییه - یئرییه هر بیر اؤز ائوینه گئتدی. نچه گوندن

سؤنرا یانیق یارالاری ساغالا - ساغالما یا یئنه بیر یئره

یغیشیب، سینقین دوشن آدمین حیطینه اؤلان سو

گیلیفیندن ایچری گیرمک ایسته دیلر. دئمه بس اروادلا

کیشی بونو دا بیلپ، بیر ایتی بیچاقلا گیلیفین قاباغیندا

بونلارین یولونو گؤزلوردولر. یئنه بؤرادا عطار قاباغا دوشوب،

ایمکله یه - ایمکله یه ایچری تپیلنده، پیچاقلا بؤرنونون

اوجونو بیچدیلر. یازیق عطار دالی - دالی چکیلیب الی

بؤرنوندا ائشییه چیخدی. یولداشلاری:

- بورنووو نییه توتوسان؟ - دئییه، سؤروشاندا، عطار

دئدی:

- بیلیمیرم، ایچریده هئل دؤیورلر، میخک دؤیورلر، منیم

ده بئله بیر شئی لردن خوشوم گلمز.

بونو ائشیدن بزازلای - منیم چوخ دا خوشوم گلر، چکیلین

اویانا، من گیریم، - دئییب، ایچری سؤخولدو.

اؤ دا باشینی ایچری سؤخار - سؤخماز، قۇلاقلاری

کسیلیدی. الیرینی قۇلاقلارینا باسیب ائشییه چیخدی. بئله

گؤزن موللا: - هه، نه وار؟ - دئییه، چیخدیغی نین سببینی

سؤروشاندا، بزازلای دئدی:

- بابا هئل - میخک اییی جهتمه، زورنا - قوال سسیندن

قۇلاق توتولور، ائله بیل کی، بؤرادا توی وار!

بونو ائشیدن موللا، یولداشلاری کیمی، قابق - قابق

یوخ، دالی - دالی ایمکله یه - ایمکله یه گیرنده، اریله ارواد

اؤنون دا ایکی قیچی نین آراسیندان ساللانلارینی کسپ

بؤراخدیلار. موللا بیر الی پاچاسی آراسیندا، ائشییه

چیخیب، یولداشلارینا اوز توتوب دئدی:

- تویدا اولسا، منیم سوتت تویومودور.

نهایتده، بیز بؤ حاجیدان آلاقلی دئییلیک - دئییه -

دئییه، قاچ کی قاچاسان - قاچدیلار.

# توسباغالار یا کینک لر؟!!



دکتر مرتضی مجدفر / تعلیم و تربیه علملر اوستادی

گۆزه چارپمایان ایپک قوردلاری نین بیر - بیر اوستونه فالامیش فالاقلا رین آراسیندان، آل - آلوان، ناخیشلی و اینجه قانادلی گۆزل کینک لر، قاناد چالا - چالا گۆیه اوچورلار.

داش چاناقلی توسباغالار اون ایکی ایل؛ گۆزل قانادلی کینک لر ایسه، اون ایکی گونون بویا - باشا چاتدیقلاری دیرلار.

حیاتین و اؤیرنیشین هم بویو، هم ائنی، هم ده اوجالیغی واردیر. توسباغالارین کیلاسارلی نین بویو اوزون، ائنی آز و اوجالیغی داها آز دیر. کینکلرین کیلاسارلی نین بویو قیسا، ائنی آز و اوجالیغی اوستون دور.

حیاتیمیزدا، اوشاقلاریمیزی توسباغالار یا کینکلرین کیلاسارلینا یوللامالیق؟ تربیه میز توسباغا سایاغی یا کینک گۆر کمینده اولمالی دیر؟! هانسی سینی بینیر سینیز؟ نییه؟!!

توسباغالار ایله ایپک قوردلاری نین درس کیلاسارلی فرقلی دیر. توسباغالار اون ایکی ایل، باراما قوردلاری ایسه، اون ایکی گون درس آلمالی دیرلار. توسباغالار بو اون ایکی ایلین هر بیر ایلینی دالیدا قویوب، یئنی درس ایلینی باشلایان گونلر، چاناقلاری بیر داها دا قاتلانیر. چاناق قاتلانیدیقا، توسباغالار داها دا قینلارینا سیغیشیرلار و قورخو بوتون جانلارینی بورویور. اونلار توسباغا قالیر، گونو - گوندن چاناقلاری قالدینلاشیر و گۆر کملری ایسه کیفیرلشیر. آنجاق ایپک قوردلاری، اؤز کامیللشمه کیلاسارلیندا، توت یارپاقلارین یئیرکن، پیله لرینی قات - قات یئره قویوب، گۆیلره قالماق درسینی مشق اندیرلر. هر پیله، باراما قوردلاری نین جانیندان قویاراق، اینجه و یوخا ایپک تئل لری نین یارانماسی گۆرونور و قورتاراجاق زامانی، چیرکین یا خود هئچ بیر گوزهللیبی



است، بی نظیر است.

۷ محمدحسین شهریار تبریزی: او در بین شعرای متأخر از همه پرآوازه تر است. پاره ای از سروده‌های او با غزلیات عرفانی و آسمانی حافظ همپایی می‌کند. شعر «علی ای همای رحمت» او در اوج هنرنمایی و احساسات می‌باشد. شهریار به حق شایستگی آن را داشت که روز وفاتش به عنوان روز شعر و ادب ماندگار گردد.

**شرح حال شرف الزمان حکیم ابومنصور قطران عضدی تبریزی**

قطران تبریزی از مشاهیر شاعران ایران در قرن پنجم هجری است و چنانچه خود گفته، از طبقه‌ی دهقانان بوه و از دهقانی به شاعری افتاده بود.

یکی دهقان بدم شدم شاعر ز نادانی

مرا از شاعری کردن تو گرداندی به دهقانی

تخلص وی به اتفاق همه‌ی تذکره‌نویسان، «قطران» بوده و در عهد خود هم به همین نام شهرت داشته است. لقب وی «فخرالشعراء» نام پدرش منصور و محل تولد وی شادی‌آباد تبریز است. از معاصران او ناصر خسرو قبادیانی است که در هنگام سفر و عبور از تبریز، قطران را که در آن زمان مشغول مطالعه‌ی آثار شعرای مشرق بود، ملاقات و در حل مشکلات او که درباره‌ی برخی لغات دری بود، وی را یاری کرد. خود ناصر خسرو در این باره گفته است: در تبریز قطران نام شاعری را دیدم. شعر نیک می‌گفت، اما زبان فارسی نیکو نمی‌دانست. پیش من آمد، دیوان منجیک و دقیقی بیاورد و پیش من بخواند و هر معنا که مشکل بود، از من بپرسید. با او گفتم و شرح آن بنوشت و اشعار خود بر من خواند.

قطران شاعری توانا و نیکو سخن است. تمایل وی به صنایع شعری از قصاید او پیداست. کمتر قصیده اوست که از مضامین

## قافله سالاران شعر و ادب فارسی آذربایجان

# به مناسبت هفته شعر و ادب

بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی، بیست و هفتم شهریور روز وفات شهریار، شاعر پرآوازه آذربایجان به عنوان روز شعر و ادب نامگذاری گردیده است. هفته آخر شهریور نیز به همین مناسبت به عنوان هفته شعر و ادب گرامی داشته می‌شود. بر آن شدم این مناسبت را بهانه قرار داده و در این ایام به هفت تن از شعرای افتخار آفرین آذربایجان که هر کدام در عنوانی نقش ارزنده ای در شعر و ادب ایفا نموده اند، اشاره ای داشته و شرح حال یکی از آنها یعنی قطران تبریزی را که امسال هزارمین سال تولدشان می‌باشد تا حدی به صورت تفصیلی در ادامه این نوشتار خواهیم آورد.

۱ قطران تبریزی: وی اولین شاعری است که شعر سرودن به زبان فارسی دری را در آذربایجان شروع کرد و بعد از او تا زمان حاضر شعرای زیادی از آذربایجان برخاستند و آثار گرانبهایی از خدمت خود به یادگار گذاشتند. به مصداق «الفضل للمتقدم» فضیلت تقدم از آن اوست. شرح حال تفصیلی ایشان را در ادامه این نوشتار خواهید خواند.

۲ خاقانی شروانی: او شاعر توانایی است که قصایدش بسیار وزین و استوار است. کمتر قصیده سرایی در ادب فارسی هست که در این عرصه به پای او برسد. قصیده ایوان مداین او شاهکاری است که علاوه بر زیبایی نشان از میهن دوستی این شاعر آذربایجانی است.

۳ حکیم نظامی گنجوی: او در زمینه سرودن مثنوی‌های بزمی مالک الرقاب است. دیگر شعری که در این عرصه هنرآزمایی کرده اند همگی دنباله رو او هستند و آثار هیچکدام به پای پنج گنج نظامی نمی‌رسد.

۴ شیخ محمود شبستری: او خالق مثنوی هزار بیتی گلشن راز است. گلشن راز چکیده عرفان و حکمت متعالیه است و کتابی است که در کوچکترین حجم بیشترین محتوا را دارد.

۵ صائب تبریزی: او بزرگترین و مشهورترین شاعر سبک هندی است. غزلیات او پر از ظرافتها و نکته پردازی‌های بسیار دقیقی است که نظیر آن‌ها را در سروده‌های شعرای دیگر کمتر می‌توان یافت. بعضی از ابیات غزلیات او مثل سائر شده است.

۶ پروین اعتصامی: او مشهورترین و مبرزترین شاعره در زبان فارسی است. سروده‌های او که بیشتر در مسائل اجتماعی و اخلاقی

به کتابخانه تقوی ۶- نسخه خطی متعلق به کتابخانه سعید نفیسی  
۷- نسخه خطی به خط انوری ابیوردی متعلق به کتابخانه محمد  
نخجوانی

سال تولد قطران دقیقاً معلوم نیست و از قراین می توان تا حدودی  
سال تولدش را بدین صورت تخمین زد. «ابوالحسن لشکری» در  
سال ۴۲۵ قمری در گنجه به تخت نشسته در سال ۴۳۴ قمری  
قطران که جوانی حدود ۲۵ ساله بود به خدمتش رسیده است با  
این حساب سال تولدش می تواند حدود سال ۴۱۰ قمری مطابق با  
۳۹۹ شمسی باشد. سال وفات قطران را هدایت سال ۴۶۵ قمری  
نوشته است ولی این تاریخ نمی تواند معتبر باشد چون شواهدی در  
دیوان او هست که بعد از این تاریخ زنده بوده و اشعاری در مدح  
حاکمانی سروده است.

امسال با حساب تقویم شمسی هزارمین سال تولد قطران  
است. به همین مناسبت با رایزنی فرهنگی جمهوری آذربایجان  
در باکو اشعار منتخب قطران تبریزی توسط محقق، شاعر و مترجم  
فرهیخته به نام «میرجلال زکی» به صورت موزون و شعر به ترکی  
ترجمه و در ۲۱۲ صفحه با مقدمه ای با قلم شاعر مزبور که به  
استناد مقالات بدیع الزمان فروزان فر، ذبیح الله صفا، سعید نفیسی  
آذر بیگدلی نوشته شده، به چاپ رسیده است.

قطران در حدود سال ۴۶۵ هجری قمری درگذشت. او پس از  
اسدی طوسی دومین شاعر بزرگی است، که در مقبره الشعراء در  
کوی سرخاب تبریز مدفون است.

«دکتر حسن امین لو»  
۲۳ شهریور سال ۱۳۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 اوی زار تهر از آن جهان فغان را / هر چه این جهان بداد از فغان را  
 هر که با لبی زبانی این یاد را / هر که با لبی زبانی این یاد را  
 پادشاه روی و خیره بر روی را / خوار و خسته دین و دین را  
 در شهر و شهرت از کلاک / شهر و شهرت از کلاک  
 در آن روز و روزگار / حال آنکه چون روزه، خوار  
 هر چه از این جهان بداد از فغان را / دولت و اندیشه و اندیشه را  
 هر چه از این جهان بداد از فغان را / هر چه از این جهان بداد از فغان را  
 لنگری زان روز و روزگار / چه سستی زان روز و روزگار  
 هموار از آن جهان بداد از فغان را / هموار از آن جهان بداد از فغان را  
 کلاه از آن جهان بداد از فغان را / کلاه از آن جهان بداد از فغان را  
 دنیا از آن جهان بداد از فغان را / دنیا از آن جهان بداد از فغان را  
 هر چه از این جهان بداد از فغان را / هر چه از این جهان بداد از فغان را  
 اکو در آن جهان بداد از فغان را / اکو در آن جهان بداد از فغان را  
 دنیا از آن جهان بداد از فغان را / دنیا از آن جهان بداد از فغان را

عکس ورق اول از نسخه خطی انوری

دلپذیر خالی باشد. غزلهای او به روانی و دل انگیزی ممتاز است.  
یکی از وجوه اهمیت قطران آن است که وی نخستین کسی است  
که در آذربایجان به پارسی دری آغاز سخنوری کرده و پیشوای  
شاعران آن سامان گردیده است. قطران در ۲۵ سالگی به گنجه  
مسافرت کرد و مورد توجه «ابوالحسن لشکری» قرار گرفت. در  
دیوان قطران به سه واقعه مهم تاریخی اشاره شده است:

۱ جنگ امیر وهسودان با سپهبد موغان (مغان)

۲ تازش غزان به آذربایجان

۳ زمین لرزه دهشتناک تبریز در سال ۴۳۴ هجری قمری.

یادآور شوم که تبریز شهری زلزله خیز است و اسناد تاریخی مبین  
آن است که به طور متوسط هر دوپست سال زلزله بزرگی در تبریز  
رخ داده که یکی از آنها در زمان حیات قطران بوده است.)

اشعار زیر از قصیده ای طولانی و غرابی است که شاعر در وصف  
زلزله تبریز سروده است :

نبود شهری در آفاق خوشتر از تبریز

به ایمنی و به مال و به نیکویی و جمال

ز ناز و نوش همه خلق بود نوشتانوش

ز خلق و مال همه شهر بود مالامال

در او به کام دل خویش هر کسی مشغول

اسیر و بنده و سالار و فاضل و مفضل

یکی به خدمت ایزد یکی به خدمت خلق

یکی به جستن نام و یکی به جستن مال

یکی به خواستن جام بر سماع غزل

یکی به تاختن یوز بر شکار غزال

به روز بودن با مطربان شیرین گوی

به شب غنودن با نیکوان مشکین خال

نسخه ای از دیوان قطران به خط شاعر معروف دوره سلجوقی

«انوری ابیوردی» در سال ۵۱۴ - ۵۲۹ هجری قمری نوشته شده  
است.

دیوان اشعار قطران در سال ۱۳۳۳ شمسی از روی نسخه  
تصحیح شده محمد نخجوانی و با مقدمه عالمانه استاد بدیع الزمان  
فروزانفر، استاد ذبیح الله صفا و سید حسن تقی زاده توسط چاپخانه  
شفق با مقابله نسخه های خطی مشروحه زیر به چاپ رسید و  
سپس در سال ۱۳۶۲ شمسی توسط انتشارات ققنوس تجدید چاپ  
شد:

۱- نسخه خطی متعلق به کتابخانه شخصی امیرخیزی ۲-

نسخه خطی کتابخانه تربیت وقتی حاج محمدعلی بادامچی ۳-

نسخه خطی متعلق به کتابخانه سلطان القرائی ۴- نسخه خطی

متعلق به کتابخانه حاج حسین نخجوانی ۵- نسخه خطی متعلق

## کن خزان دیگران را چون بهار



محمد رضارونقی

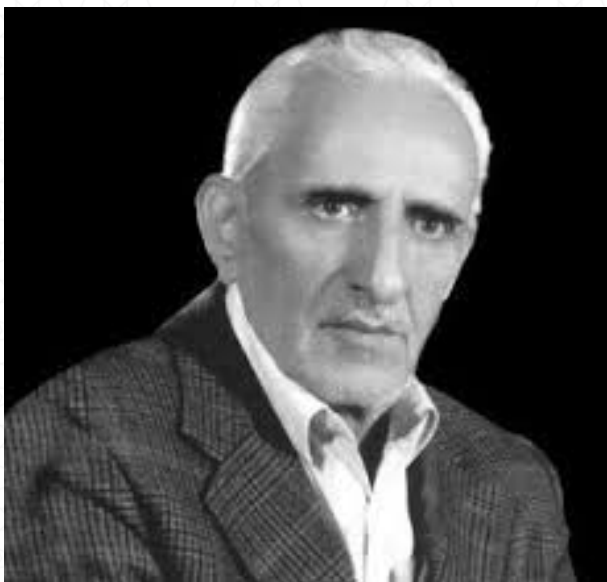
عاقبت روز من و تو شام آخر می شود  
روحمان از محبس این کالبد در می شود  
خانه‌ی آمال ویران گردد از باد زمان  
داغ بر دل، قفل بر لب، خاک بر سر می شود  
در بهار زندگی فکر خزان ناید به یاد  
روز هجرت چون درآید مرگ باور می شود  
نیم‌روزی با ترنم عمر را سر می کنیم  
نی دیگر وز آه ما گوش فلک کر می شود  
لحظه‌ای، ناخواسته بر آخر خط می‌رسیم  
دستمان کوتاه از این دنیای بی بر می شود  
بامدادی آمدیم و شامگاهی می‌رویم  
ناظر این رفت و آمد ماه و اختر می شود  
خاطرات عمر را با خط خوش باید نوشت  
این نگارش عاقبت تقدیم داور می شود  
تا گل عمرت شکفته، بد مکن با بلبلان  
کین گل خوش‌رنگ و بو یک روز پرپر می شود  
عزه بر جاهت مکن، بادی به غبغب ره مده  
چشم خود برهم زنی این زندگی سر می شود  
«رونقی» بیدارشو از خواب غفلت ناگهان  
روزگاری مرغ جان بی‌بال و بی‌پر می شود  
تا توانی کن خزان دیگران را چون بهار  
با بهار دیگران باغ دلت تر می شود

بنازم عالیفر طبع و روانت  
که شد جاویدان نام و نشانت  
به مدح سوگ آل الله یک عمر  
گهر بارید از طبع. و روانت  
رقم چون زد حدیث نینوا را  
قلم نالید چو نی بر لبانت  
به جز مدح علی و آل و طاها  
نیامد هیچ مدحی بر زبانت  
چو نقد عمر کردی صرف این کار  
نوشت اندیشه از سود و زیانت  
کمال معرفت گشت ،، باغستانت،  
همه پیداست در لطف و بیانت  
گشودی از دامن این خاکدان بال  
به گلزار جنان شد. آشیانت  
به ممدوحان خود محشور بادا  
به باغ خلد راه، جاودانت  
درود ، گلشن، است در این چکامه  
به روح پاک و پر بار و روانت  
بیاد در گذشت استاد سخن  
مرحوم حاج علی عالیفر ،



در گذشت شاعر اهل بیت استاد حاج علی عالیفر  
را خدمت خانواده‌های عزادار و کلیه همشهریان  
بزرگوار تسلیت گفته و از ایزد منان برای آن عزیز  
سفر کرده رحمت وافر الهی و برای کلیه علاقمندان  
صبر جزیل مسئلت داریم و برای تسلی همه‌مان  
شعر استاد شوقی ( گلشن ) همکار ارجمندمان  
از تیل را در رثای دوست و همشهری گرانقدرش  
تقدیم می‌داریم.

## درود به ستارخان زمان



زهر سیلی که، این دریا ز اهریمن خورد،  
خونش بجوش آید  
و کم کم اوج گیرد جوشش پنهان ...  
و آخر کاسه صبر و شکیبایش شد لبریز.  
تکان خورد و خروشید عاقبت از خشم و بیرون داد  
با فریاد

زدل؛ چون گوهر تابان، جوانان مجاهد را  
سلام آتشین بر زادگان خشم بی پایان و طوفانزای ملتها



و اینک چشمهای جملگی هر سو:  
شهر و روستا و غربت و زندان،  
یتیمان و زنان و دختران و کودکان و پیر مردان،  
اسیر بند گشته شیر مردان ...  
پراز امید، با شادی و رنج و درد آغشته  
ز جام دیده دائم هر طرف را سخت می پایند؛  
که، یل زا بحر توده کی دهد بیرون  
زدل بت کوب و ظلمت در یل دوران  
یلی چون شیر ستارخان!  
شود لبریز شادی تودهها را دل  
و لبها هر چه زود و زودتر خندان

اثر دکتر زهتابی

بمناسبت تولد ستارخان - ۲۸ مهرماه

«هوا چون سرب سنگین بود»  
نه خورشیدی، نه ماهی در افق پیدا!  
جهان همچو شب یلدا  
همه شیران نردر کنده و زنجیر،  
و نامردان روبه قلب ناهنجار  
اندر کار.  
سما زندگی پوشیده از ابر سیه کردار.  
دل سازندگان زندگانی سخت غمگین بود  
و خون توده چون آتشفشان خاموشی پر نفرت و کین بود  
لبان خاموش.  
و خون در جوش.  
خروشید و برون داد عاقبت دریای پراز خشم و کین توده در  
بند

زدل افسانه سازان مجاهد و پیشاپیش آنها گرد ستارخان!  
که، یار توده بوده دشمن سرسخت جباران  
و با نیروی خلق او راند از ایران  
سیاهی گستر نوکر، خدای ظلم و پستی راه،  
اصول بت پرستی را!  
«هوا چون سرب سنگین است»  
دل البرز خونین است،

ودامان عروسان دماوند و سهند از ننگ رنگین است  
بهر سو ترس، همچون مرگ، با خویش گسترده.  
نفسها، بانگها، چون مرغ در کولاک، اندر لانههای سینه  
افسرده

کفن پوشیده شهر و ده ز خاموشی،  
بزور استبداد.  
سراسر «سنگر آزادگان خاموش»  
و ننگین «خیمه گاه دشمنان پر جوش»  
همه «آزادگان دریند»

تمام «روسپی نامردمان در کار»  
بهر سو لشگر کولاک خود سر اسب میتازد.  
و بر دوشیزه‌های غنچه در گلزارسرما دست میازد.  
ملل در بند و از لبها یشان قفلی است آویزان  
و اندر زادگاهش توده در زندان،  
و یا، ناچار، اندر خانه بیگانه سرگردان.  
بظاهر خلق چون دریای خاموش است،  
بدل اما به پیچ و تاب و در جوش است.

# به نام آن که قریب ترین غریبان است

آیلین جلیلی / دانش آموز پایه ششم ابتدایی

اما...

اگرچه از هم دوریم ولی دل‌هایمان به هم نزدیک است. از این دوران هم خاطراتی می‌ماند به یادگار که نکات پرنگش مهربانی، ایثار، تلاش و در نهایت حس خوب پیروزی است. این نیز بگذرد...

رسید مژه که ایام غم نخواهد ماند چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند با رسیدن شکوفه‌ها شادی‌ها و دورهمی‌ها هم فرا می‌رسد.

این بار متفاوت

اول مهر همیشه با شوق و ذوق بازگشایی مدارس و درس خواندن و بازی کردن در مدرسه همراه می‌شد؛ اما این بار طور دیگری است.

حضور دانش‌آموزان در مدارس کمرنگ شده و حس قشنگی که دانش‌آموزان هنگام برپا گفتن داشتند را حالا خیلی کم تجربه می‌کنند.

بازی‌های گروهی از مدارس حذف شده و بدون آن زنگ تفریح‌ها بی‌روح شده‌اند.

## آسمان. آب. زمین

ناصر کشاورزی

کی به این خورشید می‌گوید خواب؟  
آفتاب را بناب؟

کی زده فواره‌ی رنگین کمان  
توی حوض آسمان؟

از کجا آورده دریا آب را؟  
شب گل مهتاب را؟

کی به آهویاد داده سبزه را؟  
شبدر خوشمزه را؟

کی لباسی شاپرک را دوخته؟  
گل به او آموخته؟

کی به دلها مهربانی داده است؟  
شادمائی داده است؟

او خدای مهربان و خوب ماست.  
هر چه هست از این خداست





• پائیز ۱۳۹۹ • شماره ۲۴ •

پیام  
شعبه  
مترجم

# تعبد

تهیه و تنظیم / ابوالفضل هدایتی آذری

این فرمان از معنایی ساده و روشن و در عین حال از گستره‌ای وسیع به اندازه تمام زندگی انسان برخوردار است و هیچ استثنا و تبصره‌ای نمی‌پذیرد؛ زیرا انسان همه هستی و هویت انسانی خود را از خداوند دارد و خود هیچ استقلالی در زندگی ندارد. از این‌روی خداوند حتی می‌تواند جان آدمی را نیز بی‌هیچ بحث و گفت‌وگویی از او طلب نماید که جریان حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل نمونه روشن آن است.

تعبد گوهر دین: دین تنها از آن خداوند است و گوهر این دین، تسلیم و تعبد محض در برابر اوست. شرف و کمال انسانی در گرو این حس قدسی بوده، و انسان بدون حس تعبد در برابر وی پوچ و بی‌معنی به‌شمار رفته و تحت عنوان استکبار مورد مذمت قرار گرفته است. این احساس بندگی مطلق نه تنها با جنبه تعقل و خردورزی بشر ناسازگار نیست، که اقتضای طبیعی آن است.

تعبد در اسلام مخصوص خداوند: تعبد انسان در برابر خداوند در تفاوتی مشهود میان اسلام و دیگر ادیان و تحت تأثیر رویکرد توحیدی، علاوه بر فراگیری مطلق از صبغه‌ای کاملاً انحصاری برخوردار است؛ به گونه‌ای که انسان تنها در برابر او و نه در برابر هیچ موجود دیگری، موظف به آنست. این احساس بندگی مطلق نه تنها با جنبه تعقل و خردورزی بشر ناسازگار نیست، که اقتضای طبیعی آن است.

تعبد در اسلام مخصوص خداوند: تعبد انسان در برابر خداوند در تفاوتی مشهود میان اسلام و دیگر ادیان و تحت تأثیر رویکرد توحیدی، علاوه بر فراگیری مطلق از صبغه‌ای کاملاً انحصاری برخوردار است؛

خشک و بی‌روح میان ارباب و برده در نظام جاهلی به نوعی رابطه صمیمانه و مهرآمیز در نظام دینی اخلاقی اسلام تغییر ماهیت داده، و در عین حال مفهوم اقتدار کامل و مطلق به معنای نفی هرگونه مالکیت و هویت مستقل برای بنده نسبت به ارباب خود در حوزه عبودیت انسان در برابر خدا همچنان محفوظ مانده است.

مفهوم تعبد عنصری مهم و بنیادین : رویکرد قوی توحیدی در دین اسلام از مفهوم تعبد عنصری مهم و بنیادین ساخته که در متون مقدس دینی به روشنی قابل پی‌گیری و بازتاب فراگیر آن در حوزه‌های مختلف اندیشه اسلامی قابل ردیابی است.

واژه تعبد و مشتقات آن در قرآن و حدیث : واژه تعبد و مشتقات آن از این مصدر در قرآن به کار نرفته است؛ اما دیگر مشتقات این ماده بیش از ۲۷۰ بار و بیش‌تر در سوره‌های مکی به کار رفته‌اند. گفتمان تعبد به نوعی رابطه قدسی و معنوی میان انسان و خدا رهنمون است که در ارتباطی ساختاری با فلسفه آفرینش انسان است.

ماجرای تعبد انسان در برابر خدا : آدم آفریده شد تا خلیفه خداوند در زمین باشد و در فرایند جای‌گیری در این مقام در نخستین آزمون، از او اطاعت مطلق و بی‌چون و چرا خواسته شد، اما بی‌درنگ پس از نافرمانی از بهشت رانده می‌شود، تا این لغزش را با پیروی خود از هدایت‌های الهی جبران نماید؛ و بدین‌سان، نسل وی در زمین به دو دسته مؤمن و کافر تقسیم می‌شوند. در ادامه ماجرا پیامبران الهی پیایی برای ابلاغ فرمان تعبد انسان در برابر خدا و تجدید عهد با وی برانگیخته می‌شوند.

در ادامه بحث مربوط به عقب‌ماندگی ایرانیان، ابتدا عین نظر استاد ملکیان را می‌آورم.

«تعبد یعنی سخنی را پذیرفتن صرفاً به این دلیل که فلان شخص آن را گفته است. یعنی این که اگر صورت استدلالی من ذهن من را آزار ندهد که فلان گزاره صحیح است چون فلان شخص گفته است: فلان گزاره صحیح است، من اهل تعبدم»

دیدگاه دینی و اسلامی را بر اساس منابع مربوطه به شرح زیر می‌آورم:

«تَعَبُد»، اصطلاحی در فرهنگ اسلامی که ناظر به بندگی خالصانه و اطاعت بی‌شائبه انسان نسبت به خداوند است. واژه تعبد از ریشه «ع ب د» در همه اشتقاقاتش، به نوعی معنای بندگی و فرمان‌برداری و فروتنی را دربردارد. عموم مشتقات این ماده جز شماری از قبیل عبادت و صیغه‌های ثلاثی مجرد آن، برای بندگی انسان در برابر خدا یا انسانی دیگر به‌طور یکسان به کار می‌روند. مصدر تعبد و افعال آن به دو صورت لازم و متعدی به معنای بندگی کردن برای کسی و بنده‌ساختن کسی کاربرد دارند.

استعمال واژه عبد : استعمال واژه «عبد» با تفاوت‌های اندک در زبان‌های مختلف سامی به معنای‌ای نزدیک به معنای عربی آن و رواج ترکیب‌های «عبدالله»، «عبد شمس» و... در مقام نام‌گذاری افراد از یک‌سو، و فرهنگ رسوخ‌یافته برده‌داری در نظام اخلاقی - اجتماعی عرب پیش از اسلام از سوی دیگر زمینه بسیار مناسبی برای وام‌گیری این مفهوم در حوزه تبیین نسبت انسان و خدا در این دین نوظهور فراهم آورده است. البته رابطه حقوقی

به گونه‌ای که انسان تنها در برابر او و نه در برابر هیچ موجود دیگری، موظف به احساس تعبد مطلق است. و بر اساس همین معیار اعتقادی، تقسیم جامعه بشری به دو دسته مؤمن و کافر به منظور ارائه یک مرزبندی صورت می‌پذیرد. ویژگی انحصاری تعبد در اسلام در واکنش به فرهنگ رسوخ‌یافته بت‌پرستی، به شدت از پیدایش نمادهایی طبیعی یا انسانی.

دکتر هدایتی: در این حوزه جلوگیری کرده، و تعیین هرگونه واسطه میان انسان و خداوند، هرچند با مفهوم صرفاً نمادین، نوعی شرک تلقی شده است.

بازتاب تعبد در زندگی بشر: با این حال ضرورت بازتاب تعبد در زندگی بشر که در قالب مجموعه‌ای از شعایر و سلوک دینی نمود یافته، تعریف حداقلی از نمادهای دینی همچون کعبه در نقش قبله نماز و مقصد حج را ناگزیر ساخته است.

در همین راستا پیامبر خدا - صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - نیز تنها، بنده او به‌شمار رفته، با پذیرش لقب «عبد» از هرگونه منصب الهی برکنار دانسته می‌شود. نیز به صراحت از تعبد انسان‌ها نسبت به یک‌دیگر حتی در صورت برخورداری آن‌ها از منصبی دینی پرهیز داده شده، و این عمل نوعی شرک تلقی گشته است. با این حال، فرمان به پیروی مطلق از پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - نوعی اظهار تعبد، البته به تبع تعبد در برابر خداوند به‌شمار رفته است و منافاتی با تعبد مطلق و انحصاری در برابر خداوند ندارد.

تبیین رابطه تعبد انسان و خدا در قرآن: رابطه تعبد انسان و خدا در ۳ سطح حقوقی، اخلاقی و سلوکی در قرآن قابل پیگیری و البته نه چندان قابل تفکیک است: مفهوم عمومی اسلام به معنای لزوم تسلیم مطلق بشر در برابر خداوند در کنار مفاهیمی چون تقوا، خوف و خشیت در

بسیاری از لایه‌های معنایی آن‌ها، نوعی رابطه حقوقی میان انسان و خداوند را ترسیم می‌کنند.

در این فضا است که اوامر و نواهی شرعی از سوی خداوند ابلاغ شده، و تصریح به عادلانه‌بودن این رابطه و به دور بودن از ستم نسبت به بندگان شده است.

در مرحله بعد مفاهیم حمد و شکر درصدد تعریف رابطه‌ای اخلاقی میان انسان و خدا هستند که در آن اظهار تعبد، وظیفه اخلاقی انسان در برابر نعمت‌های الهی شمرده شده است. و در مرحله سوم مفهوم «حُب» رابطه‌ای سلوکی تعریف می‌نماید که در فضای فرهنگی و اعتقادی عرب جاهلی امکان نمود نیافته است.

تعبد در روایات: در روایات نیز در ادامه نگاه قرآنی به موضوع تعبد، آفرینش تمام هستی به منظور تعبد بشر در برابر خدا تلقی شده است. مفهوم سعادت در ترادف با تعبد مطرح شده و در پرتو روایت توحیدی اسلام، مفهوم اخلاص در ارتباط با تعبد به جدا شدن از هرگونه گرایش غیرالهی به پدیده‌های دنیوی اشاره دارد.

تعبد فرایندی یک طرفه: تعبد فرایندی تنها یک طرفه به حساب آمده که در قبال آن بنده از هیچ استحقاقی برخوردار نشده است و خداوند از روی فضل خود در برابر آن پاداش می‌دهد؛ زیرا انسان هرچه دارد از آن اوست. گرچه خداوند آزاد است که تعبد بشر نسبت به خود را در انجام هرگونه کاری قرار دهد، اما او همواره در این فرایند علاوه بر مصلحت تعبد، به مصالح و مفاسد خود آن افعال نیز توجه دارد.

لزوم همراهی تعبد با تعقل و تدبیر: همان‌گونه که عقل در نخستین گام به تعبد رهنمون است، تعبد نیز باید همواره با تعقل و تدبیر در مسیر فهم بهتر رابطه خود با خدا و مفهوم و مقصود از اعمال عبادی همراه باشد، زیرا «تفقه در دین» به تعبد انسان معنا و ارزش می‌بخشد و

آن را از آفت مصون می‌دارد. سفارش به کاربرد نام‌های مرکب از عبد و یکی از اسامی الهی در نام‌گذاری فرزندان به تقویت فرهنگ فروتنی نسبت به خدا در قلمرو روابط اجتماعی توجه داشته و عمل نمادین سجده در بردارنده فروتنی کامل و مطلق بشر در برابر خدا شمرده شده است. گفتمان تعبد در ادعیه و مناجات‌های مأثور نیز نوع ویژه‌ای از گفت‌وگو میان انسان و خدا را ترسیم نموده که در عین حال از مایه‌های ژرف عاشقانه نیز برخوردار است.

تعبد در اندیشه و فرهنگ اسلامی: رویکرد معنوی قرآن به موضوع تعبد در عصر تدوین دانش‌های اسلامی ناگزیر در قالب نظریه‌های پیچیده و فروعات متعدد علمی درآمده، و ساختار نسبتاً ساده و بسیط خود را از دست داده است.

شاید مسئله تعبد نسبت به سنت نبوی در کنار قرآن و میزان و محدوده آن، نخستین دگردیسی در این فرایند به‌شمار می‌رود که از یک سو به نفی اعتبار آن از سوی گروه موسوم به اهل رأی - احتمالاً پاره‌ای معتزلیان و حنفیان نخستین - و از سوی دیگر به اعتبار حداکثری آن از سوی اهل حدیث انجامیده، و در طیف‌های میانی، مکتب شافعی با نگاه شدیداً اعتبار‌آمیز و در عین حال نسبتاً انتقادی به سنت را پدید آورده است.

نقد تعبد از سوی عقل‌گرایان: در دوره بعد معتزلیان و پاره‌ای همراهان حنفی و شیعی آنان با نقد فراگیر احادیث و طرح موضوع حجیت تکلیف عقلی در کنار تکلیف سمعی به سوی نوعی عقل‌گرایی انتقادی و گاه حداکثری حرکت نمودند که جریان تعبد‌گرا را با محوریت اهل حدیث، حنبلیان و اشاعره مورد هدف قرار داده بود. مقارن با این دوره، ورود اندیشه‌های فلسفی یونان و غیر آن به بحث تعارض عقل و دین دامن زد که به سرعت محور مجادلات کلامی فلسفی قرار گرفت

## کلانتری: با خشکیدن دریاچه ارومیه سلامتی میلیون‌ها نفر به خطر می‌افتاد

عنوان مثال بیماری آلبیدو، چشم را نابود می‌کند یا فشار خون مردم شهر تبریز ظرف دو سال یک دهم بار افزایش پیدا کرد.

کلانتری ادامه داد: همین‌ها باعث می‌شد که آنجا قابل سکونت نباشد ما به خاطر این که حق نداشتیم آرامش مردم را به هم بریزیم و خیال شان را مشوش کنیم، در آن زمان نمی‌توانستیم این مسائل را بگوییم ولی الان که روند احیا به سرانجام رسیده است، باید اینها را بیان کرد.

این مقام محیط زیستی تغییر درجه حرارت را از دیگر پیامدهای خشک شدن دریاچه ارومیه عنوان کرد و گفت: اگر دریاچه خشک می‌شد، تفاوت دمای تابستان و زمستان تا هفت درجه هم می‌رسید و این تفاوت دما باعث می‌شد که نه تنها اکوسیستم از بین می‌رفت بلکه آنتی بیوتیکها از کار می‌افتاد و مقاومت ژنتیکی انسان دچار اختلال می‌شد.

کلانتری وظیفه نمایندگان، مخصوصاً نمایندگان استان‌های حاشیه دریاچه ارومیه را در حفظ و حراست از این دریاچه سنگین دانست و گفت: ما هم دریاچه ارومیه را حفظ کردیم و هم توانستیم با تصحیح الگوی مصرف آب کشاورزان، کاری کنیم که در کشاورزی آن منطقه با صرفه جویی آب، ۱۸ درصد کارایی بیشتری داشته باشد، اکنون وظیفه نمایندگان است به خاطر مردم منطقه و صیانت از سلامت آنها در حفظ و احیای دریاچه ارومیه کوشا باشند و در این راه به سازمان حفاظت محیط زیست کمک کنند.



نادیده گرفتن این اصل که توسعه باید پایدار باشد، تصمیماتی گرفته شد که عواقب آن خشک شدن دریاچه ارومیه و به خطر افتادن سلامت مردم بود.

وی با بیان اینکه در سال ۹۲ میلادی در کنفرانس ریو تصویب شد که حداکثر مجاز برداشت هر کشور از آب‌های تجدید پذیر، ۴۰ درصد باشد، اظهار داشت: متأسفانه در ایران ۱۰۳ درصد از آب‌های تجدید پذیر کشور را استفاده می‌کنیم این یعنی داریم از سهم نسل‌های آینده هم استفاده می‌کنیم و این با توسعه پایدار همخوان نیست.

کلانتری با هشدار در این باره که با این میزان مصرف آب، در مناطقی از کشور عملاً کشاورزی تعطیل خواهد شد، گفت: موضوع تصحیح الگوی مصرف آب‌های تجدید پذیر یکی از مسائلی بود که نتوانستیم درباره آن کاری کنیم و اگر این رویه را اصلاح نکنیم برای نسل‌های آینده هیچ چیز را باقی نخواهیم گذاشت و در برابر آنها مسئولیم.

وی با تأکید بر اینکه همه مهاجرین جنگ ۸۸۰ هزار نفر بودند، افزود: اگر دریاچه ارومیه خشک می‌شد، باید پنج میلیون نفر برای آنکه سلامت شان تهدید نشود، جابجا می‌شدند، چون اگر این اتفاق نمی‌افتاد بیماری‌های بسیاری سلامت مردم را به خطر می‌انداخت، به

معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست در دیدار با مجمع نمایندگان استان‌های آذربایجان شرقی و غربی گفت: اولین هدف از احیای دریاچه ارومیه، سلامت مردم است.

عیسی کلانتری با بیان اینکه کارشناسان از سال ۱۳۷۶ درباره خشک شدن دریاچه ارومیه هشدار داده بودند، افزود: در سال ۸۹ در نامه ای به مقام معظم رهبری درباره عواقب خشک شدن دریاچه ارومیه به ایشان توضیح دادم و نوشتم که خشک شدن این دریاچه باعث تهدید سلامت مردم است.

وی ادامه داد: در بحث خشک شدن دریاچه ارومیه، اقتصاد و کشاورزی در مقایسه با سلامتی مردم اهمیت چندانی ندارند، زیرا اگر این دریاچه خشک می‌شد و روند احیای آن به سرانجام نمی‌رسید، تا شعاع بسیاری سلامت مردم به جد تهدید می‌شد.

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست با بیان اینکه بر اساس گزارش دامپزشکی استان آذربایجان غربی، در سال ۹۴، سرطان پوستی در حیوانات شمال غربی دریاچه ارومیه، در مدت دو سال ۲۸ برابر افزایش داشته، اظهار داشت: با خشک شدن دریاچه ارومیه سلامتی میلیون‌ها نفر به خطر می‌افتاد به طوری که تا شعاع ۱۳۰ کیلومتری از هر طرف این دریاچه، سلامت مردم تهدید می‌شد این یعنی ترکیه و نخجوان هم درگیر پیامدهای خشک شدن این دریاچه می‌شدند.

معاون رئیس جمهوری با بیان اینکه بی توجهی به توسعه پایدار باعث خشک شدن دریاچه ارومیه شد، گفت: در کشور با دید تک بعدی به تولید و همچنین با

رئیس استانی ستاد احیای دریاچه ارومیه در آذربایجان غربی:

## کانال انتقال آب سد کانی سب به دریاچه ارومیه امسال افتتاح می شود



از تونل حفاری شده و ۵.۵ کیلومتر باقی مانده نیز در صورت تخصیص اعتبار تا پایان سال جاری آماده بهره برداری می شود. سرخوش با بیان اینکه در قالب این طرح کانال روباز به طول ۱۱ کیلومتر در حال اجراست که رودخانه گذار را به دریاچه ارومیه متصل می کند افزود: دبی آب سرازیر شده از این تونل به سمت دریاچه ارومیه ۵۵ مترمکعب بر ثانیه خواهد بود.

سد خاکی کانی سب در حدود ۱۵ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان پیرانشهر قرار دارد که ۵۰ متر ارتفاع و ۳۳۰ میلیون مترمکعب حجم مخزن دارد.

دریاچه ارومیه در قالب طرح های ستاد احیا قرار است ظرف مدت ۱۰ سال از ۱۳۹۴ به تراز اکولوژیک خود برسد که حدود یک و نیم تا ۲ سال از برنامه عقب است؛ این دریاچه از اواسط دهه ۱۳۸۰ شروع به خشک شدن کرد و بنا بر آمار بین المللی تا سال ۲۰۱۵ میلادی حدود ۸۰ درصد از مساحت آن خشک شد.

فرهاد سرخوش صبح چهارشنبه (۱۶ مهر ماه ۱۳۹۹) در جریان بازدید رئیس سازمان حفاظت محیط زیست و نمایندگان مجلس شورای اسلامی استان های آذربایجان غربی و شرقی از روند اجرای طرح های ستاد احیا افزود: طرح انتقال آب کانی سب به دریاچه ارومیه که بزرگترین و شاخص ترین طرح ستاد احیا است.

وی با بیان اینکه این طرح مهمترین طرح ستاد احیای دریاچه ارومیه به شمار می رود ادامه داد: طرح شامل چندین پروژه از جمله سد کانی سب، تونل انتقال آب، کانال و راه های دسترسی است که با بیش از ۹۳ درصد پیشرفت فیزیکی در حال اجراست و پیش بینی می شود سال ۹۹ آماده بهره برداری کامل شود.

سرخوش با بیان اینکه برای اجرای این طرح تاکنون پنج هزار میلیارد ریال برای سد و تملک اراضی اطراف آن هزینه شده است، ادامه داد: پنج هزار و ۶۰۰ میلیارد ریال اعتبار کل این طرح در سال جاری است که تاکنون چهار میلیارد و ۹۰۰ میلیون ریال آن تخصیص یافته است.

رئیس استانی ستاد احیای دریاچه ارومیه در آذربایجان غربی خاطر نشان کرد: هزار و ۱۰۰ میلیارد ریال اعتبار برای اتمام کانال آب بین بند بادین آباد تا سد کانی سب که طول آن ۴.۶ کیلومتر است مورد نیاز است.

سرخوش وسعت تونل انتقال از سد کانی سب به دریاچه ارومیه را ۳۵.۵ کیلومتر عنوان و خاطر نشان کرد: از این میزان ۳۰ کیلومتر

## کتاب داستان های دریاچه ارومیه در دو جلد چاپ شد

متفاوت چون شیما زارعی، راحله برخوردار، مارال دهقانی، رضا مکتبی، مریم طباطبایی، سعیده احمدی و سمانه صلواتی تصویرگری کرده اند. در پشت جلد «مجموعه قصه های عروس دریا» آمده است: «در جهان، جاهایی هست که می توان گفت هر کسی تصویرش را می بیند، دلش می خواهد یک بار هم که شده آنجا باشد؛ جنگل آمازون، آبشار نیاگارا، قله دماوند و دریاچه ارومیه و...»

«مجموعه قصه های عروس دریا» در سه نوبت همزمان با شمارگان ۷ هزار و ۵۰۰ نسخه در قطع وزیری منتشر شده است.



عبدی، محمد رضانی، عبدالمجید نجفی، مصطفی خرامان، عزت الله الوندی، سولماز خواجهوند، محمدعلی قربانی و بدری مشهدی، از جمله نویسندگانی هستند که در این مجموعه از دریچه نگاه خود داستانی درباره ارومیه نوشته اند. همچنین داستان های این مجموعه را تصویرگران

«عروس دریا»، مجموعه دوجلدی قصه هایی درباره دریاچه ارومیه به قلم نویسندگان مختلف توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر و راهی بازار نشر شد.

مجموعه دوجلدی «عروس دریا» با محوریت دریاچه ارومیه به قلم نویسندگان مختلف، به تازگی توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای نوجوانان بالای ۱۵ سال منتشر و راهی بازار نشر شده است. محمدکاظم اخوان، محمدرضا یوسفی، جعفر تونزنده جانی، اعظم مهدوی، عباس جهانگیریان، معصومه یزدانی، زهرا

# صدا و سیما و پاسداری از زبان فارسی

محمدعلی صفی زاده شبستری / وکیل دادگستری



راهکارهایی بوده و نهادهایی برپا کرده بودند. شماری از واژه‌های نوساخته و زیبا معادل واژگان و اصلاحات غربی تازه‌وارد مانند هواپیما، فرودگاه، دانشگاه، دانشکده، شهرداری، دادگستری، شهربانی و آگاهی و ده‌ها نمونه دیگر بازده تلاش‌های فرزندان این دوره است. این کوشش‌های پاسداران فرهنگ و ادب پارسی موجب برپائی فرهنگستان فارسی در سال ۱۳۱۴ خورشیدی گردید که با فراز و فرودهای بسیار تا زمان ما ادامه پیدا کرده است. این فرهنگستان بنیان‌گذار اصلی پاسداری از زبان فارسی و مسئول ساختن واژگان فارسی معادل و برابر واژه‌های بیگانه تازه‌وارد است. صرف‌نظر از میزان توفیق فرهنگستان و دستگاه‌های همانند در اجرای هدف و برنامه خود باید ببینیم در روزگار ما چه کسانی و چه دستگاه‌هایی در ترویج و توسعه واژگان بیگانه یا پاسداری از زبان و

آثار گران‌بهای ستارگان بزرگ زبان و ادب فارسی مانند فردوسی و سعدی و حافظ و دیگران برای نسل‌های آینده به فراموشی سپرده خواهد شد. در این که لازمه بهره‌بردن از دریای پیشرفت‌های بزرگ علمی و صنعتی و فن‌آوری جهان امروز به ویژه کشورهای بزرگ صنعتی آشنائی با زبان و واژه‌های ویژه آن‌ها است، تردیدی نیست و فرهنگستان ما هرچه تلاش کند یارای معادل‌سازی قابل پذیرش برای میلیون‌ها واژه وارداتی نخواهد داشت، اما برای نگهبانی از میراث زبان ملی و تاریخی و آثار گران‌سنگ بزرگان شعر و ادب این سرزمین نیز نمی‌توان همواره تماشاگر بود و ناگزیر از اندیشیدن راه چاره هستیم. از سالیان گذشته و از آغاز جنبش مشروطه به این‌سو بزرگان ادب و فرهنگ این مرز و بوم برای ایستادگی در برابر هجوم بی‌امان واژه‌ها و اصلاحات بیگانه در اندیشه

زبان فارسی بارزترین نمودار هویت ملی و فرهنگی ایران زمین و میراث مشترک همه اقوامی است که در این سرزمین زندگی می‌کنند. اما این زبان سال‌ها است در معرض یورش واژه‌های بیگانه به ویژه غربی قرار گرفته است. سیل واژه‌ها و اصطلاح‌های علمی و فرهنگی و هنری و ورزشی و صنعتی همراه با سایر دستاوردهای تمدن غرب به سوی فرهنگ و زبان ساکنین سایر سرزمین‌های سراسر گیتی و ایران در حال هجوم و نفوذ است.

برای نمونه در تهران و سراسر شهرهای بزرگ کشورمان نام و عنوان بیشتر مجتمع‌های بازرگانی و کسب و پیشه و تابلوهای فروشگاه‌ها و تبلیغ و معرفی انواع کالاها انباشته از واژه‌ها و نشان‌های بیگانه است حتی نام مکان‌های غذاخوری و میهمان‌خانه‌ها و خوراک‌ها با نام نشان و حروف لاتین به چشم می‌خورد و ممنوعیت‌ها و مجازات‌های مندرج در قانون ممنوعیت به کارگیری عناوین اصطلاحات بیگانه عملاً به فراموشی سپرده شده و سازمان‌های مربوط نیز در این رابطه به دنبال وظایف قانونی خود نیستند. اگر فرهیختگان و پرچمداران فرهنگ و ادب و متصدیان فرهنگ و ارشاد تدبیری شایسته و در خور در برابر این سیل ویرانگر نیندیشند دیری نخواهد گذشت که از ستون استوار و ریشه‌دار زبان ملی کشورمان جز سایه‌ای کم‌رنگ و آشفته چیزی برای آیندگان برجای نخواهد ماند و زبان و

میلیون نفری کشورمان در مقایسه با کشورهای پیشرفته صنعتی یا بسیاری از سرزمین‌های در حال توسعه، نشان از بی‌اقتبالی مردم به کتاب و روزنامه است. با این ترتیب بالاترین مسئولیت و وظیفه پاسداری از زبان و فرهنگ فارسی و کاربرد واژه‌های ایرانی متوجه تلویزیون و رادیو یا صداوسیما ملی است که آن‌هم در انحصار دولت و حکومت است. هرچند در سال‌های اخیر استفاده از رایانه و گوشی‌های هوشمند تلفن و فضای گسترده مجازی در میان اکثریت مردم به ویژه جوانان و استفاده از تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی زبان بیگانه نیز بین گروه‌های بسیاری از مردم گسترش پیدا کرده است، لیکن باز هم تماشای برنامه‌های گوناگون خبری و مذهبی و تفریحی و ورزشی و غیره از صداوسیما ملی سهم قابل توجهی از برنامه‌های اوقات فراغت مردم را تشکیل می‌دهد. گویندگان و نویسندگان و مجریان برنامه‌های صدا و سیما هیچ‌گونه پرهیزی از به‌کاربردن واژگان بیگانه که دارای برابر یا معادل فارسی هستند ندارند و در خبرها و تفسیرهایی که مدیران و نویسندگان برای پخش آماده می‌کنند، واژه‌ها و اصطلاحات بیگانه فراوان وجود دارد، جالب‌تر آن‌که در آگهی‌های بازرگانی اخیر تلویزیون بیش‌ترین آگهی‌ها برای تبلیغ کالاهایی است که نام و نشان خارجی و بیگانه دارند.

با عنایت به مراتب بالا آیا می‌توان انتظار داشت پس از چندین سال مسئولین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صداوسیما در اجرای وظایف خود برابر قانون ممنوعیت به‌کارگیری اسامی و عناوین و اصطلاحات بیگانه و آئین‌نامه آن اقدام جدی خواهند داشت یا خیر؟

بیگانه‌ابایی ندارند. جالب آن‌که در متن قوانین مصوب خود مجلس شورای اسلامی نیز در موارد بسیار از واژه‌ها و اصطلاحات بیگانه استفاده می‌شود. لازم به یادآوری است زبان و خط عربی از آغاز پذیرش آئین مقدس اسلام در ایران به مقدار بسیار زیاد با خط و زبان فارسی آمیخته‌شده تا جایی که گروهی از نویسندگان و شاعران قرن‌های پیشین ایران بیشتر آثار خود را به اقتضای زمان خود به زبان عربی نگاشته‌اند، اما در این‌باره نیز اگر قرار بر پاسداری از هویت ملی و زبان و فرهنگ ایران زمین باشد نباید در به‌کار بردن واژه‌های عربی زیاده‌روی شود و در صورت داشتن معادل فارسی برای هر واژه و اصطلاح، شایسته است که از واژه فارسی بهره گرفته شود.

به باور نگارنده رتبه اول اثرگذاری در کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات در کشور ما رسانه تصویری یا همان تلویزیون است. گمان نمی‌رود در نفوذ بسیار گسترده و ژرف این رسانه میان همه گروه‌ها و طبقات جامعه در شهر و روستا و بزرگ‌ترین وسیله گذران اوقات فراغت و غیر فراغت در میان خانواده‌ها و همه گروه‌های سنی تردیدی باشد صرف‌نظر از رسانه شنیداری یا رادیو که سابقه بیشتری از تلویزیون دارد و با گسترش و جذابیت تصاویر تلویزیون کم‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرد. متأسفانه در دیار ما و دوران کنونی با وجود باسواد شدن بیشتر مردم، گرایش به رسانه‌های نوشتاری یعنی کتاب و مطبوعات و روزنامه با کاهش زیاد روبه‌رو شده است و شمارگان بیشتر کتاب‌ها به زیر ۱۰۰۰ و حتی ۵۰۰ نسخه و شمارگان اندک روزنامه‌ها و مجله‌ها برای جمعیت ۸۰

فرهنگ فارسی و ایستادگی در برابر هجوم واژه‌های بیگانه بیش از دیگران اثرگذار هستند.

برابر اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران زبان فارسی است و اسناد و مکاتبات و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد...» و برابر قانون ممنوعیت بکارگیری اسامی و عناوین و اصطلاحات بیگانه مصوب ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی و آئین‌نامه اجرائی آن مصوب ۱۳۷۸/۲/۱۹ هیات وزیران، بکاربردن کلمات و واژه‌های بیگانه در گزارش‌ها و مکاتبات و سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های رسمی ممنوع است و چاپخانه‌ها و مراکز نشر روزنامه‌ها و سایر مطبوعات مکلف به رعایت این قانون هستند و طبق ماده ۲ همین آئین‌نامه همه دستگاه‌های دولتی و اجرائی از جمله صدا و سیما مشمول این قانون هستند و در نهایت برابر ماده ۱۱ صداوسیما جمهوری اسلامی موظف است با ایجاد واحد مناسب در تشکیلات فعلی خود ضمن زمینه‌سازی برای اجرای این قانون و آئین‌نامه با جدیت از بکارگیری واژه‌های نامأنوس بیگانه خودداری کند و ضوابط دستور زبان فارسی معیار را در کلیه برنامه‌های خود رعایت نماید. صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ملزم است واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی را پس از ابلاغ در تمامی موارد بکار برد، اما این قانون در عمل و اجراء در دستگاه‌های دولتی و اجرائی به ویژه صداوسیما کاربرد خود را از دست داده و با وجود واژه‌های برابر برای بسیاری از کلمات در زبان فارسی، نویسندگان و گویندگان در نوشته‌ها و سخنان خود از به‌کاربردن واژه‌های نامأنوس

# آشنایی با گروه ویژه اقدام مالی

( Financial Action Task Force ) بابک نوخیز



البته در بحث پذیرش این موضوع با توجه به میزان وفاداری و عمل به قوانین FATF به دسته بندی کشورهای استاندارد و در حال پیشرفت و لیست سیاه کشورهای پرخطر که باید علیه آنها اقدامات مقابله انجام شود تقسیم شده است.

درمورد وضعیت قرار گرفتن ایران در لیست سیاه و اقدامات ایران و واکنشهای مخالفان و موافقان پیوستن ایران و نحوه ارائه اطلاعات نظام مالی ایران به گروه ویژه اقدام مالی و سایر کشورها می‌توان نظر هر دو طرف را اینگونه تحلیل کرد که بنظر موافقان:

عضویت ایران می‌تواند امکان برداشتن موانع تبادلات مالی بین المللی و جدی سرمایه‌گذاران خارجی و قرار گرفتن ایران در بستر شفافیت فعالیت‌های مالی داخلی و خارجی و بستن راه تخلقات مالی داخلی را فراهم آورد و مهم تر اینکه چون ایران خود از اقدامات تروریستی خیلی ضربه و خسارت خورده منطقی است که از این روند مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریستها حمایت کند. البته در سالهای قبل از ۹۷ دولت ایران با رایزنی‌های بین المللی ( سیاست خارجی و مسائل کلان اقتصادی ) موفق به خروج از لیست سیاه FATF شده بود و تمایل به پذیرش بخش عمده این توصیه‌ها را داشت و برای اجرای چهار توصیه باقیمانده چهار لایحه به مجلس داد که در مجلس دهم در مورد کنوانسیون‌های مبارزه با جرائم سازمان یافته ( پالمو ) و تامین مالی تروریسم ( CFT ) پاره ای بحثهای خارج از اصول کارشناسی و بی نتیجه مطرح و نهایتا با نظرات موافقان

این گروه در سال ۱۹۸۹ میلادی در عرصه مبارزه جهانی با پولشویی بین هفت کشور صنعتی جهان ( موسوم به جی ۷ عبارت از آلمان ، آمریکا ، انگلیس ، ایتالیا ، ژاپن ، فرانسه ، کانادا ) تشکیل شده تا در باره وضعیت قوانین مبارزه با پولشویی در بازارهای مختلف مالی در سرتاسر جهان بررسی‌هایی انجام دهد تا ریسک سرمایه گذاری در کشورهای هدف و کشورهای مشکوک را بررسی و روشنگری کنند و بیشتر در تعیین استانداردها و گسترش اجرای موثر اقدامات قانونی و عملیاتی برای مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریستها و پیگیری تعهدات بین المللی برای وحدت رویه و یکپارچه نمودن سیستم مالی بین المللی است. البته عدم حضور چین و برزیل بعنوان قدرت هفتم اقتصاد جهان در آن موقع بعنوان نقطه ضعف این گروه ذکر گردید.

باید بدانیم که گروه ویژه اقدام مالی کار را با ۲۶ عضو با هدف اولیه مبارزه با پولشویی شروع کردند و بعداز حملات تروریستی یازدهم سپتامبر به مرکز تجارت جهانی نیویورک وظیفه مبارزه با تامین مالی تروریسم را اضافه و بررسی بازارهای هدف از نظر وجود امکان مالی تروریسم توسط کارشناسان FATF را در مورد شفافیت قوانین مالی و قوانین مالیاتی و ... کشورهای مختلف را در دستور کار خود قرار دادند و در دیدگاه غالب خود معتقدند که گروههای تروریستی بیشتر بدنبال سودهای کلان هستند نه دنباله روی ایدئولوژی خاص ، بنا براین با توجه به اختیارات و دامنه وظایفی که دارند گزارشات لازم تهیه و میزان ریسک سرمایه گذاریها را اعلام می‌کنند تا مورد استناد تصمیم گیری‌ها و استفاده سرمایه‌گذاران بین المللی باشد. البته سازمان ملل متحد و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ( OECD ) و صندوق بین المللی پول ( IMF ) در این تشکیلات ویژه اقدام مالی دارای نماینده ناظر هستند.

در مورد پولشویی ۴۰ توصیه و در مورد تامین مالی تروریسم هم ۹ توصیه در FATF وجود دارد که بر اساس آنها کشورهای مختلف را بررسی و رده بندی می‌کنند این ۴۹ توصیه‌ها از طریق وضع قوانین داخلی کشورها به اجرا در آمده و می‌تواند در زمینه مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم پیامدهای مثبتی را فراهم کند.



و معنی داری در سیستم مبارزه با تامین مالی تروریسم برداشته بنابر این FATF بطور مداوم از اعضای خود ( تقریباً تمامی کشورهای جهان بغیر از دو یا سه کشور ) می‌خواهد که تا اقدامات پیشگیرانه و مقابله ای موثر و سخت گیرانه تری را در مورد ایران در دستور کار خود قراردهند

حتی صندوق بین المللی پول به دلایل فوق و اینکه ایران در سالهای اخیر هیچگونه فعالیت موثری در آن صندوق نداشته از اعطای تسهیلات وام به ایران استنکاف کرد بنظر می‌رسد در شرایط فعلی در کنار تحریمهای غیر انسانی آمریکا و متحدانش در زمینه‌های اقتصادی و بازرگانی و پزشکی و ... بر علیه ملت ایران مبادلات تجاری بین المللی و روابط پولی و مالی ایران با بانکهای جهانی هم دشوارتر شده و حتی شرکای تجاری و دوست ایران هم نمی‌توانند وضعیت ایران را نجات دهند و نمونه بارز آن هم نقش چین بعنوان رئیس آخرین جلسه ای بود که در پایان سال ۱۳۹۸ دوباره ایران را به لیست سیاه FATF بازگرداندند و امروزه ایران در وضعیتی قرار گرفته که برای برون رفت از مشکلات و تبعات روز افزون مشکلات اقتصادی و سیاسی پذیرش قواعد FATF در سیستم بانکی شرط لازم هست ولی کافی نیست و نیاز شرط اصلی جلب موافقت و اجازه آمریکاست .

منابع : در سایت FATF در صفحه اصلی  
Main page

و مخالفین مذاکرات مجلس به نقطه روشنی نرسید . و بنظر مخالفین : چون پذیرش عضویت ، یعنی قرار گرفتن ایران در بستر گوش به فرمان شدن به قوانین خاص گروه ویژه اقدام مالی خواهد بود و قرار گرفتن اطلاعات تبادلات مالی بانکی ایران را در اختیار دیگران ممکن است در خلاف مسیر سیاست‌های منطقه ای ایران باشد و حتی احتمال دارد که برای ضربه زدن به ایران برنامه ریزی کنند و... که این گروه و نمایندگان طرفدار اینها بیشترین نقش را در عدم نتیجه گیری بحث پیوستن ایران به FATF داشتند .

می‌توان گفت که گروه ویژه اقدام مالی نه یک کنوانسیون و نه یک قرارداد بلکه یک سازمان بین دولتی است که در راستای طرح بزرگ جهانی شدن شفافیت فعالیتهای مالی است و هیچ کشوری نمی‌تواند جلوی آن مقاومت کند مگر با تحمل هزینه‌ها و خسارات فراوان در ...

در گزارش‌های FATF نگرانی‌های ویژه و فوق العاده ای در باره عدم موفقیت ایران در رسیدگی به کاهش ریسک تامین مالی تروریسم و تهدید جدی علیه یکپارچگی سیستم مالی بین المللی دارد و از دولت ایران میخواهند که کاستی‌ها و نقص‌های قوانین موجود خود در زمینه مقابله با پولشویی و تامین مالی تروریسم را سریعاً و اصولی و معنی دار برطرف کند و تشکیلات قضائی ایران در راستای همکاری موثر جهانی با دولتهای خارجی ، تامین مالی تروریسم و انجام معاملات مشکوک رادر قوانین ایران جرم تلقی کند! چون بنظر تاکید اعضای FATF ایران گام‌های اصولی

دکتر رضا نیکوکار  
پزشک MPH سلامت سالمندان



# سالمندی

به این دلیل، مشکلات روانی به درجات مختلف و با فراوانی عمده‌ای در افراد سالمند مشاهده می‌شود. نیازهای بهداشتی و درمانی سالمندان در شرایط کنونی به‌خوبی پاسخ داده نمی‌شود و افزایش تعداد این گروه جمعیتی بدون فراهم کردن امکانات لازم شرایط را بر همه دشوارتر خواهد کرد. با توجه به اهمیت موضوع دستگاه‌های مختلفی در سراسر جهان از جمله سازمان بهداشت جهانی راه‌حل‌های مقابله با معضلات پدیده سالمندی و مشکلات سالمندان را از سالیان قبل بررسی و پس از تجزیه و تحلیل و جمع‌آوری اطلاعات، دستورالعمل‌های گوناگونی را جهت اجرا در کشورها، تهیه و تدوین نموده‌اند. لذا، به نظر می‌رسد پیروی از این راهنماها و دستورالعمل‌ها نه تنها بر عهده دستگاه‌های ذیربط دولتی است، بلکه تبعیت نهادهای غیردولتی نیز موجب خدمت‌رسانی مؤثرتر با مدیریت بهینه منابع مالی و انسانی در جمعیت‌های کوچک‌تر شود. همچنین با توجه به خطرات بالقوه قابل پیشگیری موضوع سالمندی، شایسته است مانند همیشه که جمعیت‌های منطقه شبستر نیز با همکاری و هم‌فکری متخصصین این حوزه، خود را آماده رویارویی با این پدیده نموده و محیطی مناسب برای زندگی و سالمندشدن افراد آماده نماید.

از پیری در سطوح مختلف تشکیل‌دهنده این پدیده (زیستی، روانی و اجتماعی) با توجه به نوع ارتباط با افراد در جامعه و تفاوت‌های فرهنگی بسیار متفاوت است. از آن جایی که پدیده سالمندی از ساختار جغرافیایی، بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی و تغییرات آن‌ها تأثیر می‌پذیرد، بدیهی است شناخت این پدیده، متناسب با بستر موجود از طریق تحقیق، عرصه جدیدی را در نحوه ارائه خدمات پیشگیرانه و مراقبت‌های بهداشتی اولیه برای سالمندان باز می‌کند. شهرنشینی و صنعتی‌شدن تحولات عمده‌ای را در نهادهای گوناگون اجتماعی از جمله خانواده ایجاد کرده است. امروزی شدن و شهرنشینی، در بسیاری از کشورهای درحال توسعه، سنت‌های حمایتی خانواده از اشخاص سالمند را، در هم می‌ریزد. مفهوم سالمندی از بُعد روحی و روانی به معنی فرسودگی تدریجی روانی است که منجر به کاهش طراوت و شادابی، اعتمادبه‌نفس، جسارت ریسک کردن، احساس مفید بودن و تعلق داشتن می‌شود. برای شروع پیری و پیامدهای آن، زمان مشخصی را نمی‌توان تخمین زد، اما می‌توان پیش‌بینی کرد که فرسودگی روانی زمانی آغاز می‌شود که فرد خود را سربار دیگران احساس کند. گذشت زمان برای فرد سالمند سریع است،

سالمندی آغازی دیگر در زندگی است با کوله‌باری از تجربه. جهان در سایه پیشرفت‌های علمی به‌ویژه پزشکی، شاهد افزایش جمعیت سالمندان است. در دنیای مدرن و پیشرفته امروزی، توسعه اجتماعی و اقتصادی منجر به کاهش رشد جمعیت و افزایش امید به زندگی در جهان شده، به‌طوری که در حال حاضر رشد جمعیت سالمندان بیش از رشد کل جمعیت جهان هست. سالمندان، باور ارزش‌های وجودی خانواده و جامعه هستند. سالمندی دوران پختگی، ورزشی و زمان احساس بی‌نیازی است. در فرهنگ اسلامی و ایرانی، «پیری» نه به‌عنوان یک کلمه ناخوشایند، بلکه به‌صورت «کمال، حکمت، خردمندی و فرزاندگی» تلقی می‌شود. از این رو می‌تواند به‌عنوان مرحله‌ای مؤثر و گران‌قدر در زندگی به حساب آید. همان‌طور که می‌دانید، افزایش طول عمر انسان‌ها و اضافه‌شدن جمعیت سالمندان یکی از دستاوردهای قرن ۲۱ بوده و سالمندی جمعیت پدیده‌ای است که برخی جوامع بشری با آن روبه‌رو شده و یا خواهند شد. براساس نظریات سازمان بهداشت جهانی (WHO) این پدیده ناشی از بهبود شرایط بهداشتی است که منجر به پیشگیری از بیماری‌ها و درنهایت افزایش امید به زندگی شده است. با شناخت سیر تکاملی و علل پیری می‌توان تاحدی از ناتوانی‌ها پیشگیری نمود و در نهایت «قدرت فکری» سالمند را با «توان جسمی» وی همراه نمود. تغییرات دوران سالمندی می‌تواند تأثیرات عمیقی بر زندگی و سلامت روانی سالمندان، داشته باشد. اگر فرد، انعطاف‌پذیری و آمادگی ورود به این مرحله را داشته باشد، توانایی سازگاری با این تغییرات بیشتر خواهد بود و در مقابل اگر سالمند این تغییرات را در جهت منفی ادراک کند میزان انعطاف‌پذیری و سازگاری وی (سالمند) پایین خواهد آمد. درک افراد

## آش سبزی صحرائی تازه «تازانوجه آشی»

تهیه و تنظیم: ام‌البنین خسروی

### ● مواد لازم

- ۱- بنشن (نخود، انواع لوبیا) ۲ پیمانه
- ۲- بلغور ۲ پیمانه
- ۳- برنج آشی نصف پیمانه
- ۴- عدس ۱ پیمانه
- ۵- سبزی صحرائی ۱ کیلو
- ۶- آرد ۲ قاشق غذاخوری
- ۷- کشک نیم کیلو
- ۸- پیاز متوسط ۳ عدد
- ۹- سیر ۵ حبه
- ۱۰- نعناع خشک نصف پیمانه
- ۱۱- نمک و زردچوبه و گل زرد و فلفل قرمز
- ۱۲- روغن به مقدار لازم

### طرز تهیه

بنشن را شسته و ۲۴ ساعت قبل از پخت آن را خیس می‌کنیم و یکی دو بار آب آن را عوض می‌کنیم که تولید نفخ نکند. آن‌ها را در قابلمه مناسب جداگانه ۳ الی ۴ ساعت می‌پزیم. پیازها را خرد کرده و با حرارت کم در روغن سرخ می‌کنیم که طلایی شود و مقداری پیاز داغ برای تزئین آش کنار می‌گذاریم. یک قاشق مرباخوری زردچوبه اضافه کرده به اندازه ۴ لیوان آب می‌ریزیم و بلغور و عدس را اضافه می‌کنیم. وقتی کمی پخت، سبزی آش را که قبلاً شسته و پاک کرده بودیم خرد می‌کنیم و با برنج داخل قابلمه می‌ریزیم تا با حرارت ملایم می‌پزیم. در این مرحله بنشن پخته را نیز اضافه کرده، آرد را با مقداری آب حل می‌کنیم به آش اضافه می‌کنیم. نمک را می‌ریزیم، کشک را هم می‌ریزیم و مرتب هم می‌زنیم تا جوش بیاید. وقتی جوش آمد، حرارت را کم کرده و حدود ۲۰ دقیقه می‌جوشانیم. و سپس مقداری از نعناع را روی آش می‌پاشیم و سپس از روی شعله برمی‌داریم و می‌گذاریم دم بکشد. پیازداغی را که برای تزئین کنار گذاشته بودیم، با دو قاشق آب و مقداری فلفل قرمز و یک قاشق مرباخوری گل زرداندکی جوش می‌دهیم. مقداری هم نعناع داغ درست می‌کنیم. سیر را هم با کمی روغن تفت می‌دهیم. آش را در ظرف‌های مناسب، سرو کرده و با پیاز و نعناع داغ و سیر داغ تزئین می‌کنیم و سر سقره می‌پریم. نوش جانتان.

یاد آوری: این آش بسیار مقوی است چون سبزی صحرائی که در اواخر اسفند و اوایل فروردین در کوه و صحرا و باغ‌های شبستر می‌روید، از اولین گیاهانی هست که سر از خاک بیرون می‌آورند و چون خودرو هستند و به اصطلاح امروزی کاملاً ارگانیک می‌باشند بسیار مفید هستند. در شبستر مشهور است که می‌گویند: (گووجه آشی مین بیدرده دوادیر) یعنی این آش دوی هزار درد است. در شبستر روز سیزده بدر که خانم‌ها به کوه و صحرا می‌روند، یکی از سرگرمی‌هایشان چیدن سبزی صحرائی برای تهیه آش است.





## افتخاری دیگر از بانوان کوهنورد شهرستان شبستر صعود به قله زیبای علی علمدار از رشته کوه‌های میشو

روز چهارشنبه ۲۶/۶/۹۹

با سرپرستی استاد مردانه



برنامه‌های متنوع کوهنوردی و طبیعت گردی داشت، و من تمامی حس‌های خوبم را مدیون سبک زندگی پدر و مادرم هستم. لذت حضور در طبیعت پاک و بکر، دیدن سپیده دمان و طلوع خورشید از بلندای کوه‌ها و .... همه و همه را من از سنین کودکی در کنار خانواده ام تجربه کردم. کوهنوردی در هر فصلی زیبایی و لذت خاص خودش را برای ما داشت و هیچ عاملی نمی‌توانست باعث شود که ما هر هفته از طبیعت استفاده نبریم، حتی شده برای ساعت‌های کوتاه.

پس از ازدواج، با وجود مادر شدن و داشتن فرزندان دوقلو، بعلاوه ی فعالیت در زمینه تخصصی ام مهندسی کامپیوتر، همچنان به کوهنوردی ادامه دادم؛ البته در این امر همسر ام آقای مهندس بیوک کریمی موحد همواره مشوقم بودند و در کنار هم فرزندانمان را هم با زیبایی‌های طبیعت آشنا

## گزارش صعود به دماوند

زهرا عادل‌نیا

خداوند طبیعت را بخشید تا در آن زندگی کرده، لذت برده و با حفظ و نگه داری بهتر آن، شکرانه خود را در عمل بجای آوریم.

برهمشهریان عزیز پوشیده نیست که خاندان عادل‌نیا همواره جزء علاقه مندان و حافظان طبیعت بوده اند. در خانواده ما پدرم همیشه برای روزهای تعطیلی هفته،

از یخچال‌ها به سلامتی فرود آمده بودیم که ناگهان با صدایی در پشت سرم، متوجه شدم که یکی از هم‌نوردانم در حال سقوط است، خوشبختانه با وجود جثه کوچکترم به خواست خدا توانستم با استفاده از باتوم‌ها، از حادثه ای ناگوار پیشگیری کنم، هم‌نوردم دچار گوگرد گرفتگی شده و برای چند ثانیه هوشیاری اش را از دست داده بود.

بالاخره ساعت ۹ شب به محل کمپ رسیدیم و صبح روز بعد به همراه تمامی اعضای گروه به سمت پایین حرکت کردیم و به یاری خدا برنامه مان با سلامتی کامل تمامی هم‌نوردان به پایان رسید.

شاید برای کسانی که با کوهنوردی مانوس نباشند، این صعود و فرودها به نظر بیهوده باشد، ولی کوهنوردی ورزشی است که در آن تمامی وجود انسان به چالش کشیده می‌شود و موفقیت در آن لذتی وصف ناشدنی، انرژی مضاعف برای مقابله با دشواری‌های زندگی، و تجربه عملی «خواستن توانستن است» می‌باشد.

در پایان برای همه کوهنوردان همشهری، اعضای محترم گروه‌های یاشیل میشو و قیه ارخی سلامتی و توانمندی آرزوم دارم.

با تشکر از کلیه مسئولین مجله وزین پیام شنبستر و با تشکر از بزرگوارانی که وقت گرانبهای خود را صرف مطالعه مقاله این حقیر نمودند.

کردیم. در آخرین برنامه مان به قصد قله ی توچال، عملکردم بقدری موفقیت آمیز بود که سرگروه به من پیشنهاد شرکت در برنامه قله دماوند را داد. با این که قبلاً به قله‌های مختلف صعود کرده بودم، اما صعود به دماوند برایم مانند یک حسرت بزرگ باقی مانده بود، خلاصه شوق و انگیزه این صعود در من زنده شد و با کمال میل درخواست عضویت دادم.

در نهایت صبح روز ۶ شهریور ۹۹ به همراه گروهی از کوهنوردان، از روستای ناندل، از جبهه شمال شرقی، به سمت قله بی همتای دماوند حرکت کردیم، بعد از ظهر در محل تخت فریدون کمپ زدیم و صبح روز بعد بخش اصلی صعود را آغاز نمودیم، متأسفانه بعد از ارتفاع ۴۸۰۰ متری گروه به تدریج ریزش کرد و از گروه شانزده نفره مان، تنها من و دو نفر از آقایان موفق به ادامه مسیر شدیم.

از ارتفاع ۵۵۰۰ متری صعود ما بسیار چالشی شده بود، زیرا ما در قله در حال افزایش بود و هوا به سرعت سردتر می‌شد، ما ابتدای یخچال‌ها بودیم و تعدادی از کوهنوردانی که از قله برمی‌گشتند، به ما توصیه می‌کردند که برگردیم، ولی ما عزم مان را جزم کرده بودیم که حتماً صعود کنیم. سرانجام به یاری خدا، در میان اشکهای شوق خود و دو هم‌نوردم به قله رسیدیم و پس از ثبت لحظاتی بی نظیر قله را ترک کردیم.



## فراخوان

در نیمه دوم دهه هشتاد (۱۳۸۰) شخصی در شبستر حدود پانزده میلیارد تومان از مردم شهرستان پول گرفته بود که با آن کار کند و ماهیانه مبلغی به صاحبان سرمایه پرداخت نماید؛ ولی بعد از مدتی فراری شد و همه پول‌های مردم را برد.

با چند تن از دوستان به فکر افتادیم، با عنایت به این که عده‌ای به علت کپولت یا عدم توانائی جسمی و یا کمبود سرمایه و یا هر دلیل دیگری خود نمی‌توانند با آن مبلغ داشته خود کار کنند؛ لذا بهتر می‌شود که شرکتی سهامی تشکیل دهیم که با سهام جمع‌آوری شده مردم داوطلب و با هیأت‌مدیره و مدیرعامل انتخابی کار کنند و همه سهامداران ضمن تضمین سرمایه خود از سود حاصل بهره‌مند شوند.

با همراهی و هم‌فکری تعدادی از کارآفرین‌های موفق و انسان‌های نیک‌اندیش منطقه شرکتی به نام «توسعه پایدار میشو» تشکیل و با سی نفر مؤسس که هر کدام با سه میلیون تومان آورده که جمعاً نود میلیون تومان می‌شود شروع به کار نموده و پس از طی مراحل اداری و به ثبت رسانیدن، با هیأت‌مدیره و مدیرعامل انتخابی روی طرح‌های مختلفی تحقیق و بررسی شد و طرح‌های توجیهی هم تهیه گردید؛ ولی با توجه به وضعیت اقتصادی نامناسب روز و کمبود امکانات لازم نتوانستیم پروژه مناسبی را اجراء کنیم و مورد اعتراض تعدادی هم قرار گرفتیم ولی با توجه به سفارش الهی به صبر و تأمل در سوره نصر ناامید نشده و به تلاش ادامه دادیم. چندی پیش با مصوبه مجلس شورای اسلامی در شهرستان ما نیز تعاونی عمران شهرستان شبستر با امتیازات و ویژگی‌های خاص به کمک فرمانده محترم وقت و مسئولین مربوطه و شخصیت‌های کارآمد اقتصادی منطقه جهت اجرای پروژه‌های عمرانی و توسعه تشکیل گردیده و اخیراً امتیاز احداث بزرگراه شبستر به تبریز را به طول ۳۳ کیلومتر که از راه شبستر-صوفیان-تبریز فعلی ۲۲ کیلومتر نزدیک‌تر می‌باشد، کسب نموده و با استانداری و وزارت راه و شهرستان توافقنامه امضا نمودند. با هماهنگی‌های انجام شده بین مسئولین و هیأت‌مدیره تعاونی عمران شهرستان شبستر و شرکت سهامی توسعه پایدار میشو موافقت گردید که اجرای این پروژه بزرگ عمرانی را شرکت توسعه پایدار میشو عهده‌دار گردد.

این بزرگراه با بررسی‌های کارشناسی انجام شده قرار است در طول حداکثر سه سال احداث گردد و در مدت شش سال بهره‌برداری هزینه اولیه احداث را که مبلغ ۳۸۰ میلیارد تومان برآورده شده است، برگرداند. پس از احداث به مدت بیست سال بهره‌برداری از بزرگراه در اختیار شرکت توسعه پایدار میشو قرار خواهد گرفت، برای سوددهی بهتر قرار است در سه نقطه در کنار بزرگراه مناطقی را جهت اجرای پروژه‌های خدماتی، رفاهی، گردشگری و کشاورزی گلخانه‌ای و ... در اختیار شرکت گذاشته شود. برابر نظر کارشناسان فنی مبنی بر سوددهی بود مناسب پروژه، صلاح بر این است که از سرمایه‌های دولتی و وام و کمک ارگان‌های کشور استفاده نشده و کل پروژه توسط خود شرکت انجام و عواید آن نیز نصیب سهامداران گردد.

با بررسی‌های انجام شده و با توجه به سوددهی مناسب پروژه و وجود اشخاص توانمند کافی حاضر به سرمایه‌گذاری، قرار شده است شرکت سهامی توسعه پایدار میشو افزایش سرمایه بدهد و کلیه همشهریان ارجمند بتوانند در شرکت سرمایه‌گذاری نمایند و طبیعی است که سهامداران اولیه تقدم داشته و در صورت عدم علاقه می‌توانند سرمایه خود همراه با سود آن دریافت نمایند.

تشکر و قدرانی از هیأت‌مدیره محترم شرکت که در این مدت طولانی بدون دریافت هیچ‌گونه حقوقی و امتیازی تلاش نموده و شرکت را به این فرجام نیک رسانیده‌اند برای هیأت‌مدیره جدید در انجام این پروژه و سایر طرح‌های مفید و بهره‌وری مناسب سهامداران آرزوی موفقیت‌های روزافزون داریم. امیدواریم اجرای این برنامه مهم و مناسب باعث عمران و توسعه شهرستان و تحول و رونق کسب و کار همشهریان گردد.

## فرماندار جدید شبستر معرفی شد

فرمانداری شبستر قدردانی شد. حسین عبداللهی دارای مدرک کارشناسی ارشد مدیریت و دارای سوابقی از جمله کارشناس و رئیس گروه برنامه‌ریزی و بودجه وزارت کشور می‌باشد و از سال ۹۷ نیز معاونت برنامه‌ریزی و امور عمرانی فرمانداری شبستر را بر عهده داشت.



تبریز- ایرنا - فرماندار جدید شهرستان شبستر در جلسه شورای اداری این شهرستان با حضور معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار آذربایجان شرقی معرفی شد. در این جلسه حسین عبداللهی به عنوان فرماندار جدید این شهرستان معرفی و از خدمات و تلاش‌های حسن مستفید در مدت ۳۰ ماه تصدی

## بیشتر دانش آموزان شبستر در کانکس درس می‌خوانند

تا پایان دوره متوسطه یادآور شد: چرا بعد از ۴۲ سال، در تعدادی زیادی از روستاهای کشور دانش آموزان به جای مدرسه در کانکس درس می‌خوانند. حدود ۸۰ درصد مدارس شبستر توسط خیرین ساخته شده، پس سهم دولت و آموزش و پرورش کجاست. وی خاطر نشان کرد: مگر رسالت اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران گسترش عدالت نیست. از رییس جمهور می‌خواهم به این اصل بسیار مهم توجه کرده و مسوولان مربوطه را ملزم به اجرای کامل اصل سی ام قانون اساسی کند.

نماینده شبستر هم در تذکر شفاهی خود در صحن علنی مجلس اظهار داشت: در بند ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی برای افزایش تولیدات کشاورزی و صنعتی، جهت تامین نیازهای عمومی کشور و خودکفایی و عدم وابستگی به بیگانگان، تاکید شده است. اما ۸۰ درصد نهادهای دامی از خارج کشور تامین می‌شود، چرا رییس جمهور و وزیر جهاد کشاورزی به اجرای این اصل مهم توجه نمی‌کنند؟ جعفر راستی با اشاره به اصل سی ام قانون اساسی مبنی بر وظیفه دولت برای ارائه امکانات آموزشی رایگان به همه

## تعیین یکی از حمام‌های دانشوری و دوقلوی شبستر به عنوان موزه



در رشته‌های باستان‌شناسی، مرمت آثار، موزه‌داری و مردم‌شناسی پذیرش دانشجویی و از طرف دیگر زمینه اشتغال برای چند نفر ایجاد شود.

با چنین سبک و ساختار سنتی می‌تواند یکی از جاذبه‌های گردشگری مطرح در سطح شهرستان و استان باشد. فرماندار شبستر در ادامه ضمن ابراز امیدواری مبنی بر تایید حمام دانشوری به عنوان موزه شبستر افزود: امیدوارم با حمایت‌های اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان و همچنین مشارکت شهرداری و شورای اسلامی شهر شبستر اقدامات لازم جهت مرمت و بازسازی آن صورت گیرد تا شهر شبستر نیز دارای موزه گردد. وی به مزایای وجود موزه در شهرستان اشاره کرد و گفت: در صورت وجود موزه و معرفی آثار تاریخی ضمن رونق گردشگری، این نهاد می‌تواند

به گزارش روابط عمومی فرمانداری شبستر، فرماندار در این بازدید ضمن تاکید بر حفظ آثار تاریخی شهرستان گفت: این بناهای تاریخی از شاخص‌ترین و کم نظیرترین ظرفیت‌های گردشگری شهرستان می‌باشد که جهت فعالسازی ظرفیت‌های گردشگری شهرستان بایستی با مشارکت شهرداری شبستر و اداره میراث فرهنگی گردشگری نسبت به احیا و مرمت آنها اقدام نمود. عبداللهی پس از بازدید حمام دوقلو گفت: موضوع گردشگری در شهرستان شبستر با وجود پتانسیل‌ها و قابلیت‌های مطلوب آنچنان که باید در این شهرستان رونق نگرفته است. این حمام

## آذربایجان شرقی، پنجمین استان پیر کشور / تنهایی، سهم سالمندان نیست



و ارگانها در دوره سالمندی جزو ماهیت طبیعی زندگی بوده و باید طوری برنامه‌ریزی کنیم که با رعایت برخی اصول مورد تاکید کارشناسان سلامت و حوزه بهداشت در طول عمر شامل نوزادی، کودکی، نوجوانی، جوانی و بزرگسالی به سلامت در دوره سالمندی دست پیدا کنیم.

وی، طراحی برنامه‌های ورزشی خاص برای انجام فعالیت‌های فیزیکی و برنامه‌هایی برای جلوگیری از ابتلای سالمندان به آلزایمر را از جمله مداخلات برای ارتقای سلامت این گروه عنوان کرد و گفت: خاطره‌گویی و ورق زدن آلبوم‌های عکس، بازی‌های فکری مانند شطرنج، منچ و بازی‌های فکری و حل جدول کلمات متقاطع و ارتباطات اجتماعی در جلوگیری از ابتلا به آلزایمر بسیار موثر هستند و می‌توانند سن شروع آلزایمر در سالمندان را به تاخیر بیندازند.

کارشناس مسئول بهداشت خانواده مرکز بهداشت آذربایجان شرقی گفت: استان ما بر اساس آمار سال ۹۵، پس از استان‌های گیلان، مازندران، استان مرکزی و استان همدان، پنجمین استان پیر کشور است.

ناصر رهبری در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به اینکه بر اساس اطلاعات سامانه سیب، ۱۱.۳ درصد جمعیت آذربایجان شرقی را سالمندان تشکیل می‌دهند، اظهار کرد: شهرستان شبستر جزو مسن‌ترین شهرستان‌های آذربایجان شرقی به شمار می‌آید.

وی، تنهایی و مجرد سالمندی را از عمده مشکلات این دوران عنوان کرد و گفت: این تنهایی می‌تواند علاوه بر ایجاد مشکلات جسمی، مشکلات روحی و عاطفی مانند افسردگی و پرخشگری منتج شود، از این رو نباید جویای احوال پدر و مادر شدن را فراموش کنیم. پیگیری و احوال‌پرسی همه روزه با تلفن یا از طریق شبکه‌های مجازی به عنوان جایگزینی برای سر زدن حضوری به پدر و مادر در دوران پاندمی کرونا مطرح شده است؛ ارتباط تصویری می‌تواند تا حدودی کمبودهای سر زدن حضوری و خلا عاطفی را برطرف کند.

وی، سلامت دوره سالمندی را وابسته به سبک زندگی در طول دوران‌های مختلف رشد دانست و افزود: زندگی حلقه وابسته به همی است که می‌توان گفت سلامت دوره سالمندی به دوران بارداری مادر، نحوه سلامت جنین و نحوه مراقبت در دوره نوزادی هم بستگی دارد. رهبری ادامه داد: کهولت اندام‌ها

## بیشتر دانش آموزان شبستر در کانکس درس می‌خوانند

روستاهای کشور دانش آموزان به جای مدرسه در کانکس درس می‌خوانند. حدود ۸۰ درصد مدارس شبستر توسط خیرین ساخته شده، پس سهم دولت و آموزش و پرورش کجاست؟ وی خاطرنشان کرد: مگر رسالت اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران گسترش عدالت نیست. از رییس جمهور می‌خواهم به این اصل بسیار مهم توجه کرده و مسوولان مربوطه را ملزم به اجرای کامل اصل سی ام قانون اساسی کند.



برای ارائه امکانات آموزشی رایگان به همه تا پایان دوره متوسطه یادآور شد: چرا بعد از ۴۲ سال، در تعدادی زیادی از

نماینده شبستر هم در تذکر شفاهی خود در صحن علنی مجلس اظهار داشت: در بند ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی برای افزایش تولیدات کشاورزی و صنعتی، جهت تامین نیازهای عمومی کشور و خودکفایی و عدم وابستگی به بیگانگان، تاکید شده است. اما ۸۰ درصد نهاده‌های دامی از خارج کشور تامین می‌شود، چرا رییس جمهور و وزیر جهاد کشاورزی به اجرای این اصل مهم توجه نمی‌کنند؟ جعفر راستی با اشاره به اصل سی ام قانون اساسی مبنی بر وظیفه دولت



## کوزه کنان به قطب مسابقات اتومبیل رانی آذربایجان شرقی تبدیل می شود



«درگ» هیات موتورسواری و اتومبیل رانی آذربایجان شرقی ثبت نام کرده اند و استقبال از این رشته ورزشی در استان بالاست. امیرخیزی در پاسخ به این سوال که مشکل اصلی هیات های موتورسواری و اتومبیلرانی شهرستان های آذربایجان شرقی در زمان حاضر چیست، گفت: متأسفانه ما در هیچ یکی از شهرستان های ۲۱ گانه استان مکانی برای فعالیت موتورسواران و اتومبیلرانان در اختیار نداریم.

امیرخیزی یکی از مزیت های سفر به شهرستان های آذربایجان شرقی را ساماندهی موتورسیکلت ها و اتومبیل های دست ساز خود ورزشکاران و علاقه مندان به این ورزش عنوان کرد و گفت: با نشستی که با روسای نیروی انتظامی و راهنمایی و رانندگی شهرستان ها برگزار می کنیم، برای حل مشکلات مکان و تردد این وسایل نقلیه و ورزشی همکاری کرده و دنبال راهکار هستیم.

سیامک امیرخیزی (رئیس هیات موتورسواری و اتومبیلرانی آذربایجان شرقی) روز دوشنبه (۱۴ مهر ۱۳۹۹) در گفتگو با خبرنگاران با اشاره به سفر اخیر اعضای هیات موتورسواری و اتومبیل رانی آذربایجان شرقی به شهرستان شبستر افزود: این سفر بنا بر درخواست رئیس هیات موتورسواری و اتومبیلرانی شبستر و نیز اداره ورزش و جوانان این شهرستان برای بررسی راه های توسعه ورزش موتورسواری و اتومبیلرانی در این خطه انجام شد.

وی با بیان اینکه بازدید از شبستر برای پنجمین بار انجام شد، خاطرنشان کرد: در این سفر با شهردار شهر کوزه کنان از توابع شهرستان شبستر نیز دیدار و تفاهم نامه ای مبنی بر در اختیار گذاردن یک هزار مترمربع زمین با انشعابات لازم جهت ایجاد ساختمان اداری و خوابگاه هیات موتورسواری و اتومبیل رانی استان در آنجا توسط شهرداری امضا شد.

وی اضافه کرد: در دیدار با شهردار کوزه کنان همچنین صحبت های اولیه برای اختصاص زمینی به منظور ایجاد پیست اتومبیل رانی در این شهر انجام گرفت که تحقق آن نیازمند حمایت مسوولان شهرستان و استانی است.

وی تشریح کرد: یکی از ۲ مسابقه «رالی» سفری است که هم به صورت خانوادگی و هم رالی در جاده های شهری و کوهستانی انجام خواهد گرفت و دیگری مسابقه «درگ» خواهد بود که به تازگی با فعال شدن کمیته «درگ» قصد برگزاری آن داریم.

وی یادآوری کرد: تاکنون حدود یکصد نفر بای عضویت در کمیته

## مرمت خانه جهادی دیزج خلیل شبستر ۷۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد

این روستا شامل چند هسته اولیه تاریخی است و محورهای خطی بافت محلات در امتداد این هسته ها شکل گرفته اند که برای گردشگران داخلی و خارجی می تواند جزو مقاصد اصلی به شمار رود.

وی ادامه داد: بخش های اصلی خانه جهادی دیزج خلیل که متعلق به دوره قاجاریه است در سه جبهه شمالی، غربی و جنوبی ساخته شده است و مصالح اصلی آن را خشت و چوب تشکیل می دهد و همچنین این خانه از تزیینات اصیل و متنوع وابسته به معماری خانه های ایرانی برخوردار است.



حمزه زاده با اشاره به بافت تاریخی منحصر به فرد روستای دیزج خلیل شهرستان شبستر، اضافه کرد: بافت تاریخی و زیبای

احمد حمزه زاده (مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی آذربایجان شرقی) روز یکشنبه (۲۰ مهر ۱۳۹۹) در بازدید از این خانه تاریخی، با اشاره به اینکه مرمت این اثر تاریخی از سال ۱۳۹۷ شروع شده است، افزود: تاکنون مراحل نظیر خاک برداری، زیرسازی و سنگ فرش حیاط، آماده سازی و کاشی کاری و سرامیک مطبخ، استحکام بخشی پایه دیوارهای زیرزمین، اندود گچ و خاک دیوارها و فضای داخلی زیرزمین، حذف الحاقات در فضای داخلی مجموعه، خاک برداری و بلوکاژ کف اتاق های زیرزمین انجام شده است.



## سخنهای حکیمانه

- برای اینکه دانش ملکه شود، تعلیم کافی نیست، عمل لازم است (برنادشاو)
- برای آدم بهانه گیر همیشه بهانه وجود دارد (ضرب المثل آلمانی)
- پول غلام مرد عاقل است و ارباب مرد احمق (ضرب المثل آلمانی)
- عارفان کز جام حق نوشیده اند/رازها دانسته و پوشیده اند (مولوی)
- هر آموزشگاهی راکه بازکنید در زندانی را بسته اید (ویکتور هوگو)
- معنی حیات را در زیبایی و قدرت اراده باید جستجو کرد (ماکسیم گورکی)
- عبادت بجز خدمت خلق نیست/به تسبیح و سجاده ودلق نیست (سعدی)
- بشر موجودی است که باید بر خود غلبه کند (نیچه)
- اگر گلی سالم باشد میوه آن هم سالم خواهد بود (ضرب المثل چینی)
- انسان در هر کاری بایستی بداند کجا باید ترمز کند (ضرب المثل فرانسوی)
- پیروزی یعنی اراده کردن است (ناپلئون)
- همت مردان کوههارا متلاشی می کند (حضرت علی)
- انتقاد توانائی مردم ناتوان است (لامارتین)
- استعداد بزرگ بدون وجود اراده بزرگ وجود ندارد (بالزاک)
- خوارترین مردم کسی است که مردم را خوار شمارد (حضرت محمد)
- تحمل و بردباری بالاترین جرات و جسارت است (پاستور)
- خردمند آنچه را می داند نمی گوید و آنچه را بگوید می داند (ارسطو)
- تملق خوراک ابلهان است (شکسپیر)
- زمان ناخوشی را به حساب عمر مشمرید (افلاطون)
- پوزش و عذر خواهی دلیل خردمندی است (حضرت علی)
- درد برای انسان صبور مفهومی ندارد (ضرب المثل انگلیسی)
- آنجا که حقیقت نباشد همه چیز پست و زشت و مبتذل است (سقراط)
- مبادا که ترس از مردم شمارا از گفتن حقیقت باز دارد (حضرت محمد)
- عشق حواس را از دیدن عیوب منع می کند (ارسطو)

تهیه و تنظیم: سیدمحمد ورنذیلی

**تهران: آقای هاشم اصغرپور** مطالب مجله آموزنده و مفید می باشد، ولی خواندن مطالب ترکی آن سخت است، مجبورم چندین بار بخوانم تا بفهمم، این مورد هم توجه شود.

**پیام شبستر:** از این که موشکافانه به مطالب مجله خودتان توجه و عنایت می فرمائید سپاسگزاریم و نظرتان را در مورد مقالات ترکی لحاظ خواهیم کرد.

**تهران: آقای حسین فطوره چی** از مطالب و مندرجات مجله راضی هستم ولی مطالب علمی آن خیلی حرفه ای و سنگین می باشد. کمی ساده و قابل فهم نوشته شود. از مقالات تاریخی هم بیشتر استفاده می کنم.

**پیام شبستر:** از نظر و توجه آن جناب نسبت به مجله پیام شبستر ممنون هستیم و سعی خواهیم کرد پیشنهادات آن عزیز را تأمین نمایم، البته رعایت روان نویسی و قابل فهم بودن مطالب یکی از اصول اولیه مجله می باشد.

**تهران: خانم دکتر منیره کاظم زاده** مجله بسیار خوبی است و خوب تر هم شده و مطالب ترکی آن هم خوبه ولی اگر ساده تر نوشته شود قابل فهم تر خواهد بود. من خوشحالم از این که مجله به این خوبی برای منطقه شهرستان شبستر منتشر می شود و ما را که از زادگاهمان به دور هستیم به آن جا می برد و یاد و خاطره دوران کودکی و گذشته را زنده نگاه می دارد. از این بابت از دست اندرکاران محترم مجله تشکر می کنم.

**پیام شبستر:** با اظهار نظر و لطف تان مسئولیت ما را در انتشار مجله با کیفیت برتر دوچندان می فرمائید. امید است با همفکری و مساعدت همشهریان عزیز آینده هر چه بهتری را برای مجله تدارک ببینیم.

**بندرانزلی: آقای کنعان قدملی زاده** مجله مشغول کننده و خوبی است و تا حالا هم راضی هستم.

**پیام شبستر:** از قدرشناسی آن جناب سپاسگزاریم، سعی خواهیم کرد رضایتمندی خوانندگان محترم مجله را با همکاری و همفکری شما عزیزان فراهم نماییم.

**تهران: آقای بهزاد دانشوری** مجله خوبی است و همیشه می خوانم و لذت می برم.

**پیام شبستر:** از ابراز نظر و محبت تان ممنونیم، منتظر نظرات ارزنده جنابعالی هستیم.

((پیشنهادات، انتقادات و تشویقات مخاطبین همواره سرلوحه و راه گشای مجله پیام شبستر خواهد بود.))

تهیه و تنظیم: محمدرونقی

## افقی

۱	ش	ب	س	ت	ر	ت	س	و	ج	ص	و	ف	ی	ا	ن
۲	ک	ا	ر	م	ن	د	ا	ن	م	م	و	ل	و		
۳	س	ر	ر	گ	ق	د	ی	ا	غ	و	ش				
۴	ت	ا													
۵	ش	ن	ی	د	س	ت	م	م	ق	ل	ب	ی	ا		
۶	ی	ک	و	و	و	ب	ل	ی	ا	ن	ر				
۷	ش	ه	ر	ا	ت	م	ی	ش	ب	ی	ر	ی	و		
۸	ه	د	د	ی	ج	ر	ب	م	و	ل	و	ی			
۹	د	ر	س	ا	ر	ب	ا	ن	خ	ر	م	ی			
۱۰	ل	ک	ت	ا	و	و	م	و	س	ش	و				
۱۱	ر	و	ا	ی	ه	ر	ا	ی	ی	ع	ز	ب			
۱۲	ا	ی	ر	ق	ی	ز	س	ر	ع						
۱۳															
۱۴	م	س	ج	د	ج	ا	م	ع	ش	ب	س	ت	ر		
۱۵	ن	د	ی	م	ا	ذ	ر	ر	ب	ا	ی	ج	ا	ن	ی

- ۱-.....مگو صدایی نیست که این صدا به قیامت بلند خواهد شد - تو نیستی
- ۲-.....لطافت طبعش خلاف نیست در باغ لاله روید و در شوره زار حسن - انگلیسی او - مانع
- ۳- راز- راه کوتاه- جوهر مرد- از محلات قدیمی تهران
- ۴- آب مروارید چشم- از رشته های ورزشی- شبیه و مانند- غنیمت است
- ۵- مال بعضی ها رنگ ندارد- جملات قرآن
- ۶- نیمه ی تدبر- از میوه های شیرین بهاری- حرف ربط- دو یار قد بلند.
- ۷- بین زانو و مچ پا- ناچار و ناگزیر- نصف مذمت
- ۸- علامت نسبت- راه کج- نیم صدای الاغ
- ۹- نماز شب - روز نیست.
- ۱۰- ته دل - جانشین او- حرف همراهی
- ۱۱- آدم بخیل و فرومایه- یکی از نت های موسیقی
- ۱۲- سودآور- نیمه تجدد
- ۱۳- چوب گردن گاو- سخن منظوم- حرف اضافه
- ۱۴- فلز سفید و سبک.
- ۱۵-.....از مرگ سهراب آمدی سنگدل این زودتر می خواستی حالا چرا؟

به ۳ نفر از خوانندگان عزیز که جدول را حل و به واتساپ شماره ۰۹۱۹۴۱۷۵۸۷۴ ارسال نمایند به قید قرعه یک سال مجله پیام شبستر ارسال خواهد شد.

## عمودی

- ۱- ظرف غذاخوری و از اعضای کامپیوتر
- ۱۱- بوی ها- نجات و آزادی- مرد مجرد و بی زن
- ۱۲- جوش های ریز بدن
- ۱۳-۱۴- یکی از آثار باستانی شهر شبستر
- ۱۵- مونس مردم- استان های تورک نشین شمال غرب ایران

## حل جدول شماره ۲۳

۱	ه	ز	ا	ر	س	ی	ص	د	و	ن	و	د	و	ن	ه
۲	م	ی	ا	ر	م	ی	ا	ر	و	ع	ص	ا			
۳	ی	ن	ر	ن	د	د	ج	د	ا	د	ی	ر			
۴	ش	ا													
۵	ه	ب	و	ب	پ	ر	ی	چ	ه	ر	ه	ت	ن		
۶	خ	ز	ه	ا	و	ب	ا	ش	ه	ا	و	ی			
۷	و	ن	گ	س	ن	ا	ا	ی	ر	پ	ه				
۸	ش	گ	ر	ف	س	ی	ب	ه	ن	د	و	ا	ن	ه	
۹	ب	ی	ن	ی	م	ا	ش	ج	ن	ت	ه	د	ل		
۱۰	ا	ا	س	ا	ر	ا	ت	ا	د						
۱۱	ش	ا	د	م	ا	ن	ب	ی	ن	م	ر	ا	ح	ل	
۱۲	ی	و	م	ر	ی	ک	ل	ف	م						
۱۳															
۱۴	ح	س	ی	ن	ک	ر	د	ش	ب	س	ت	ر	ی		
۱۵	س	ا	ی	ه	ا	ر	و	م	ی	ه	گ	و	ل	ی	